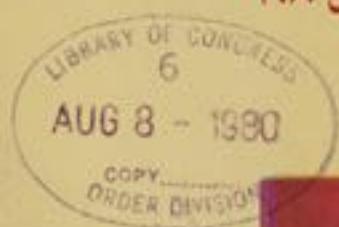


# شنبہ ۲۱ سلطان

۱۹۸۰ جمی ۱۱



۱۵۵۲۱/۰۲۷۱۷۰

شماره ۱۳۵۹  
سال سی و دوم

Ketabton.com



دوكتورس ازاهيما راتب زاد عضو بــوروبي  
سياسي وعفو كميته مرکزي حزب دموکراتيان  
خلق افغانستان، عضو شورای انقلابي و وزير  
تعلیم و آریه جمهوري دموکراتيان افغانستان  
که به سلسله ديدار رسمني از يكعده آشورها  
اخيرا در راس هياتي به پاپوانگيني رسمند  
و احتراف بازديد آزان آشور هي باشد روز ۱۶  
مردان باوزير اعداء آن آشور ملا فان  
نمود.

\*\*\*

تصديقناهه هاي دومين دوره فارغان فکولته  
فغانين حزبي انتيتوت علوم اجنبى كميته  
مرکزي حزب دموکراتيان خلق افغانستان بعد  
از ظهر روز ۱۴ سرطان در حاليکه دستور  
دستور دهد زيري و فردا حمدند سور اعضاي  
دارالاشا واعضاي بــوروبي سياسي كميته مرکزي  
نعم الدين گوياني رئيس تشکيلات كميته  
مرکزي فدامحمد دهشين رئيس كميسيون  
تبيوي، تبلیغ و ترويج كميته مرکزي دموکراتيان  
خلق افغانستان حاضر بــودند طي مراسمي در  
هئر كميته مرکزي حزب دموکراتيان خلق افغانستان  
توزيع گردید.

\*\*\*

عبدالمجيد سربلند وزير اطلاعات و گفتور  
پس از اذکرمسافرت رسمي و دوستاني به جمهوريت  
جمهوريت افغانستان در ۱۸ سرطان  
نه کابل بازگشت.

در ميدان هوايی بين المللی کابل بعضی از  
اعضاي كميته مرکزي حزب دموکراتيان خلق  
افغانستان، شورای انقلابي، عده يی از عضاي  
شوراي وزيران معین گلتوري و روسای دوايز  
مرکزي و موسسات نشراتي وزارت اضلاع  
و گلزار از همچيد سربلند استقبال نمودند.

\*\*\*

هيات مدیره بانک انتشار صنعتي افغانستان  
تحت رياست عبدالوکيل وزير مليه و رئيس  
هيات مدیره بانک مذکوره قبل از ظهر روز  
۱۸ سرطان در محضر آن بانک تشکيل جلسه  
داده و پراهمون را پورهای هيات عمل، هیان  
نقار و پرسی های حساب نفع و فدر سال ۱۳۵۸  
شیت و صورت حساب نفع و فدر سال ۱۳۵۸  
سوسيالستي چکسلواکيا در کابل هاشتراك  
بايان را تصويب و منتظر نمود.

\*\*\*

فضل دھيم موئند وزير زراعت و املاجوان  
ارمن قبلي از ظهر ۱۸ سرطان در دفتر گا دش  
دانوارد برآجي سفير بولند مقیمه کابل ملاقات  
نمود.

علی این ملاقات در هر مسائل ذي علاقه  
به خاطر حمایت و پشتیبانی از مرحله توین تکامل  
انقلاب تور در مرکزان علاقه داری تشکيل  
و ترتیب کادرهای فن زراعتی در آینده تبادل نظر  
صورت گرفت.



بــرك کارمل منشي عمومي كميته مرکزي حزب دموکراتيان خلق افغانستان، رئيس شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري دموکراتيان افغانستان هنگامیکه وزير امور خارجه جمهوريت سوسیالستي چکسلواکيا را بــراي ملاقات پذيرفته و با وي صحبت می نمایند.

## املا و قایه موقت

وزيران روز ۱۶ سرطان از ساعت دو تا شش  
روي مسائل هر دو شوراي انقلابي  
ارگ کلمه نمود.

• • •

از طرف بــرك کارمل منشي عمومي كميته  
مرکزي حزب دموکراتيان خلق افغانستان،  
رئيس شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري رئي  
وزيران روز ۱۸ سرطان در هر شوراي انقلابي  
ارگ ناير گردید.

در جلسه ۱۸ سرطان شوراي وزيران که به  
ادامه جلسه روز دو شنبه ۱۶ سرطان شوراي  
مذکور داير شد روی موضوعات باقیمانده  
شامل اجنداد بحث بعمل آمده تسامیم لازم  
انجام گردید.

• • •

بــرك کارمل منشي عمومي كميته مرکزي  
حزب دموکراتيان خلق افغانستان رئيس  
شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري  
در ریام بــرك کارمل استوار ترين همبستگي  
افغانستان مردم و حکومت جمهوري دموکراتيان  
دوستاني با مردم قهرمان انگولا در مبارزات  
شان عليه دسايس اميراليزم، ایارتسايد و  
اورخارجه جمهوري دموکراتيان افغانستان و  
زنان ابراهيم یکبار دیگر ابراز شده است.  
اشغال شده نامیبا عليه جمهوري مردم انگولا  
عورت گرفته است تبیح گردند.

• • •

بــرك کارمل منشي عمومي كميته مرکزي  
حزب دموکراتيان خلق افغانستان رئيس  
شوراي انقلابي و صدراعظم جمهوري دموکراتيان  
پیلان جمهوري دموکراتيان افغانستان ساعت  
سیمعیار منشی ها و معاونین کميته های ولایتی  
سازمان دموکراتيان جوانان افغانستان را بــراي  
ملاقات در هر شوراي انقلابي پذيرفند.

• • •

تحت رياست رفيق بــرك کارمل منشي  
عمومي كميته مرکزي حزب دموکراتيان خلق  
افغانستان، رئيس شوراي انقلابي و صدراعظم  
جمهوري دموکراتيان افغانستان، شوراي

## درین شنمه‌هه

زبان امپریالیزم ...

...

امین دسی، آی، آی، پدیلان قدرت تهور سید.

...

سلسله گفت و سند های اختصاص زوندون  
درمیز مردم

...

کشور محبوب و مسلمان و انقلابی ما به بیش  
میروند

...

مولفت های تازه در تشخیص مرض  
سرطان

...

یس از جلسات هیئت‌های انتقالی با انتقال  
افغانستان

...

ایرلند شمالی و تفرقه اندازی انگلستان

...

مرتفع پردیس، نقاش می‌نماید و  
مجسمه ساز

...

نگاه مخصوص به وضع زنان  
درج‌واعم مختلف گذشت  
...

در محکمه فایلی چه خبر است  
...

بازیگر معروف هنر بالت

...

دنوی کال دجشن پنهانی گز  
...

شرح روی جلد: یکی از هنرمندان کشورهای  
دست

...

تابلوی متن:  
نمونه‌یی از زندگی مردم ما در گذشت

رفقا و دوستان، اتحاد‌سوروی بزرگ و صلح‌جهانه‌یی در راه کمک به مردم افغانستان  
نه تنها در دفاع از استقلال تمامیت از فسی و حاکمیت ملی افغانستان دست دوستی و قیصریانی  
تقدیم کرد بلکه صلح وامیت را در منطقه تجان داد و توپه بزرگ بین المللی را جایه‌جا فلنج  
وختن ساخت.

«بیرک کارمل»

شنبه ۲۱ سرطان ۱۳۵۹ - پنج جولای ۱۹۸۰

## پیو ندھای عھیق بو ادرانه

### وھمسایگی نیک اسنه حکامی یا بد

روابط افغانستان آزاد واقلایی در بر تو  
تاریخ حسن هم‌جواری و همسایگی نیک با  
افغانستان همه شاهدان اند که اتحاد شوروی  
بصورت بلا عرض از راه قمر معنو عی تلو.  
بیرون مسکو را بالتویزیون افغانستان در کابل  
او را داخلی دیگران گفته‌اند و سر حدات  
می‌توانند برو گرام های جالب و گما شایی  
مردم افغانستان و حافظه زمان بیاد دارد  
و دوستی نامیده اند.

جای شک نیست که این ارتیاط و دوستی  
د هم‌جواری در روشی انقلاب شکوهمند نور  
و بخصوص بعد از نکامل نوین انقلاب  
وارد بر حل تاریخی و پیروز مندانه خوین  
گردیده و به سوی برادران ارتقاء یافته  
است.

مثال بر جسته و فرایانی در تاریخ دوستی  
افغان و شوروی وجود نارد که حسن تفاهم  
برادران، برایری، همکاری و تعاون چانین  
را تسانده و اکثرا همچنانه آنرا در  
فردا های زندگی نوید می‌نند.

مردم افغانستان کمک نموده و مردم افغانستان  
با سهاس فراوان از روایت دوستانه افغانستان  
و شوروی دفاع می‌نمایند.

اما آنچه در مقطع دیگر گوئی های عھیق  
اجتماعی شد بر تو انقلاب نور که واقعاً مرحله  
مردم افغانستان را در ایامی کمک می‌کند  
که واقعاً نیاز آن احتمام می‌شود و این  
برایری درس رسانی فرستادن قطعات محدود  
و اکنده از صفاوصیمیت و رفاه بسیار خواهد  
نظمی شوروی به افغانستان است که طبق  
برد و آنکاه خاطره شریانه فر زمان کشود  
موازین بین المللی و قرارداد های فی مابین  
دو کشور ارزش تاریخی را حایز گردیده  
در کنار ما مردانه ایستاده اند گرامی خواهند  
است.

گذشته از همه درین روزهای در بهلوی داشت.

# کلکسیون

## ذبان امپریالیزم و مردم یکی نبود و هرگز نحو اهد شد

بر آمد واز کلکتین دو باره شاخل گردید به درواه آزادی و شرافت انسان، درواه آرامش و معادت جامعه پسری گامی بگذارد، اما زبان امپریالیزم امریکا از حلقومند برآمد و باهیاهوی گر گشته از حقوق پسر از آزاد و انسانیت سخن می زند.

اگر توجه به عمل آید تمام برو گرامهای رادیویی های امپریالیستی از پیش می سازند تا عدای امریکا و از صدای اعلان تا یکسان و دیگر رادیویی های اجیر و دسانه های جمعی امپریالیستی ساز و سر و دشان تعجب بشریت است اما در عمل طوریکه تاریخ روایت می کند بای شان در جنبشات یکشماری شرق گردیده که فقط ساده لوحان و تاریخ زمان و یا تو کران شان می توانند سخنان بیرون شان را قبول نمایند و بر عکس این امپریالیزم است که زنجیر اسارت و بردگی را در هر جایی حلقه زده و تجاوز و خارت را سازمان می دهد.

برای درک هو صوع حقایق زنده و انکار قدر پذیر جامعه خویش را مخصرأ به بررسی من گیریم و در روشنی فضای تاریخ استعمار مسؤولیت و تعهد اتفاقی درواه خدمت به انسان و وطن خویش به ارتباط گفته های که بر سردمیم یکبار دیگر تمام رو شکران و آزادی یعنی اهان و تمام مردم وظیر است افل لسان و منطقه را به این نکه متوجه می سازیم که آیا زبان گرسک و گوستنده یعنی زبان مردم امپریالیزم در فضای و رویداد های منطقی و جهانی یکی بوده می تواند با خیر؟

سوال دیگر ایشکه آیا ممکن است کند نی و یا قدرت هایی که کارخانه های زندگی شان جز کشنا بر حمله انسان و تجاوز به مال و ناموس مردم چیزی دیگر نبوده حق دارند، بنام مردم جهان و منجمله بنام مردم مستبدیده و آزاده افغانستان که تازه از زیر بار نظام های فاسد فیodalی و ما قبل آن سر بالا نموده اند و با سر افزایش بخار سعادت و شکوفایی کشور شان در بررسی اهداف انقلاب شکوهمند نور می رزمند و به رهبری حزب دمو کرانی خلق افغانستان درجت لمع و قصع تمام دشمنان داخلی و خارجی به یکار بی امان دست زده اند، عوض خود شان تجاوز گران بین المللی، نوکران واهرینان جانه تجاوز داده فریدا

کنند و از حقوق پسر دم بزندند، آیا این حق را دارند؟ آیا واقعاً آنها از منافع پسر دفاع می کنند یا از استعمار غارت؟ جواب باز هم روشن است که هر گز زیرا جنایتکارانی که علیه مردم ویتمام بجنایات بی شمار و فتک آوری دست زده اند، جطور می توانند بنام مردم افغانستان صحبت کنند، بای اینکه، آیا عقل سلم و شرف وجودان بیان اجازه میدهد آنها که شر قیمه را سالهای سال به آش خون کشانه و خلق عرب و فلسطین را نه

آتش تجاوزو خونریزی می سوزانند برادران مسلمان عرب مارا بی خانمان ساخته و اسرائیل تجاوز گر را چون رخنم نامور تا دندان مصلح نموده و مسلح می نماید، اجازه داد که بنام بشریت و آزادی و حقوق پسر سخن بزند؟ بقیه در صفحه ۱۱۶

ارتجاع و امپریالیزم و تمام ظاهر غیرگر ای شر تاریخ دشمن عده و اساس انسان عظیمی را متحمل شده و ازین لحاظ در لمح و عنایت وردش و تکامل جوامع بشری بوده و تا آجاییکه منافع استماری و استعماری آن ایجاد کند در میان دیگر گونی ها قرار گرفته و اما هرگز در بروسه رشد و تکامل مناسبات اجتماعی و تولیدی به نایوس تحول و ترقی ارج قابل نبوده و بر غدان موضع اختیار می نماید.

تاریخ بیان دارد که بورزاوی تا زمانی با کار و ترقی همگام است که منافع خودش در خطر نباشد، روی همین اساس در جوامع سرمه داری، نظام حاکم به وسائل و ذرایع مختلف جلوشده مناسبات تولیدی را گرفته و تقوت و افزایی دارد مواعن رایجند نبوده و شد آنرا می گیرد.

آنچه باعث رشد منوار و روز افرون جوامع سرمه داری در جهان گردید استعمار و استعمار بیان کشور های عقب مانده جهان است که سالهای سال سیاست های استعماری با ایجاد مستعمرات از آسا، افریقا و امریکای لاتین مواد خام ارزان بدست آورده و ازینه اند در تمام مناطق منتظره مارکیت های بر شرآمدی برای شان افتتاح نمودند که به این حساب در تمام دارایی ها و سرمایه کنونی جهان انصاری بخش عده آنرا غارت کشور های جهان عقب نگهداشته است تشكیل داده و از همین رو ارجاع و استعمار تلاش فراوان بخرج داد تا از ملائمه شدن سیاست استعماری جلو گیری نماید.

برایت تاریخ عصر کنونی، بعد از جنگ دوم جهانی سیاست استعماری در زیر خربزات بیمه مبارزات خلق های ماسکن در کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین میگردید که تمام کار نامه های تاریخ آن جنگ تجاوز و غارت چیزی نبوده و از جمله مردم غیر و بشار روز افزون سیاست آزادی بخش انتگری و نیرو مندی طبقه کارگر جهان نیز برآورد شد و دین مناطق جهان امتیازات عده خوبی را از دست داد.

دول استعماری بصورت بسیار بی رحمانه های مدھشی مواجه گردید تا بالآخره مجبور شد استلال افغانستان طبق پلان های جور و چهار نموده و همچنان طبق پلان های شومن بعد از اضمحلال سیاست استعماری اخصار باید گفته آید که، امپریالیسم ها و مملکات تاریخ را خلق نمودند که تاکنون مردم بعد از استلال میامی افغانستان از دروازه

پی پارلویو خوکیو پاندی کپیتوول .  
ددی لهاره چی خیل دروسی هدف ته  
ورسینی دکوند ملکی او یوش کادرنه نی  
یوه بیل پس له کوند، ازدو او دولت نه تصمیمه  
کیل او دافغان یوٹ په دنه کن یعن دنزادی،  
 محلی، سمتی، قومی او ارتجاعی ناسیونالیزم  
او رولکاوه چی داویو یه خرولو سره یعن کبان  
ونیول . له دی تصمیم سره یعن خیل منتصب  
وروسته پاتی، له عقدو دک منجع ناسیو نا-  
لیست دغوبیو وردی او دوینو تینی انبیوالان  
چی دفعه هر غوبسته یعن سنه رسوله لکه  
هیتلری کشتایو دخلکویریت او ناموس پاندی  
دتبیری پکن ته ولپین دول .

دغه ارجاعی پلان و روستیه برخه همه وخت  
بشهیه شوه چن اکساین پیشلو کوچا کیانو  
دکه کرله او فامیریالیستی هیواوده عربی  
من تجمع رزیمونو او دمیمی دجاموسی  
سازمانونو دشکنجه والویه لاربتوونه زمود د  
فیرمان گوند او بیتال ولس بر شد نیستلی  
شوه .

دعاقيتو نو به رنما کي ليدل کيندي جي حفيظ  
الله أمين د س، آي، آي دجاموسى سازمان  
دکار پوها نو يواسطه ديوه روزل شوي محلی  
زور واک او دیکاتور یه تو گه د کاپيل ہر  
تحت باندی کېښتو شو او دامين شا هانو  
دلري پنسنه يى كېښتو

هقه وخت چن هنه دیوو مطلق العنان يه

خیر دکایل پر نخت باندی تبینوں شو زموجه  
د کران وطن دتفویق قوی کولو په غر من

پی د افغا نستان د خلک دیمو کراتیک ګوښ

په مشر تابه دھیواد می دیمو من چېت خور  
خنګک ته یېر له یېس کوز ازوونه ور کړل او  
د کونډ مشران کدرونه او صفوونه می زندانه  
بوښونه ولیم. همدا شان یېن د گونډی یو.  
شن او ملک کادر و نو د نیو لو، بند یا نو  
او وټلو کار جاري و ساته او دھفوی دشکنجه  
کولو او د پلجرخی د سې یځور زندان د کولو  
لپاره یېن غیر انسانی هلو خلوا ته دوام ور کړ،  
زموره د اتل ګوټه یېتمو غړو = اميښ دل  
ټېلی د خبلو او شکلچو یې وړاندی یې مړانه  
او نارینټوب مقا و متنه د کړل او دېن ساری  
سر بشيند نو پور کو لو منه یېن د ھیواد،  
ولس او کونډ دفاع وکړ، اووله خا نه یېس  
اتلواں کار نامې پر یېشو دل چې ز مو ۲  
د راتلوا نکو نسلو نو د ستر و یاوه موجب  
کړ شيدلی دی .

ویاچ او شرف یه دغه اهلانو او کارنامو  
زین وونکو ملکرو چی پخپلو د ینو یعنی مزو  
د ویاچی هیواد د فنگو نو او بر موقو بیرغ  
تک سور او زیانده وسانه مکر د زور داکانو  
او فا شیستانو دزور یه ویاندی یه گوندو و  
نه شمول .

وطني هيتلر حفظ الله امين د خجل گشتان  
يو بلاس دخلکو ، هبیواد ، ملي دیمو کرا -  
اتیک غور شنگ او دافقا تستان دخلک دیمو -  
کراتیک گوند پر ضد پرایخ تیری بیل کي  
چې دهیواد د لوټي لوقن کو لو تر شنگ  
پی زموږ د دخلکو د سر و مال د لو ټولو ،  
زوندي ژوندي پشخولو چال چلنډ هم جا ری  
وسانه او دخلکو به پر کنو او د ګوړد په  
غنو پیو لو لیکو لو نه ډک کړول .  
پاتني په ۴۰ مخ کړي

ناؤلی منکلی سری کهلمی .  
داستان خیبر له شهادت نه خو درخس  
وزوسته دارتیجاع اوسمیا له یلان سره مسم  
دافتارستان دخلک دموکراتیک گوند دمتر تابه  
غیری دمسدار محمد داود په امر پندیان شول  
مکر حفیظ الله امین بی غمه پیچپل کور کی  
پاتش شو او هیجا ورته هیخ ونه ویل او په  
هاکه خر گندیدی چې دتوورو لاسوون او نه  
خر گنده قوتونو یلان منائل شویدی .

او انجاع او امیریالیزم همه در لرده چس  
د حفظ الله امین پلاس داستاد خیبر و هشیده دار  
غوشتن چن له وخت نه کته واخلى او د  
سردار محمددادو د بواسطه دا فغانستان د خلک  
دموکراتیک گوند یه مشترابه دهیواد ملی  
دموکراتیک لور شنک و خسی - مگر بینو  
دهنفوی دغوشتو پر خلاف تور نتایج مینخ ته  
راومتل او دا فغانستان دخلک دموکراتیک گوند  
یه لار شیوه دوسله وال پوش انقلابی صاحب  
منصبانو دخلکو له ارادی سره سه دئسور  
بر تعین انقلاب برویالی که او دنادرد - یحیی  
د کورشی تغیریون و تغایره .  
دفور ده تعبین انقلاب له بری نه لاشورخ  
تیری شوی نه وی چن او انجاع او امیریالیسم  
دنسی، آی، آی دجوړشوی چل بواسطه د حفظ الله  
امین دواکمنولو لیاره یه کلکو ګلو خلولاس  
پوری ګه او یه دی ترڅ کسی یې دست مخصره  
او غزوی مالانو او دخوکی له لیونیافونه کار  
واخیست .

د خایین امین دواکن‌نلو به غرض بولس  
دروغچن تبلیغات پیل شول او د هقه دکاذب  
شخصیت دلماهفل به غرض هخی وشی او  
دبور انقلاب دتش به نامه قوماندان وپل  
شو چن به نتیجه کی دیوی توری کودتا له  
لازی دگوند او خلک برنوشت واکمن کرای  
شو او دکاپل دیاچهه پر تختست یانسی  
کتبینامت .

ارتجاع او امیر بالیزم دخیل ارتجاعی بلان  
دشمنی سرته و مسلو به غرض خیل و خدمت انسانی  
کرو و دوته دوام و دگر او دایلان همه وخت  
بریالی شویچ حقیط الله امین د ۱۳۵۷ کال  
یه بیل کی دناییبلو هیوادوو یه جر که کی  
دکیون لیاره هلوانا ته لایه دبینه راستینیدو  
یه وخت کی برقه له دی چس دامیریکا متعدده  
ایالتونوئه رسمن سفر ولری واشنگتن ته لاز  
او دجمبود رئیس له مرستیال او پیر فیوجارو  
له وزیر سره یعنی یقی لیدنی و کری. کلمه چس  
افغانستان ته داغه دسم، آگه، ای بلان و له

خانه مره راون او دهیواد دملی دمو گراتیک  
غورشنگ دخلبو اویه سر کی دافغانستان د  
خالک دمو گراتیک گوند دینزولو به غرض به  
پتو او بشکاره چلونو او دسیسو لاس پوری  
کم .

دکار یه پیل کی می ددفعه وزارت خارکی  
ترلاسه کله او دگوند دمشتابه ارجمند  
غرهی می یووه بل پس سفارتلو ته ولیند  
او دادسیسه می دگوند دتش په تامه یووالی  
دساتن او انقلاب در باليتوب تر سر لیک  
لاندی یه چتک او مبارات سره و رسماوه .  
ترهقه درسته می دیوی خونی یوشی  
دیکاتوری یه برجه دگوند تشکلات له خبلی  
غوبستنی عملی او خیله هیواد بلوروه چله قیله ،  
خوده مالان ، گوداگبان او د شکه له قیسان

سره دامين دهلي تهلى دارتجاعي هلو خلو  
ستهولو او ديوخى چارو دېسە ېر مختك  
پياره براخ یوچى سازمان شتە كەچى دېسە  
بمازى دشکل لە اصولو سره سەم بى خېل  
نقابىي كارىيە هوپىيارى سره بىرەنخ بويە .  
خفيظ الله امين دخىل هيواڭ يلور بالىد  
بواسطە خوشلە وغۇشتىل چى د سە آئى، اى  
لە يلان سره سەم بىوه ارتاجاعى كودتا بىرالى  
كائدى مگر خېل ھدف تە وە زىسىد بوخكە  
بى يە نۇوجلۇنۇ لاس بورى كە .

With this —— ends our article.

د ترور هدف داده چن دسر دار محمددادواد پلاس  
بلهود کړي چن دافغانستان دخلک دموکراتیک  
ګونډ ته ګوازار ورکړي او زمود داټل او  
ویاټلو ګونډ ټهر ونځای او دهیواد دملن -  
دموکراتیک خودشک یه تشننس کسلو سره  
خبله چتله ایله لاس ته ودوانی .  
د من، آی، ای پلان ناکام شو خکه چس  
د هرجان یه اعترافو نو کې برښه شوه چس

دیر کلوفه پخوا چی خلیط الله امین  
محمد ظاهر شاه دواکنی به وخت کن دلوهه  
ده کبو قر نامه لاندی امریکا نه لای  
واقعیت و خشخه دالاس تراخی چی دسی آی ای  
جاسوسی سازمان دکار پوهانه پواسطه نر  
وزنی لاندی نیول شویدی  
دمیادروزنی دیروکرام یه نی کن حفیظ الله  
مین به واشکن کن داغانی محصلینو د  
ولنی دمشیره توگه دتیل شوچی هیواد ته  
رامستیدو سره سه داغستان دخلک  
موکراتیک گوند تر مر کزی گیتی پسو ری  
رسول شو .

سی، آی، آی دخیل روزل شوی امین یوسفی  
کمال ۱۳۴۶ کال یه پرسنل کی داغفانستان دخلک  
موکراتیک گوند قوقی توین کی او دانشیاب  
واسطه بین دگوند دجتکیدو غبتشی قوت  
کمزوری کی او کلونه کسلونه بین دیلاتاشه  
ورته یوکن وواهه همه هم دانشیاب یه موده  
کی اوهم دگوند دبیرنه یوروالی یه وخت کی  
سیاله جزء شوی پلان منه سه دوبلیازی چال  
جلند پرمخ یوته او خیلواختانه هلو خلوته بین  
اینست ورکه چی دی هلو خلو یه ملکی او  
وشی ساحر کی ددام و موتد . دخیل ارتجاعی  
دند دتر لاسه کولو لیاره له قومن ، محلن ،  
مسنی او ار تجاعی ناسیونالیزم له گته  
اخیستله او یو شعیر کسان بین دیگیر او  
وامفریدو یه زنخیر کی بشکیل کول اودیوه

امین دسی، آی؛ ای  
په لاس قدرت ذه و رسید

عنه دامبریالیزم او ارتقای به کوچاکی  
گلبدین حکمت یا نسره پسی لیدن کری او  
ذکر در چل میں جو کری دی :

به دی کی به خه شک وی چن حظیظا الله  
امین دمیا دجاموس سازمان له پروگرام  
صره سه دمن جان پلاس به ترور کی برخه  
خیستی وی شکه چن دعلی احمد خرم قاتل  
(من جان) حظیظا الله امین بواسطه دکدز  
ولایت به محلی سازمان کی تنظیم کرای  
شوي او معرفی شوي و .

دوزلو او ترور پروگرام جاري وسائل شو  
او خاين امين دخيل سريخور بانه بواسطه  
رافغانستان دخلت دموکراتيك گوند دمحبوب  
مشنافتو دوزلو لپاره ملاتي له او هرله پس  
هخى يى و كرى چى دگوند پتن مشرملگرى  
كارمل ترور کاندى مگر دھتو نتيجه داشته  
چى گران بيلوه ددميسىنى قربانى شو .  
ترور او دوزلو د پروگرام تر خنك  
حفيظا الله امين په مشر تابه دجلبازى چارو  
دوام درلود او د گوند مشرتابه داستادو يه  
نماگى د گو ندانه د هقه دويمستلو تصميمو قيو  
او مخكى تردى چى له گوند خنه وشىلىش  
دشبييد استاد خيس دوزلو دسيمه يى عملى  
كىل اوزخە بى سىخەن ئەنە خە

ساري عوام غرلوفنکي به توکه مي دهيواد  
اسيلو انقلابيونو بمن ضد دروزل .  
حيثط الله امين دخيلو ملکر پواسطه

انتساب به ناپیوه موده کی داغفانستان دخلک  
موکراتیک گوند یوچن غم و بریندولو کار  
بیل که او دخیلو معلوم الحالة بیریخ برواسمه  
تورد لستونه جوی کهبل او دمحمد ظاهر شاء  
ستخباراتی شبکو تهیی و سپارول.

دایپلان دمردار محمد داود دواکنې يې  
وره موده کي جاري وسائل شو چې د هنه  
ستخبارات شبكې تهیں لوی چوپه وکړه او  
دوی ډجوبه له کېله خواب او انقلابی  
صاحب منصبان او د افغانستان دخلک  
موکراتیک ګونډ ټولنځی غږی یویه بل پسی  
اصفیه او پر خای میں مرتعج قوماندانان بر  
حاسو خوکو باندې وکړدارل شول.

روزگار شوی امین خیل ملکری او سپهی خور  
باند دا قلاقابی سری جامن لاندی و کمالی چس  
خیل هی خلی بر اخن کاندی او خیل لو یان  
تیرکری او به دی ترش که له تولو تعمیبو نونه  
کته اخیستو سره بوله بر باليتوونه تراسه  
کبل او داغستان دخلک دموکراتیک گوند  
دیوشی غربه بر بندهولو ته می درام و دکمه  
دکمه دشت قایه ددهه خطه به نام کله

# سلسله مکتبه و شنوده قاوه شیخیتی فای انتصافی دو زدنون لار خیر کو

سیاست

شیاطین و پیغمبری

هشتر، نموده افغان و کشور افغان

در زیر زره بین نقد و اذن قاد

چرا ملی بس در برادر

مشکلات مردم بی تفاوت است؟

- زیر نظر : گروه مشهوری زوندون
- دراین دور سخن :
- ۱- دیبلوم انجیر غلام حضرت علی خیل رئیس پلان شاوری
- ۲- سر خوار من عبد الرزاق مدیر ترافیک کابل
- ۳- سونیار عبدالباقي آمر پلان آمریت عمومی ترافیک
- ۴- ۰۰۰ احمد الله توابی امر پلان و احصائی مدیریت ترافیک کابل
- ۵- خواجه امین الله معاون اداری ملی بس
- ۶- عزیز الله مرعوز عضو گروه مشورتی زوندون
- ۷- محمد فاروق کوشان مدیر تعلیم و تربیه مرستون
- ۸- سلوهاشمیار معلم در هیرویس نیکه
- ۹- ناجیه صالح محصل پوهنخی اقتصاد
- ۱۰- سپیلا محصل پوهنخی اقتصاد
- ۱۱- فضیله محصل پوهنخی ادبیات
- ۱۲- شیماونی محصل پوهنخی ادبیات
- ۱۳- برهان الله مستمندی محصل پوهنخی اقتصاد
- ۱۴- حسام الدین برو هند محصل پوهنخی ادبیات
- ۱۵- گل آقا رئیس چهل تراپیورت
- ۱۶- سفیض محمد معاون اتحادیه تکسیر اتی بیدار
- ۱۷- بابا مصطفی آمر اتحادیه بس رانی شهری
- ۱۸- غلام حیدر معاون اتحادیه بس رانی شهری
- شرکت داشتند

خانواده ها لطفاً توجه  
کنید و این مطلب را  
حتمآ بخواهید

اینک به خواست واردۀ شما خانواده های آگاه و با اندیشه و به اساس انتقادات ویشنیادات کتبی و تلیفوونی شما، ماموضعی را که مردم در زمینه با آن روپروردند به جمله میاوریم و همانگونه که روش ما درین جمله است، میکوشیم باوری گزینی از سطحی گرانی و بررسی و انتقایه یابی همه عوامل عده مشکلات، کاوشگر راه ها و روش های تطبیقی باشیم که با پیاده شدن آن به عمل زمینه از میان بر داشتن شواری ها فراهم آید که امید واریم این کار مورد توجه شما قرار گیرد.

کمیود ادویه در شهر و شواری های مردم و بیمار داران از این ناحیه موضوع صحبت ما در گردیدم آیینه، خواهد بود و مابازهم از شما عی خواهیم گفتند های خود را در این زمینه بما بگویید، مشکلات خود را باما در میان گذارید و نظرات و انتقادات ویشنیاداتتان را به طرح آورید، تا ما آنرا با مسوولان وزارت صحت عامه در میان گذاریم و آنها را در متوجه به مشکلات شما گردانیم تیلفون ۲۶۸۴۹- زوندون برای این منتظر همه روزه از ساعت ۹ صبح تا ۵ عصر در خدمت شما قرار دارد.

یکبار دیگر از فرد فرد شما خوانده های مشکل بستند که مارا در کار ما یاری میدهید سپاس داریم.



به شخصی شاروا ل و هم به بروزه سازی شاروالی بیشنهاد داده ایم که با ملاحظه ماستر بلان شهر کابل از همین اکنون محل های مشخص برای پارکینگ های نایمن شهر در نظر گرفته شود که مورد پذیرش شاروالی قرار گرفته و مطا لعائی در زمینه آن تمام مسائل احتمالی نیز در نظر گرفته اندامه دارد.

گرچه فلا دو پارکینگ بزرگ یافته در رو بروی فروشگاه و دیگری در عقبه نوار معادن و صنایع وجود دارد، اما این پارکینگ ها موافق است چه قرار است در پارکینگ مقابل فروشگاه تعمیرات بلند متزل اعمال گردد و پارکینگ عتب وزارت معادن نیز برای یک ایستگاه مرکزی بس های شهری در نظر گرفته شده است که به شکل علمی ساخته خواهد شد.

آقای راصع در یخشی از سخنان خودش از بی داشتندیه این موضوع که گویا ترافیک اجازه استفاده به شکل تکسی بس را به رانندگان تکمیل نمیدهد. در حالیکه همین اکنون در ساعات شروع و ختم کار مأموران و مکاتب، تکسی بس های زیادی در لین های خیر خاله، میرویں میدان، چهل سوئن دارالامان و جا های دیگر فعالیت دارند، اما اگر منتظر این باشد که در تمام ساعات روز به تکسی بس ها اجازه کار داده شود، زمینه برای فعالیت ملی بس نا مساعد میگردد و حجم عاید این موسمه را پائین میاورد که به همین سبب هم ملی بس با این مووضع موافقت نکرده و نیکند.

اینکه چرا تکسی میتر ها نصب تکسی ها نمیگردد معضلات اقتصادی عامل آن میباشد، یکیابی تکسی میتر در حدود شش هزار الفانی قیمت ندارد که برداخت همهی آن به یکبار از عده تکسی دریورها ساخته نمیباشد و اگر قرار بر این گردد که این وسائل به صورت قطعی در اختیار دارند گمان تکسی کلشته شود، در این صورت این مبالغ به طرح میاید که کدام موسسه وبا ذهن و اداره میتواند تضمین کند که بول دولت در موقع آن برداخت خواهد شد به همین جهت تمام این مسائل زیر مطالعه دقیق قرار دارد تاره حل مناسبی برای آن بینا شود و بعد در شرایط سهل که هم دولت منفرد تگردد وهم تکسی دریور هاقدرت برداخت قیمت تکسی میتر را داشته باشند توزیع آن صورت گردد.

#### راضع :

به اجازه مسؤولان محترم ترافیک و به باسخ گفته های شان من می خواهم دو نکته را یاد آوری کنم.

نخست اینکه اگر اشتباه تکمیل مه سال بیش در همین هوائل، در دور همین میز و در جدی به گونه ای این جمله از مسولان وقت ترافیک در این زمینه که وقت تکسی های ما مجبر شده تکسی میتر میشوند، حرف های گفتند که شما آن را میگوید در آن زمان هم همین مشکلات به طرح آمد و مطالعه برای رفع معضله دوام داشت، اما سال ها گذشت، تکسی های مجبر به تکسی میتر شدند و مطالعات تیز به الیام لیامد. در این مورد اگر ممکن باشد به صورت مشخص و اینکه بالآخر چه وقت این گره مسدود شود خواهد شد و راه حل توزیع تکسی میتر

میکنم که قانون ترافیک جاده که همین اکنون ناگذ میباشد به همین دلیل که در شرایط کنونی نمیتواند به عنوان یک هسته قانونی جوابگوی همه مشکلات ترافیک باشد زیر کار است تا تجدید نظر در آن صورت گیرد و به شکل یک اساسنامه تدوین گردد که آن تمام مسائل احتمالی نیز در نظر گرفته شود.

کار مقره های جواز سیر و لینس نیز به اینجا آمده و به زودی به اجرا گذاشته خواهد شد برای خانه بخشیدن به مشکلات مردم در زمینه تکسی و تعنی کرایه آن لایحه نکسی رانی که سال هایش تدوین شده بود قابل تطبیق نمیباشد و لاش داریم تجدید نظر های اصولی و اساسی در آن صورت گیرد هم چنین وزارت تجارت ده هزار عدد تکسی میتر را به یکی از گمپتی های خارجی فرمایش نداده است که یکم از مقره های ترافیک غیر ملی

\* در تمام شهر ما حتی یک پارکینگ اساسی برای توقف همراه وجود ندارد.

\* در ساعت بعد از ۹ صبح گاه اتفاق میافتد که چهل دقیقه بايد در ایستگاه سرویس انتظار کشیده شود تا همراه ملی بس بر سرعت ملزمه آنوقت هم همراه ایستگاه و اصلًا در ایستگاه های وسط راه توقف نمیکند

شهر مانند جاده میوقد به پارکینگ اختصاص مساعد گرداند از مسؤولان ترافیک تقاضا نمود در این زمینه ها روشنی اندیشه و عمل چنین نا مسامانی های را به شرح آورند.

#### هدیه ترافیک کابل :

\* به اجازه پرسنده محترم ...  
یکی از عمل عده اشغال شدن بیان روها در این زمینه زیاد محل پارکینگ کند، ما در وسیله فرو شند گان دوره گرد و مشکلاتی که به این سبب در امور ترافیک به وجود میاید، این است که در شهر ما مارکت ها

و با محلاتی مشخص برای فروش و بازاریها امتعه فروشنده گان دوره گرد در فلک گرفته شده و بسیه همین دلیل هم تاجین جاده هایی به وجود نماید این دشواری با



واین نمایی است از قابساتی ترافیکی از جاده های شهر

در پاسخ به این سوال نیز که چرا ترافیک اجازه فعالیت تکمیل ها را به شکل تکسی بس نمیدهد خاطر نشان من سازم که همین اکنون تکسی بس های فراوانی در ساعات صبح و عصر که دش ترافیکی زیاد است در خط سیر های از مرکز شهر به اطراف شهر فعالیت دارند و ترافیک این اجازه را بری شان داده است.

آمر بلان آمریت عمومی ترافیک :  
به تأیید گفته های محترم مدیر ترافیک کابل یاد آوری میکنم که مادر شرایط فعلی تعداد تا زمانی که کورس های تعلیم را میگذرانند طبیعی است نمیتوانند بمشکل حرقه هایی با مقره های اساسی استفاده بتوانند. عنوان یک پارکینگ اساسی استفاده باشند. واین حجم مشکل را بزرگ می سازد.

همه نلاشی که به وسیله موظفین ترافیک طور شاید و باید یافته باشند.

برای رفع معضله تصمیم گرفته شده است از سال آینده مضمون ترافیک در مکان ابتدایی تدوین گردد تا آنکه لازم در نقاط زمینه به شکل علی آن به شاگردان ندارد شود شب تعلیم و تریکن ترافیک و اکادمی خارجی نیز در یکش تعلیم می تلقین ترافیک مسؤولیت هایی دارند که به آن عمل می کنند مادر شرایط کنونی با مشکل کمپودر سوئل

رو برو ایم ونا گزیر که تعدادی از موظفین را به شکل اجری استخدام کنیم که همین معضله وجود دارد، یعنی اینکه شهر مادراند پارکینگ های اساسی است.

ترافیک کابل از یکمال به این سو با توجه به مشکلات دارند گان وسائل تقلیه اجراه داد که یک سمعت سرک های عربی

فقط در طرح و تطبیق مقره های ترافیک نخست نیفته است که در آن به اساس آمار مقدار تیازمندی در هر سرک از نساط سیر و در ساعات مختلف روز به تعداد سرویس ها بر رسمی گردید و بس ها در هر لین به حد تیاز مندی به کار انداخته شود.

### سلوواها شمیار:

در زمینه عدم تطبیق مقره های ترافیک من عامل عنده را در پائین بودن سطح سواد و آگاهی و تربیت اجتماعی به کاویش می گیرم و فکر میکنم اگر تمام خارندگی هم هر راه با عواملی ترافیک را وقوع تکذیبند، برای مقره های ترافیک را وقوع تکذیبند، برای این مشکل حل نمیگردد مگر آنکه مابداشیم برآهه اندیزی یک تبلیغات وسیع و گسترده به وسیله عمه وسائل ارتباط جمعی به مردم آگاهی رسانیم، تنبیه شان کنیم و از این تطبیق مقره های ترافیک را در نظم شهر و کاهش حجم حوادث و تصادمات ثابت مازیم برای چنین منظوری تبلیغات برآگنده و گاه گاه همیند یعنی ندارد و باید همه وسائل گروهی و خاصتاً رادیو در این زمینه نظری وسیع و متداول داشته باشد.

### دیس پلان شاروالی کابل:

من عی خواهم از مدیر محترم ترافیک پرسه که لیستن در بیرون زیر چه شرایط به آنها داده میشود، جرا که من ناگفون کمتر و آنده ایرا دیده ام که بای مقره های ترافیک آشنایی داشته و یا از مهارت فنی در رانندگی بر خوردار باشد.

نکته دوم که من آنرا باز هم به عنوان یک پرمش به طرح میلورم این است که آیا موثر های داخل شهر از نظر عوارض تخفیکی مورد معاینه قرار میگیرند، یا خیر جرا که ما همین اکنون در شهر هم ترا های را می بینیم که هر لحظه خطر احتمالی گشته شدن بروک و یا به وجود آمدن عوارض دیگری که ممکن است عوج تصادم گردد در آن مطرح میباشد.

ما موثر های را می بینیم که حتی چراغ شان روشن نمیباشد و یا نمی شود و باز هم در شب تاریک و با سرعت فراآن به حرکت خود در جاده های شهر نوام میدهدند جرا این گونه موثر ها توقیف داده نمیشوند و جرا کوشش افتاده هر چند وقت یکبار موثر های داخل شهر از نظر عوارض تخفیکی کنترول گردند تا خطرات احتمالی از میان بروند؟

وبالاخره موضوع سومی که من آنرا به طرح میاورم این است که جرا مو ظرف ترافیک عابران را و دار کس سازند که از بیانه رو ها و در موقع حرکت از یک طرف جاده به طرف دیگر آن از کریپور ها استفاده کنند، ما همه روزه در تقاطع مختلف شهر شاهدیم که در روی جاده هم عابران بیاده در حرکت میباشد وهم وسائل نقلیه در حالیکه موظفین ترافیک هم در تمام چهار راه ها و میدان ها وظیفه دار میباشند مختلفی با آن نمی کنند و همین مو غیر امکان تصادمات ترافیکی را افزایش میدهد.

برای تطبیق مقره های ترافیک نخست باید ترافیک از علاحت تطبیق گسترده بر خور راه داشد و هیچ گونه عاری به هیچ شخصی و یا اداره صورت نگیرد.

### مدیر ترافیک کابل:

از اتفاق گوینده محترم کاملاً وارد است که میباشد به گونه ایکه گاه باید بیش از نیم ساعت در یک ایستگاه سرویس انتظار کنیده شود تا بسی از راه برسد تازه آنوقت هم سرویس از همان ایستگاه اول معلو از جمعیت است و در ایستگاه های بعدی یا تو قف نمی

باشد اندیزی یک تبلیغات وسیع و گسترده به وسیله عمه وسائل ارتباط جمعی به مردم آگاهی رسانیم، تنبیه شان کنیم و از این تطبیق مقره های ترافیک را در نظم شهر و کاهش حجم حوادث و تصادمات ثابت مازیم برای چنین منظوری تبلیغات برآگنده و

گاه گاه همیند یعنی ندارد و باید همه وسائل گروهی و خاصتاً رادیو در این زمینه نظری وسیع و متداول داشته باشد.

### دیس پلان شاروالی کابل:

من عی خواهم از مدیر محترم ترافیک پرسه که لیستن در بیرون زیر چه شرایط به آنها داده میشود، جرا که من ناگفون کمتر و آنده ایرا دیده ام که بای مقره های ترافیک آشنایی داشته و یا از مهارت فنی در رانندگی بر خوردار باشد.

نکته دوم که من آنرا باز هم به عنوان یک پرمش به طرح میلورم این است که آیا موثر های داخل شهر از نظر عوارض تخفیکی مورد معاینه قرار میگیرند، یا خیر جرا که ما همین اکنون در شهر هم ترا های را می بینیم که هر لحظه خطر احتمالی گشته شدن بروک و یا به وجود آمدن عوارض دیگری که ممکن است عوج تصادم گردد در آن مطرح میباشد.

ما موثر های را می بینیم که حتی چراغ شان روشن نمیباشد و یا نمی شود و باز هم در شب تاریک و با سرعت فراآن به حرکت خود در جاده های شهر نوام میدهدند جرا این گونه موثر ها توقیف داده نمیشوند و جرا کوشش افتاده هر چند وقت یکبار موثر های داخل شهر از نظر عوارض تخفیکی کنترول گردند تا خطرات احتمالی از میان بروند؟

وبالاخره موضوع سومی که من آنرا به طرح میاورم این است که جرا مو ظرف ترافیک عابران را و دار کس سازند که از بیانه رو ها و در موقع حرکت از یک طرف جاده به طرف دیگر آن از کریپور ها استفاده کنند، ما همه روزه در تقاطع مختلف شهر شاهدیم که در روی جاده هم عابران بیاده در حرکت میباشد وهم وسائل نقلیه در حالیکه موظفین ترافیک هم در تمام چهار راه ها و میدان ها وظیفه دار میباشند مختلفی با آن نمی کنند و همین مو غیر امکان تصادمات ترافیکی را افزایش میدهد.

در ساعت بعد از آغاز کار اداری ما هم متوجه این نیمه هستیم و باز ها نیز می باشیم راه را متوجه به آن ساخته ایم، اما چاره واقعی

ساختن خدمات و نامین تسبیلات باید بیش از انتفاع موردنظر باشد. من در مکروه ریان زندگی هیکنم و شاهدم که میبین و در ساعت بیش از اذنوقتی فعالیت بسیار بزب ام، تکمیل بسیار آنقدر می باشد، مگر اینکه تمام تکمیل بسیار بسیار در میان ساعت فعالیت خود به همین تکل کار کشند که در این صورت از یکسو جلو بیرو باز در سرویس های ملی می باشد گرفته میشود و از میوی دیگر هم سطح عالی تکمیل در بیرون از این محدوده میباشد و هم تسبیلات فراوان برای مردم فراهم میباشد، مگر اینکه مو شمع بیلانس عایدی ای می باشد بیش از آرامش مردم در نظر باشد.

مدیر پلان آمریت عمومی ترافیک: قبول دارم که مساله تهیه تکمیل برای تکمیل های شهر در سال ۵۷ در ترا فیک به طرح آمد، اما وقتی بروزه طرح گردید مشکلایی در کار تطبیق آن به شناخت آمد که یکی در این شمار این موضوع بود که با توجه به اینکه ا نوع مارک های موثر در کابل وجود دارد مقدار سوخت و استهلاک در

کیلو متر از یک نوع موثر تأثیر دیگر تفاوت فاحش دارد و طبیعی است که مطالعه همه ا نوع موثر ها و تبیت سوت خود و استهلاک هر یک به منتظر ثبت کرایه عذری وفت را در بر میگیرد که در طرف دیگر تخصیص بولی این بروزه در علاحت ترافیک بود و اینجا ممنظور مقام های با صلاحیت را میگردید از این اقدامات نوبت به مرحله تولید میرسد و در این زمینه با کمیت های مختلف کشور های جهان تعاس های گرفته شد، آفر خواسته تند تا بالاخره بعذاز تکمیل مطالعات اقتصادی فیصله گردید که در هزار تکمیل از یک کمپنی هندی خریداری گردد.

اما اینکه تکمیل میتر های خریداری شد، چوکت تو زیب میگردد موضوعی است که به تصمیم وزارت تجارت بستگی دارد.

مدیر ترافیک کابل: تامین این متنظر که عموم تکمیل هادر شکل تکمیل بسیاری باشند ایجاد ایجاب مطالعه گشته تر در زمینه را میگیرد، جرا که در این روش نه فواصل تعین شده است و نه هم خط سیر ها و باید لایحه دقیق برای ثبت کرایه ها وضع و بطبیعی گذاشته شود.

ه چنین برای تطبیق چنین بروزه می باشد موقافت ملی می باشد میزبانید در حالیکه این موسسه بازدیک این مطلب که رایج شدن تکمیل بسیاری میگیرد می باشد را باز میگردید با آن موافق نمیباشد، اما ترافیک بیانه شدن چنین بروزه می باشد همیند و در صورت موافقه ملی می باشد حاصل است آنرا به تطبیق آورد.

عزیز الله مرہوز: در مو شمع مربوط به ترانسپورت شهری و قسی عاید ملی می باشد نظر گرفته میشود تا باید مشکلات مردم و شعبواری هایی هم که هر روز زن و مرد و خرد و بزرگ و کودک و بزر با آن رو برو الد از نظر اذنه شود مسؤولان محترم ترافیک در جواب بیشتر آقای راضع اشاره بی داشتند به این نکته که در صورت رواج یافتن تکمیل بسیاری ملی میباشد ملی بس خساره هی بیند، در حالیکه مریک موسسه خدمات اجتماعی مساله نحوه بیانه



به این منظره خوب دقت کنید نمایی از یک بس است که در اطراف کابل فعالیت دارد

سابق یعنی در مخاطره بودن دین اسلام!  
که مالها و قردن ها پوشش اعمال غیر انسان  
و تجاوز کارانه آن ها واستعفار چنان کهنه  
بوده، هی باشد. علاوه بر وسیله های دروغین  
و دور از حقیقت دیگری را نیز بکار هی برند  
و آن به اصلاح موضوع تجاوزات احادیث شوری؟  
به اتفاق استان هی باشد.

در هورد اول یعنی موضوع اعتقادات مقدس  
مردم ما و موقف دولت انقلابی و مردمی هادر  
قبال آن همه ما آشاهی کامل داریم که دولت  
جمهوری دمو کراییک افغا نستان بیحیث یاک  
دولت مردمی و خدمتگذار مردم نه تنها احترام  
وارادات بدین مقدس اسلام ر شعار و عنی  
خود قرار داده است بلکه حرست ، حمایت  
و هرا عات اصول آنرا نیز قانونا بعده گرفته  
ست و برای استدلال این واقعیت در قدم اول  
می توان به من بنیانیه ملی و تاریخی شام  
نشن چند <sup>۵۸</sup> ببرک کارمند هنری شاهوه  
کمیته هرگزی حزب دمو کراییک خلق افغان  
ستان رئیس شورای انقلابی و صدر اعظام  
جمهوری دمو کراییک افغا نستان که درین  
هورد می گویند : «احترام به اصول مقدس  
اسلام آزادی ، وجودان ، حقیقت و هراسمه مذهبی

\*\*\* هم چنان مراجعه یه متن پیام هیات رئیسه  
شورای انقلابی جمهوری دمو کراییک افغا نستان  
می تواند متد گویا و شاهد قول ها باشد  
گذشته از همه مکلفت های دولت و مردم  
در قبال دین مبین اسلام در اصول اساسی  
جمهوری دمو کراییک افغا نستان که حیثیت  
قانون اساسی موقع را دارد به وضاحت درج  
می باشد . در هاده ینچه اصول اساسی چنین  
ذکر است : هند جمهوری دمو کراییک افغا  
نستان احترام ، رعایت و حفظ دین مبین اسلام  
تاءین می شود و آزادی اجرای عراسم دینی  
و مذهبی برای تمام مسلمانان تقسیم می گردد  
... هیچیک از اتباع حق گزارد از دین یه  
متصد بیلیغات خد علی و خد مردمی و وسیله  
ارتكاب مساخر اعمال خلاف منافع جمهوری  
دمو کراییک افغا نستان و خلق افغا نستان  
استفاده کند ، دولت یه فعالیت های وطنبر  
ستانه رو حا نیون و علمای دینی در اجرای  
وغایف و مکلفت ها یشان کمک و مساعدت

می کند .\*

هکذا دولت جمهوری دهو کراینک افغانستان  
بمعناه نخستین دولت هردهمی در تاریخ گشوده  
برای نخستین بار و بشکل پسیار دهو کراینک  
وبدون تعیین کنفرانس و مسیح و عمومی تمام  
علماء و روحا نیون و بزرگان را در قصر  
سلام خانه ارگ دایر نمود که در آن علاوه  
از اشتراک علمای محترم دینی و روحا نیون  
ملی و وطن پرست و خدا پرست ما ابراز نظر  
هایی نیز از جانب شان صورت گرفت و آنها  
تصورت آزادالله حقایق را باز گو کردند  
و ضمن فرستادن نظرین ها و لعنت ها بر  
روح شیطانی و طاغوتی امین و امینی  
دولت هردهمی و مسلمان افغانستان را خواه  
حکم قدرم و حامی اعتقادات مقدس مرد

نامه ای و سلب آزادی و نعامت ارگس  
ور محبوب و واحد مان افغانستان یود که  
ویند های ابتدائی این عمل با شرکت نیرو  
ارتجاعی و دنباله رو انگلیز انجام شده  
که آفتاب خیزش ظفر هند ششم جلد  
منظمه آن در زدن و رهگان را غمبع  
خت و در روشنی خود آنها را رسما ساخت  
د با پشتاره از طرف مردم دستگیر شدند.

مردم ما نیکبار دیگر و بصورت کامل  
اطلعی نجات یافتند . اینک از خشم طوفانیز-  
مردم ما که طوعاً مسیاه امین و امینی  
ا در هم بیچید افساقه از شش ماه می-  
برد ولی باز هم ارتقای و ایزیر یا لیزم به حکم  
هیبت انسان نشمنانه و ظالمانه ی خود به  
نه ها و دسمیمه های خود ادامه می دهد .  
حالیکه زمامت جدید دولت و انقلاب افغان-  
ستان در قدم اول انقلاب و اهداف والای آنرا  
بیراهه و اعتراف نجات داده و بصراءا -  
ستقیم سوق نعود و مرحم های اکسیر هائندی  
بر زخم های واردہ از طرف دولت های  
بات و امین های خنجری ری سکر همچو-

中華書局影印《古今圖書集成》

خطیط الله امین بود که بندا رای مختلف و حجیل  
گونا گون در دولت و حزب نفوذ کرده بود.  
بن تنصر جا سوس و سفراک یلد ستور بادار  
خود یعنی امیر یالیزم امریکا (که هدف  
امیر یا لیزم امریکا اولا خنه ساختن انقلاب  
بید نام ساختن آن بود) کشته شد را به یک  
زندان بزرگ تبدیل نمود و هر آنکسیکه به  
وطن ، به مردم ، به اعتقادات پاک مذهبی

هزار نفر از بهترین هموطنان ما منجمله رو حائیون وطن پرست و علمای محترم دین، عضای حزب بر اتخار دهو کراتیک خلق افغانستان ، استادان ، روشنفکران . محصلین متعلمين و حتى اطفال و زنان را به شهادت رسانید و هزاران تن دیگر را به زندان های شاقه و معروف الداخته اين همه اعمال آن جاسوس نا يکار که اصلا و بشکل غیر مستقیم اعمال خود می ، آی ، اي و امیر بدان اتفاق نداشت اما يکار نه بلطف از آنکه

بیرم ایشان میخون امیریکه بود که در آن روزهای پیش از آغاز

امیر بالیزم وارتجاع که بیرونی انقلاب  
ظرف مند نور عرصه‌ی حیات نگلین وزالو ماند  
شازرا نگک و ناپود ساخت، علیه این انقلاب  
از جواب مختلف و با وسایل گوناگون و  
ضد بشری بنای توطه و نمیمه را گذاشت.  
این توته‌ها و دمایس طبق یلان ندوین شده  
در «لانگی» و دهلیز های «قصر سفید» و  
«بوکنایه» و «فقه» و غیره بشکل چند مرحله  
ای به منصه‌ی اجرا گذاشته شد و هنوز هم  
و با وجود آنکه به اراده‌ی مردم زحمتکش و  
مسلمان افغا نستان به تا کامی مواجه شده  
است، دوام دارد. قراریکه تجزیره این دو  
مال و چند ماه نشان می‌دهد این هر احـل  
قرار آتی اجرا گردیده است.

بایلیزم وحشی بانکی بهمراهی مرتدین پیکنک

وکرگ کهنه کار (امیر یالیزم انگریز) ،  
سادات این علام گوش پنجمان امیر یالیزم  
و سپیوئیزم و دیگر کشور های ارتجاعی  
وابسته به امیر یالیزم (کشور های پطرودال)  
که دیدند مردم افغانستان دیگر سر نوشته  
خود را بدمست گرفته اند و دیگر محلی  
برای منت خورد و چیاول شان باقی نماید  
است به کشیدن پلان و آرایش قوای ارتجاعی  
در داخل و خارج مملکت ما پرداختند ، با  
قاسف باید گفت که نسبت به وجودیت جاموس  
سابقه دار می، آیه ای در داخل افغانستان  
و حنی در داخل حزب و دولت افغانستان (امین  
دون) و هکذا نسبت پائیں بودن سویه داش  
زحتکشان افغانستان و هکذا تیروی ارتجاعی  
ایک امیر یالیزم انگلیس بطور ذخیره در  
داخل مملکت ناشت شرایط داخلی را برای  
توطه انگریز و امریکا علیه القلاط ملی و  
دمو کرانیک تور مهیا می ساخت . موجودیت  
حکومت ارتجاعی در پا کستان که توسط  
نظمی های علوم الحال اداره می شد و هکذا  
شویزیزم عظمت طلبانه یکنک و سایر  
هر تبعین منطقه بعیث مساعد بودن شرایط  
خارجی این توطه ها و دسایس قلمداد شده

# کشور محبوب، مسلمان و اقلاجی

## ما بہ پیش می رود

صدقات جان بزرگی به وطن و هیو طان بود، طن مان ما گذاشت و من گذارد.  
اهداف دیگر هم در قبال داشت و آن افغانستان آری با بیروزی خیزش کامیاب شش جدی  
لناق میان مردم ما ایجاد فامیله و در رهیان مشعل فروزان انقلاب نور با تابناک و درخشش  
دولت و مردم واژ همه میهم تر اینکه امین مرند زیاد یکبار دیگر روشنگر حیات مردم ما  
و خانی ظاهرآ القا و جملات مترقب و انتقامی عزیزید نعامت جدید انقلابی ما از همان لحظات  
را بصورت بسیار تقاضی افاده و ادا من کرد لختت بیروزی در صدد زدیگی و غیرخواری  
دلی در باطن اعمال خند انسانی و خند شرافت دستور بسیار اتفاقی ایشان بلا کشیده ورتخدیده ما برآمده  
و کرامت و حقوق بشری را هر تک من شد امت ولی باید دانست که بیروزی مرحله  
که این امر مطابق پلان امیر یا لیزم وارتجاع  
جدید انقلاب هما نطا رویکه امین و امین  
در بد نام ساختن و قلب جلوه دادن اید یا-  
ها را بگور نیستی و نا بودی سپرده ولی نعمت  
لوژی بیش رو و نجات بخش نصر ما گه سخت  
و آمر اصلی شان یعنی امیر یا لیزم و در راس  
انسانی و انساندوستانه است ، منتج من گشت  
امیر یا لیزم انسان دشمن امریکا توائیست با  
مأمور سا ختن امین و بالد دون صفت وی  
به آرمان پلیید دشمنی با انسان های مترقب  
و وطن خواه بز تغیر کشیدن آرمان های والای  
آزاد یخوا هاله یک ملت دمت باید ولی  
هذا نطا رویکه من دانیم این دوره جهشیدی بری  
لیا لیزد . بیه صورت مرحله موم پلان شوم  
امیر یا لیست ها و مر تجهیز در قبال گشته  
مردم و انقلاب ملی و دمو کراماتیک افغانستان

نیرو های انقلابی و مترقبی در افغانستان  
همان نفوذ ریکه قبل از پیروزی انقلاب شکو.  
هند نور نیز سنتیز بین امانت و تسليم تاییدیز  
خویش را علیه ظلم ، تجاوز ، استثمار و  
استبداد اذلان کرده بود ، این تعهد خود را  
بعداز انقلاب نور نیز که قدرت میامس از  
طبقات واقشار ارتقا یافع و مفت خوار به طبقات  
مولد و مترقب و انقلابی و به تعاونیت آنها  
به حزب نهضو سکراینک خلق افغانستان «یعنی  
آهنهک طبقه کارگرو سایر زحمتکشان کشور»  
التحال یافت ، ادامه داد و به آن عادقاته عمل  
نمود ولی طوریکه در بالا گفته شد ارتقای  
جهانی و ارتقای داخلی طبق هلان تدوین شده  
از جواب مختلف به این اراده هی نیک مردم  
ما حمله ور شدند . اولین مرحله یلان دشمنان  
انقلاب و مردم ما برای الداخن سر و صدا  
های دروغین میشن بر خطر افغانستان دین اسلام؟!  
به مخاطره بودن مسلمانان نو غیره بود . مکمل  
ومتمم این یلان همانا مرحله دوم آن یعنی عذر و  
حکم یه جاسوس سابته دار و مفکر یعنی

شمردند . درین گرد هم آیین قاریعی و بر شکوه که با شرکت غنیمتی ذیانی از اعضا حکومت و حزب و دولت صورت گرفت ببرگ کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انتلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان بیانیه پر شور ، القابی ، اسلامی و مفصلی ایراد فرمودند که در آن ضمن از آله امروزگاه افغانستان کشور محظوظ و مسلمان ، در راه فلاح و مستحکم بندگان خدا (ج) به پیش می رود و می خواهد رفع های بیکران و طاقت فرسایی را که اذسانهای سال برایشان تحمیل شده مرتقع سازه بازهم نیروهای اهربینی ، تجاوز کار وحدت انسانیت و اسلامیت مانع این کار شریفانه و مطابق اصول اسلام دولت و حزب عورد ایند نکرده اند .

«هم جنان شما شاهد هستید می شنوید و مطلع هستید که در خارج کشور در منطقه و در جهان چه کسانی و کدام دولت هادر برایر بر حلة نوبین انقلاب افغانستان که وظیفه تختیم خود را دفاع و حمایت از دین مقدس اسلام و از روحانیون و علمای شریف قرارداده است ، موضع خصمانه گرفتند آنها علیه ماجعل و افتراء بستند و می بندند ، سرو صدای بزرگی تحت عنوان به اصطلاح «مسئلی افغانستان» برای اینا ختند گفتند و موضع دولت انتلابی که خداوند (ج) بر ظالمان معمی شود لذا درین عورت نیز سهی علماء و حائیون که باید مردمان عومن و وطن پرست را از چنگ تکنی موضع آگاه سازند ، زیانیست .

علی الکاذبین » . نفرین و لعنت باد بر دروغ کویان و آدم کنن .

ولی هموطنان مسلمان و شریف ما باید بدانند که عناصر و محافل ارجاعی و خدمتی و خصوصی و برادر کشی و مسلمان کشی و ... به معرفت می رسانند این دولت های هر تجمع اهل کیا و انگریز چین و اسرائیل و غیره کمب ازین سبب چنین دروغ برآگنی و تهمت سرانی می کنند که منافع شان در افغانستان بروی رفت و دیگر نمی توانند مانند سابق از خون مسلمانان افغانستان تغذیه نمایند . این دشمنان سو گند خورده آرامی و فلاح بشریت علاوه از موضوع اسلام ، کمک دولت بزرگ و همسایه میریان مایعنی اتحادشوری را نیز خلاف حقیقت و بی شرعانه قلب ساخته و قاتلان را بعد از تربیه جنگی و هدایات ظالمانه بکشود ما صادر می نمایند تا علیه شوروی را تجاوز کام می گذارند و بزم خود یک مسلسله دروغ های دیگر را بآن تکجا بلنند داخل فعالیت شوند . آن محافل ارجاعی گردد و می خواهند به این ترتیب ذهن مردم را بفریبتند . ما و شما که خود شاهد برخاک ما تجاوز می کنند و به یک جنگ عمل اسلامی و شریفانه اتحادشوری درگذشته خود هستیم و بجهنم سر مشاهده می نماییم که اتحاد شوروی با اعزام قطعات محدود و نظامی خوش که بتوامست دولت و شورای اسلامی قانونی و بر سر اقتدار افغانستان صورت گرفته است مردم وکتور مارا اشتر مجاوز بن و نابودی نجات داده است آلباسیار دوستانه وجود یک همسایه یک دشمن اردوی رهایی بخش افغانستان جهت دفع تجاوز خود آن بخ لسلکه اتحاد شوروی را به اصطلاح هموطنان مونم و تهمتکش آیا قاتل ساختن تجاوز کار میگویند ، می رزمند و هرگز این قوت های محدود و سریع شماری مانکن ، را که وکار ملکت زیست می کنند بعداز مرحله ی جدید و تکاملی انقلاب گور یعنی بعد از شش و نیم سال بجاوهشت درین عورتگدام مثال آورده می تواید که زعامت و دولت جدید وکارگران و ملکتکش از بخاران که در آنها فرقه ایست ! به مردم گفته می شود که صدای الله اکبر را بلنند نکنند ! اسلام در افغانستان از بین رفته است !! و غیره دروغ های شاخدار دیگر .

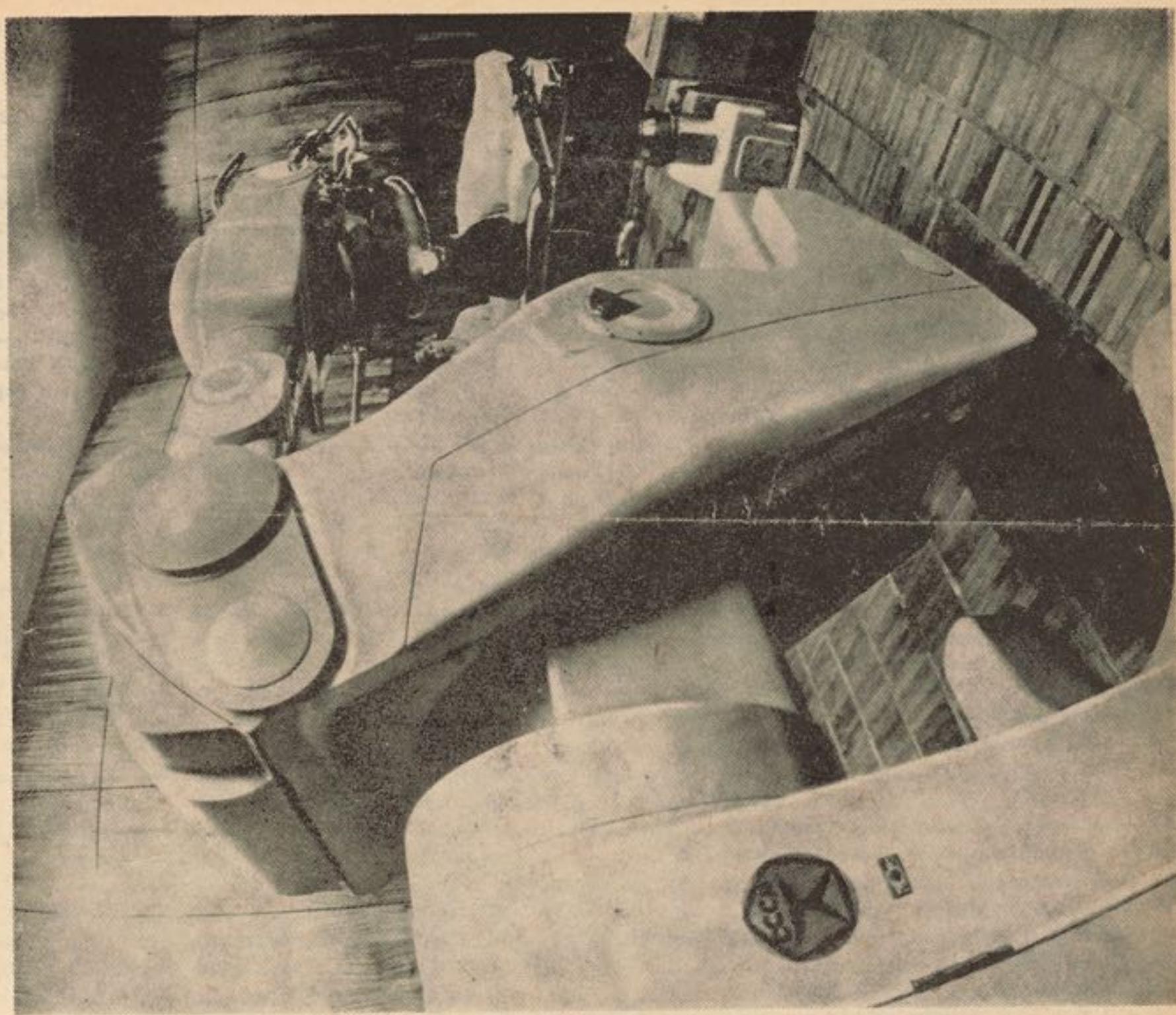
هموطنان شریف وارجمند ! علما و روحانیون گرامی کشود ! حق حما بجای خود قرار می گیرد و هرگز خاک خشک دروغ بدیوار حقیقت جس نماید . شما جون مسندی در مقابل سیاه و سیاهکاری بر قمید خدا باشتماس ، بسیار زود همه نیرو های اهربینی و تجاوز کار نایاب خواهد شد وکتور مسلمان و آزاد ، ما شگوفان و آرام و بر فلاح خواهد شد ، ماجون حقیقت جو هستیم که نجات گامبل مردم وکتور خود ایمان داریم . زنده باد مردم افغانستان .

برگزاری کارمل ضمیمی که در آن ضمن از آله امروزگاه این مسلمان ، در راه فلاح و مستحکم بندگان خدا (ج) به پیش می رود و می خواهد رفع های بیکران و طاقت فرسایی را که اذسانهای سال برایشان تحمیل شده مرتقع سازه بازهم نیروهای اهربینی ، تجاوز کار وحدت انسانیت و اسلامیت مانع این کار شریفانه و مطابق اصول اسلام دولت و حزب نفرین و تقبیح گردند .

برگزاری کارمل ضمیمی بیانیه تاریخی شان بعداز آنکه گذاشت اولین کنفرانس اسلامی علماء و روحا نیون کشور را به آن ها شادباش و تنبیت باوجود آنکه می دانیم که خداوند (ج) بر ظالمان مقدس اسلام تصريح گردند در بخشی از یادیه شان چنین فرمودند : «... ولی علما نیز به حکم وظیفه مقدس نان که رهنمای مردم بسوی صلح و سعادت نیکو کسایی و برادری بسوی تقوی و فضیلت ام است در برای مردم و جایی و مکلفت هایی دارید این حکم نزال نایبد خداوند بزرگ (ج) است . انجام کشند چه شد ؟ ناود با جمیوری عوام فریانه اش کجا رفت ؟ امین این جاموس و خانی بیوطن و خلق خدا (ج) که بر مردم مسلمان و نژادتکش ما قلل ها گرد ، انسانان بیگناه را نهاد . زیرا اهربین ، ایلیس ، شیطان و طاغوت هر لحظه برای انسان علیه انسان در گویندگاه نشسته است \*\*\*

آری علما و روحانیون محترم ما علاوه از عیادت و بیانیش بدرگاه ایزد بزرگ که اگر امرورز نیز دزدان و آدم کشان و احکام ذاتی بزرگ از خلیفه و مخصوص صریح قرآنی و احکام ذاتی از طرقیان خلاف حکم و دستور دشمنان جهانی اسلام و انسان بر هموطنان مسلمان ما بر حماله می تازند تاهم کشان یعنی برادران مسلمان خود را آنها را می آزادند ، خانه ها و مزارع شائر از در مردم دوست و نشمن اسلامیت و انسانی حق و وظایل رهنوی نمایند و در غیر آن آنها بیجا تکرده اند . یعنی عالم محترم و روحانی گراقدن اگر خونش با احاطه علمی ای که دارد می بیند که مسلمانان توسط نیرو های افغانستان از بین رفته است !! و غیره برخند نخواهند بود . کازیانه قهر خداوند (ج) بر آنها تیز عالم اسلامی از اسلامیت و انسانیت می سازند و بالآخره نظم طبع اجتماع و مردم را از این راه بازیاده دارند آنها مکلف هستند خشم عربت آ نراء گم هاو آن مرتدانه گور است و رله باید می داشتند که به بیانه ای اسلام و مسلمانی فداء اسلام و ضد مردم مسلمان افغانستان عمل می کنند .

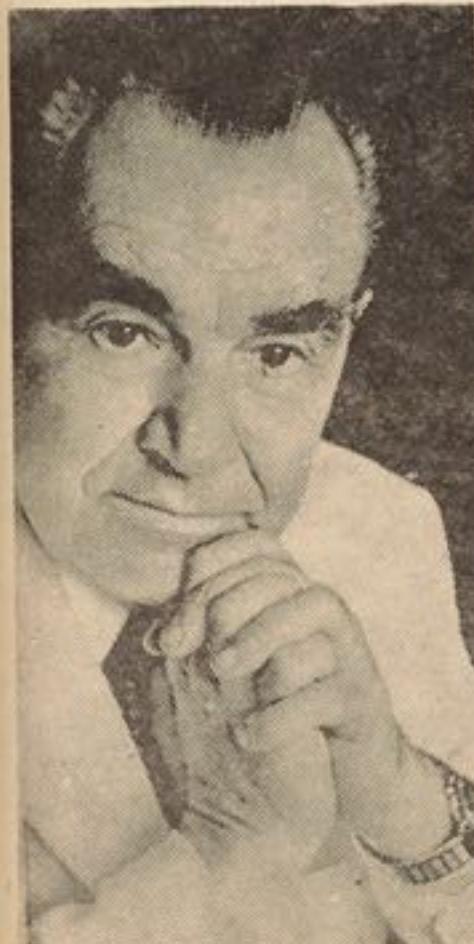
برگزاری کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان رئیس شورای انتلابی و صدراعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان در بخش دیگری از بیانات شان خطاب به شرکت کنندگان اولین کنفرانس علما و روحانیون افغانستان چنین میرمایند :



امروز علم سرطان شناسی از پیشرفت‌های فزیک، کیمیا، رادیولوژی و تکنالوژی پریشان مصائب به سرطان استفاده می‌کند با کمک این عوامل بر قدرت از اشعه گاماکه میتواند به کوچک ترین قسمت داخلی ار گانیزم بشری داخل شود در تداوی حجرات سر طانی استفاده می‌شود.

ترجمه و تکارش

رسول، یو سفراز



دکتر نیکلای بلوخن مدیر عمومی مرکز تحقیقات سرطان شناسی و بنیس اکادمی علوم طبی اتحاد شوروی

# مو فقیت‌های قازه‌در تشخیص و علاج مرض سرطان

اکنون دو میلیون نفر که قبل از امتحان مبتلا به این امراض شدند در نتیجه تداوی و پیشرفت علوم طبی با صحت کامل معرفی شده‌اند.

دکتر هری ایلوو و داکتر بوری تاوارینوف از اتحاد شوروی که پدر یافت جایزه دولتی در سال (۱۹۷۸) نسبت تکمیل یک میتوود

علاج آن از علیه تر کمی چراحت، اشعه مختلف و روش‌های شناختی استفاده کرد

تداوی سرطان مستقیماً هربوت بسر جله اکتشاف آن است. تشخیص در سه مرحله اول ظهور تو مور در علاج این مرض نقش بزرگی دارد.

دکتر هری ایلوو و داکتر بوری تاوارینوف از اتحاد شوروی که پدر یافت جایزه دولتی در سال (۱۹۷۸) نسبت تکمیل یک میتوود

دکتر هری ایلوو و داکتر بوری تاوارینوف از اتحاد شوروی که پدر یافت جایزه دولتی در سال (۱۹۷۸) نسبت تکمیل یک میتوود

دکتر هری ایلوو و داکتر بوری تاوارینوف از اتحاد شوروی که پدر یافت جایزه دولتی در سال (۱۹۷۸) نسبت تکمیل یک میتوود

دکتر هری ایلوو و داکتر بوری تاوارینوف از اتحاد شوروی که پدر یافت جایزه دولتی در سال (۱۹۷۸) نسبت تکمیل یک میتوود

دکتر هری ایلوو و داکتر بوری تاوارینوف از اتحاد شوروی که پدر یافت جایزه دولتی در سال (۱۹۷۸) نسبت تکمیل یک میتوود



کشور اتحاد شوروی میباشد که بصورت  
خستگی ناپذیر برای نجات بشر از جنگل  
این مرض خطر ناک صرف مسامی میکند.  
در اتحاد شوروی بزرگترین و تختین موسسه  
سرطان شناسی خیلی قبل در راه مبارزه علیه  
سرطان کام نشاد.

در اتحاد شوروی داشتمدان هر قسی و  
دکوران طب در سال ۱۹۰۳ بنامیس بزرگ  
ترین موسسه سرطان شناسی پرداختند  
باید گفت که این مرگ کاملاً بر اساس  
کلک های غیر دولتی فعالیت میکرد و برای  
چندین سال اتفاق آن بدون معاف کار

این مائین جگر شخص هریض سرطانی را  
معاینه نموده حجرات سرطانی تاریکتر در تصویر  
علوم می شوند

دیت عده زیاد تر مردم دارای سینه هنر مطا  
و اشخاص معمول اند که بیشتر آمده بذیرش  
مرض سرطان میباشد. هریض سرطان  
اما سا مرض نیمه آخر عمر بشر است. از  
طرف دیگر اکنون تعداد بیشتر مریضان  
سرطان نسبت بگذشته شفا می یابند در اتحاد  
شوری میزان مرگ و میر از تأثیه سرطان  
بالا نر فته است.

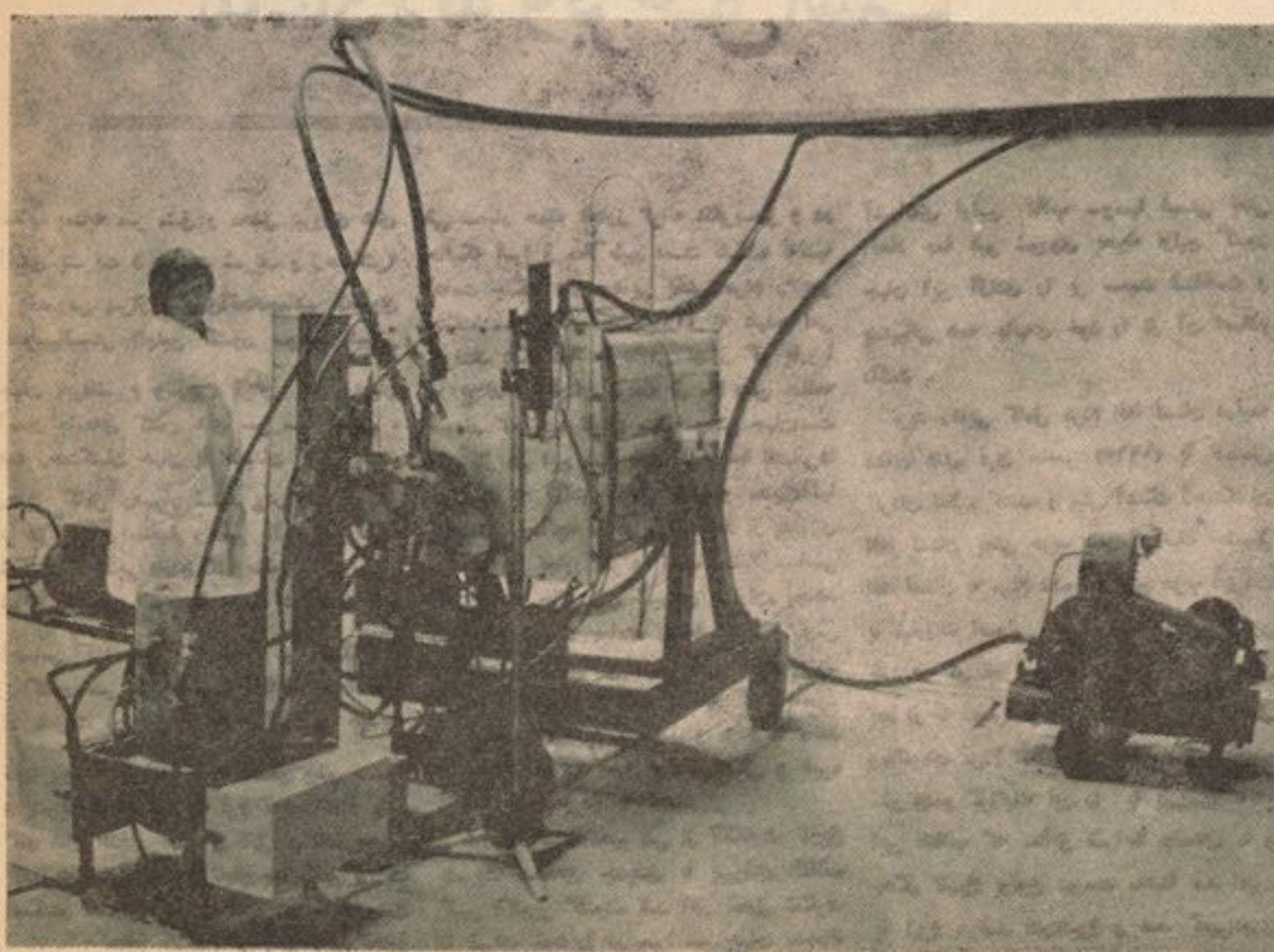
هنگامیکه شخص در نتیجه سرطان  
میفرمید پس مردم دیگر از خاصیت بی رحمانه  
آن مطلع می شوند. آن ها ما یوسانه فکر  
میکنند که نمیتوان خود را از جنگل  
این مرض نجات داد ولی دکتوران میدانند  
که باید کلاش و برای شکمت این مرض  
از دست داد.

قابل علاج بودن مرض سرطان میزند  
هر بوط به مرحله انتکاف آن است. ببر  
اندازه ایکه مرض زود تر تشخیص شود.  
بنیه در صفحه ۳۸



میباشد. کارهای ایلووف و تانارینوف در  
زمینه طور محتاطانه مورد آزمایش و بررسی  
قرار گرفت و از روش داشتمدان اتحاد شوروی  
دو مورد نیوس بعضی کشوارهای افريقيایی  
که از لحاظ سرطان جگر بلند ترین احصایی  
را دارد استفاده شد.

آغاز حمله همه جانبه علیه سرطان در  
داشتمدان شوروی این پروسه مقداری را  
که یک امر در ناک برای مریضان است  
غیر لازم گردانیده است. باین معنی که  
کافی است تا یک مقدار ناچیز خون از ورید  
مریض گرفته شود و بعنقرور یک تشخیص  
صحیح در طرف ۲۴ ساعت مورد مطالعه و  
معاینه قرار گیرد.



باکمک تکنالوژی مدرن میتوان به پیشرفت های مزید علیه هریض سرطان نایبل شد

دکتر ایلووف تحقیقات خود را در زمینه  
تعت و هبری داکتر لیوزنر یک طبیب مشهور  
جهانی ویکی از بانیان تزویی ویروس سر-  
طان انجام داده است. او که با همکاری  
استاد خود دمونوگرافی در مورد ویروس  
ستانس و مصوبون نمودن از سرطان نوشت  
است شهرت خویش را مرهون تحقیقات در  
خواص آنچه سر انجام یافم الافیتو بروتین،  
که یک بروتین مخصوص دد موش های مصاب  
به سرطان اند موسوم گردیده میداند.

وی یکجا یافم طبی همدمت خویش در  
لابراتوار در خنم سالهای ۱۹۵۰، خواص  
الافیتو بروتین را کشف کرد.  
تحقیقات بعدی در زمینه نشان داد که  
همجو یک بروتین میتواند در جگر  
یک جنین موش بیدا شود و نه در انواع موش  
های بالغ. البته ظهور مجدد آن در یک جوان  
بالغ موجودیت هریض را اثبات نمیکند. تا  
تا رینوف اعلام نمود که در نتیجه تحقیقات  
خویش یک بروتین مشابه در سرمه خون  
هریضان سرطان جگر کشف نموده است.  
باناده تجارب در زمینه محققین نشان  
دادند. که بروتین آناف رسی در  
سرمه خون بالغان سالم موجود است و  
د قرباً نیان نوع خاصی سرطان جگر موجود

خلق افغانستان با در نظر داشت رسیدجامعة و شرایط عیشی و ذهنی مردمان زحمتکش و وطن پرست افغانستان بجهت هدف استوار آن را به حزب منطبق می باشد .

پیروزی انقلاب ظفر مند تور که علاوه از پیروزی مردم افغانستان پیروزی صلح و رفاه منطقه است امیر یا لیزم و گلبه نیرو های پیشنهادی به آنرا به وحشت اندیخته و این نیرو ایسرا دیداری امیر یا لیزم امریکا و هنگاری وینیزم دیوالهای پیکنیک از همه وسائل و کنایات برای خفه ساختن آن دست بکار شدند چنانه گرم نبرد القلابی مردم افغانستان نویشه های علی ارتفاع و امیر یا لیزم رو شدند ولن امیر یا لیزم امریکا که ظا هر روز دا به همین اعمال یاسله چلوه هن داشت خفت در بلش و تکا بو بود تا انقلاب تور روب دمو کراتیک خلق افغانستان و دولت سوری دیو کراتیک افغانستان را ازدرون فجر ساتھ و برای نیل به این هدف قبلا دارک دیده بود . امیر یا لیزم امریکا قویتا نازهان جاسوسی مرکزی خود یعنی سی ، آی

و کنمک مر تجمعین چیزایی خوبی‌الله امین  
ن جاسوس خریده شدهی خود را مأمور  
ن خرا بکاری و تو طه نبود . امیر یالیز  
ریکا درین پلان خود تبا اضمحلال حزب  
بولت را در نظر نداشت بلکه با فرانتر نهاده  
در صدد آن بود که افغا نستان واحد ، مستقل  
انقلابی را پارچه سازد ، این موضوع  
ا بیر ل کارامل منش عموی کمیته مرکزی  
حزب دهو کراتیک خلق افغا نستان رئیس  
بورای انقلابی و صدر اعظم چمپوری دهو .  
کراتیک افغا نستان علی بیانیه بر شور و  
انقلابی ایشان خطاب شاملین گزد هم آنی

مبتدئ بین المللی یا انقلاب الفا نستان  
جنین از زیبایی کرده اند «بعد از انقلاب  
شکوهمند نور سازمان مرکزی جاسوسی  
مریکا یعنی سی ، آی ای موفق شد که یکی  
از اجنب های خشن و بیر حم خود را در حزب  
دولت الفا نستان به یکی شبکه های  
خود زیر شعار های متفرق و انتلایب نمود دهد  
 بواسطه ای اجنب خود بتواند حزب و حاکمیت  
دولت را مو قتاً خصب نماید . سبب چه بود  
نوونته این بود که باید امپریالیزم امریکا  
وارجح از یکی از نقاط جهان تحریک کنند  
تجاوری کارانه حتی فضای جنگ طلبانه  
یک سیاست تعریض را علیه صلح و چنین  
های آزادیبخش ملی و اجتماعی آغاز نماید  
در برابر سیاست اصولی صلح آمیز اتحاد  
شوری و سایر کشور های سو میالیستی  
تمام تیرو های متفرق ، ملی آسیا ، افریقا  
و امریکای لاتین به حمله و تجاوز مست بزرگ  
نموده و نشنه طوری بود که این نکته باید  
از الفا نستان آغاز شد .... بلان این

حرقه های بشتبانی کشور شوراها یعنی گلزارهای روزگ اقلالب کبیر اکتبر در طول جنگ استقلال افغانستان نهایان شد. کشور شوراها رحالیکه هنوز پوره دوسرال از پیش و ذی

انقلاب اکتوبر نکنسته بود و خودش شر لبرد  
کارم علیه مر تجمعین داخلی و نیرو های بجاویز  
کراهم یا لیستی مصروف نپرد بود ، تا نید  
پشتیبانی خوده را از لبرد استقلال طلب نهادم  
غافستان ابراز نمود و در حدود امکان در یعنی  
اه کنک های هادی هم نمود . هم چنان بخلاف  
آنکه استقلال فروخته شدمی الفا نستان  
استقلال غافستان گه تو مسط مردم افغانستان  
به قیمت چنان عدد ها و هزار ها مجاهد  
طن بدرست آهده بود تو مسط امرای معامله‌گران  
مر تجمع چون امیر غید الرحمن و امیر حبیب  
للله به معامله گذاشته شد و معاہدات نگذین  
نموده بیان این دو امیر و الکلیس : بنی  
استقلال را کاملا سلب نمود ) به زیر مبن  
بیزه وطن پرستان از دشمن تحصیل گردید ،

مفهوم تکامل اجتماعی عبارتست از سیر  
دانشی پسر در جهت آرمان اساسی خود ،  
یعنی تأمین سعادت مادی و معنوی فردی و  
جمعی انسان . این آرمان در طول تاریخ بشریت  
بیومنه از طرف انسان با وجود تحمل مشواری  
ها و پیروزش نشمنان انسان ییش پرده شده و  
پیش پرده هی شود . باید دائمست که بشریت  
هر گز ازین تکالیف باز نه ایستاده است ولی  
همیشه و بعد از جان نشاری های زیاد موافق  
شده است به امتیازاتی به تنع بشریت داشت  
باید ولی هر گز نتوانسته بودند ظلم ، مستم  
واستثمار را که به اشکال گو نا گون و  
دلگاری رنگ و جود داشت کاملاً از بین بیرون  
تنها بعد از بیاده شدن تکویر دوران ساز  
عصر ما در عمل یعنی بعد از پیروزی اولین  
اقبال سو میالیست در سال ۱۹۱۷ زمینه  
های محو کامل عوامل و پدیده های بد رخت  
کننده بشریت ایجاد گردید . پس بحق من  
توان گفت که بیروزی اقبال کبیر اکنون  
در حیات بشریت و تاریخ جهان نقطهی عطف  
و جرخش عظیم است . بعد از بیروزی این

الف : هم

## پس از جلسات هیأت همبستگی با انقلاب افغانستان:

جهادیان بخوبی دانستند که موقف  
ماعاد لانه و بر حق است

آشیانه‌ی اولین انقلاب سوسیا لیست  
از اند جما هیر شوروی بعیث اولین  
جهان این آزادی را بر صفت شناخت  
پشتیبانی همه جانبی خود را از آن  
داشت.

نوید رهایی کامل مردم افغانستان  
دهی هشتم قرن حاضر (۱۹۶۰) با ت  
کردن تنظیم گنده و بیش آهنج تحدی

الفان استان یعنی حزب نو در این  
الفان استان به مردم داده شد این حزب آن  
با مبارزات اصولی، بیکار و خستگی  
خود در کل کاه تورین مددت یعنی سیزده

بعد از تأسیس موافق شد به ناید  
و بالقوه مردم افغانستان انقلاب شک  
ملی و دموکراتیک لور را به پیروزی  
این انقلاب که مطابق شرایط جامعه‌ی  
بحکم تاریخ بوقوع بیوست ماهینا خدمت  
یا لیزم، خدمت فتووالیزم و خدمت کمپ

انقلاب بعثایه سر مشق و محمل بیرونی های آنیه بشریت (بشریت شریف و زحمتکش) و بخصوص پس از بیروزی اتحاد جماهیر شوری سومیالیستی (اولین کشور سوسیا لیستی جهان) بر فاشیزم و نازیزم تجاوز کار ویمان آمدن جامعه کشور های مو سیا لیستی، همه زحمتکشان جهان با اطمینان کامل بظر رهایی کامل رهسپار شدند و در وقت یورش بر دز ارتقای استعمار و امپریالیزم این قدرت شکست نا پذیر (اردو گاه صلح و مو سیا لیز) را چون کوه یا عظمت در پشت خود احساس کرده اند و احساس می کنند - کشور سر بلند و مردم آزادها بحیث جزء از بشریت در طول تاریخ طولانی مو جودت خود بیوسته یا نیرو های دشمن وطن حسود و بشریت دست و پنجه قرم کرده اند و یاد آلام پسر هی بردن.

گارهای انتخاب آمیز و قابل مبارزات بجهان  
گذاشته اند - پیروش و تجاوز جها نکنیز بزرگ  
اسکنند مقنوقی مقاومت ها و سرشاری هدی  
هردم ها ، تجاوز چنگیز، بن روحمن ترین تجاوز  
تاریخ ایران را در سراسر جهان منجمله

النلایی جهانی است.

اشتراك کنند گان که اذ چندین کشور و بحیث انقلابی ترین افراد بکشور ما آمدند در عمل عمل دیدند که زعامت انقلابی ، انقلاب و دولت افغا نستان با صفات و هوشیاری در

خدمت مردم وطن قرار دارند ، لذا بصراحه گفته می توانیم که اشتراك کنند گان جلسات

گرد هم آئی بین المللی برای دفاع از انقلاب نور با اشتراك شان درین دفاع شریفانه و جدان های خود را بیشتر آرام احساس خواهند

کرد . آنها هم چنان دیدند که نشمنان - اصلی بشریت و انسانیت و اسلامیت با تغییر

قبایقی ظاهري خود ها . خود را بحیث دوستان

بشریت و اسلام جازده اند . ما یکبار دیگر

از همه بشریت صلح خواه و مترقب و آزاد بخواه رجامندیم تا با منوف هر چه فردیه تر و با

دفاع هر چه بیشتر در پهلوی مردم افغانستان

برای دفع و طرد نشمنان شان که بی گمان

نشمنان هم بشریت هستند ، قرار گیرند ، ما به همه جهانیان اطمینان می دهیم که با

دفاع از وطن ، مردم و انقلاب ما کار شریفانه

ای را انجام می دهند . ما به جهانیان اعلام

می داریم و از اشتراك کنند گان جلسات

دفاع از انقلاب افغا نستان و سلمان همیستگی

آسما و افرینا خواهش داریم که این بیام

مارا بتوش همه جهانیان برسانند که امیر

کمک های محدود نظامی کشور بزرگ اتحاد

شوریوی نمی بود افغا نستان انقلابی و سر

بلند دیگر یا وجود نمی داشت و یا پارچه

پارچه و آله دست ارجاع و امیر یا لیزم می

بود و هر روز خون هد ها هزار ها هموطن

ما ریخته می شد . در اخیر با حسن نیت

و سور و سوق خاص افغان و انقلابی از تحریف

فرمانی و ابراز همیستگی و پشتیبانی دوستان

و رفای صلح جو و مترقب و شریف خوش

ابراز امتنان و شکران می نهایم و یکبار دیگر

از ایشان می خواهیم تا حقایق او غایع افغان

ستان را به همه جهانیان برسانند تا همچشم

نشمنان عالی پیروزی های ما کور شود و هم

روی شان نسبت ارتکاب اعمال ضد انسانی شان

سیاه شود .

زنده باد مردم افغا نستان ، زنده باد صلح ،

زنده باد آزادی .

شورای انقلابی و صدر اعظم طی بیانیه بر شور و انقلابی شان که در جلسه ای اختاده گرد هم آئی همیستگی بین لعلی با انقلاب افغا نستان ایراد فرمودند شرین مورد گفتند:

... اینجای با اکثریت عظیم از رفاقت حزب دمو کراتیک خلق افغا نستان آتا نیکه شیر

قا نوی و زیر زمینی میرزمهند و کسانیکه

علی لیکن وفادار به حکومت و دولت قرار داشتند واکثریت قا نوی بدمت آتا بود

قبل از ۶ جدی تصمیم بدان گرفتیم که این

تو طه عظیم و بزرگ فاجعه التکیز بین المللی

را فلح و خشی سازیم ، بدین جهت بنا بر

اراده خلل نا پذیر مردم افغا نستان اکثربت شریفانه کمک انت را سیو نالیست صورت گرفته است ، بشکل عسیار بشرمانو مین

تیخ تخریب نمودند .

#### هر آن افغا نستان فریاد می زند که به دره

های خون نبديل شود ، چنگ منطقه بوجرد آید و حتی امکا یک چنگ جهانی بر افروخته

گزید ، باید اتحاد شوروی بزرگ مطابق

به موافقانه و قرار ناد کمک طلبیده شود

اتحاد شوروی بزرگ وصلح جویانه نبا در راه کمک به مردم افغا نستان ، نه تبا در

دفاع از استقلال ، تعامیت ارضی و حا کمیت

ملی افغا نستان دست دوستی و قیصرانی تقدیم

گرد ، بلکه صلح و امنیت را در منطقه تجات

داد و تو طه ی بین المللی را جا بجا فلح

و خشی ساخت .

آری این تو طه به بایمرنی مردم شیور

افغا نستان تحت رهبری زعامت اصولی حزب

و کمک بی شایه ، برادرانه صلح جویانه و ارزشمند اتحاد شوروی در بیهودین وقت

و امیر یا لیزم از بسر رسیدن این بلان خود

کاه الامیعن بود زیرا امین و دیگر جاسوس

سان باند امین بیوسته این اطمینان را به

بانداران خود می دادند . ولی همانطور یکه همه

نقنه های ضد بشری و ضد اخلاقی ارجاع

و امیر یا لیزم توسط کسانی بیاده می شود

که آنها نه تبا نمی توانند مردم را قابع

سازند بلکه با اعمال خلاف اسلامی خود کابل

از مردم فاصله می گیرند و حفظ الله این

جا سوس نیز در زیر لفاظی های طاهر انتلای

ولی در اصل مأمور شده از طرف سازمان

جا سوسی مر کزی امر یکا به چنان اعمال

و چنان یاتی در کشور ما نمی دست زد که مرتع

تربیت و خوخار ترین عناصر در جهان

به آن نمی دست زده است . امین جا سوس در

ابتدا انقلاب و برای ایکه بتواند همه بلان

ها و نقنه های جنایتکارانه خود و بانداران خود

بود که افغا نستان در تحت دو وریان و وریان اول که مناطق شرقی ، جنوبی و جنوب غربی

افغا نستان تحت نفوذ و سلطه یا کستان وابسته به امیر بالیزم امریکا ، آله و وسیله

جیز قرار گزید قسم های غربی در تحت

نفوذ و سلطه یک کشور خارجی دیگر فرار

گزید . قسم بد خشان و شمال افغانستان

تحت سلطه و نفوذ چین توسعه طلب و شروع

نیست در آید و در کابل یک رژیم تسرور

و اختناق سیاه امینی به مشابه آله و وسیله

س ، آی ، ای قرار گزید ، به این معنی

که افغا نستان بمشابه یا یگاه نه تبا خود

شوری بلكه خود تعا اندیش های آزادی

یخش ملی نه تبا در منطقه بلكه در آسیا

نیز در آید ...

امیر یا لیزم از بسر رسیدن این بلان خود

کاه الامیعن بود زیرا امین و دیگر جاسوس

سان باند امین بیوسته این اطمینان را به

بانداران خود می دادند . ولی همانطور یکه همه

نقنه های ضد بشری و ضد اخلاقی ارجاع

و امیر یا لیزم توسط کسانی بیاده می شود

که آنها نه تبا نمی توانند مردم را قابع

سازند بلکه با اعمال خلاف اسلامی خود کابل

از مردم فاصله می گیرند و حفظ الله این

جا سوس نیز در زیر لفاظی های طاهر انتلای

ولی در اصل مأمور شده از طرف سازمان

جا سوسی مر کزی امر یکا به چنان اعمال

و چنان یاتی در کشور ما نمی دست زد که مرتع

تربیت و خوخار ترین عناصر در جهان

به آن نمی دست زده است . امین جا سوس در

ابتدا انقلاب و برای ایکه بتواند همه بلان

ها و نقنه های جنایتکارانه خود و بانداران خود

را بدون مانع تطبیق نماید در قلمه اول عنصر

حدیقه و سر سپرده حزب را تو طه گرانه

تعبد نمود . ولی شاقل از یکه نیرو های

اصیل انقلابی چه در داخل و چه در خارج از

کشور ، آرام نه شسته و تعهدی را که شریفانه

ر صاد قانه بیمودند ، بجا میاورند . روی همین

ملحوظاً ضمن تعاس با اکثریت اعضا اصولی

حزب بلان جدیده شدن بساط ظالمانه این

و سی ، آی ، ای را طرح و تدوین کردند .

بروک کامل منشی عمومی کمیتهی مر کزی

حزب دمو کراتیک خلق افغا نستان رئیس

ولی باید داشت که باین تدابه شریفانه

خلق ما آواز بشریت صلح خواه و هر قی

توام است و نیرو های ترقی هم راعمل وهم

در نظر دوش بلوش مردم زحمتکش افغانستان

علیه هر وع تو طه و دیسیه ی آدم کشند

داخلی و بین المللی (بایند یسته ای ، ارجاع

سیاه و امیر یا لیزم ) بیارزه می کنند . بیهودی

نودار این پشتیبانی گرد هم آئی وسیع بین

المللی بخاطر دفاع از انقلاب افغا نستان می

باشد که درین اواخر در کابل و چندولات

دیگر افغا نستان بر گذار گردید .

اشتراك کنند گان این جلسات بزرگتر

عمل می یستند که کشور شیر مردان (افغان

ستان) این نز بولادین و انقلابی منطقه علا

ورد تجاوز و تو طه امیر بالیزم قرار گرفته

است و مردم شرا فتند آن با شار چان و مدل

خود از وطن ، انقلاب نور و دست آورده ای

آن دفاع و حرامت می نمایند .

اشتراك کنند گان جلسات گرد هم آئی

همیستگی بین المللی با انقلاب افغا نستان

# شنبه و مردم

نظریات دو همراه سرشناس

## در مورد موسیقی و اجتماع

کاری ندارم و هر بار که اصول سندیکا نماین ازین شود که بای از محدوده زمان فراتر برگذارم، کم و بیش، به همان ترتیب گه ممکن است در عین رفتار کنم، رفتارمی کنم. زمینه به اندازه کافی هموار شده است. در باره اینکه غربی‌ها حقیقتاً از موسیقی سرق لذت می‌برند یا نه، «راوی سنگر» چنین نظر عیدهد.

این مطلب بستگی به آن مفهومی نارد که ما برای «لذت بردن» قاتل یاشیم. اگر جه اغلب حرفهایی که زده ام به هموطنان بسر خورده است، همینه به اینسان گفته ام که اگر از موسیقی هندی بیش و بیشتر از یکتران سر در می‌آورند، برای آن نیست که در هند ولادت یافته اند. یگانه نفاوتی که وجود نارد این است که با این موسيقى آشنا تو هستند و این آشنا هم از این جا پیدا شده است که فرمت بیشتری برای شنیدن این موسیقی داشته اند. برای آنکه بتوانیم معنی موسیقی شرقی را حقیقتاً در یابیم، باید قرنهای سنت و فرهنگی را که بیش ازین موسیقی امروز وجود داشته است، بتحليل برده یاشیم، اما «فهم و درک» منحصر ا عمل فکری و ذهنی نیست. تأثیرها و عاطلهای هم در این جا تأثیر ندارد. و عکس العمل دیگران، در این زمینه، به نظر من کاملاً مقبول است. بیشتر شنوندان گان و شاید تر بردارد. و چون پس از میان برده و تک نوازی طبله، تک نوازی بسیار کسلامیک و بسیارگیرن «الا»، «جود» و «جبلا» را شروع می‌کرد، دیگر هیچگونه اشکال و شویشی نداشتیم. حس من کردم شنوندان گان کاملاً بهمن توجه دارند. توضیح مختصری که در از موسیقی ما به مفهوم ذهنی و مجرد کلمه باره راکها و تالها، اسلوب‌های موسیقی و چیزی که فهمند اما با اینشه می‌توانند به میکنی‌ای ریتم، من دادم همینه سود هم بود. زیبایی‌های آن بی‌پرداز.

او غصان نیست به ده یا زده سال بیش تغییر هنکار می‌کند. خواسته باشیم همچو خود ایشان را کنار گذاشته ام و جز به اساسی یا فنه است و مخصوصاً اگر نهل جوان را در نظر بگیریم بیشتر به این تغییر بیش نمایی نماید. این سه تار

«راوی سنگر» موسیقیدان شیخی شرقی خوبی خود شنیده بودم، به ذهنی می‌آمد در مرور اینکه از اینه یک اثر هنری چگونه هر. (ونا گفته نمایند که برخی ازین نوستان هم تواند هایه فهم و درک بیشتر هم سیقی بشود، مو سیقیدان بودند): «موسیقی شرقی موسیقی چنین اطیار نظر کرده است. بسیار شور اندگی است که هر گز بساز مدت هشت سالی که من در دوره جوانی، نمی‌ایستد. این مو سیقی پایان ناپذیر



راوی سنگر در حال نواختن سه تار



بیوگرافی هشودی

به اتفاق گروه برا درم «اوای» بسایر دادن است «یک نواخت و تکرار عداوم است». کنسرت‌های در غرب، کشورهای این قاره را متد ها و گماه ها («گلیساندوها» و زانیزیان ذیر یا گذشت، نظری اجمالی درباره رفتار عای) مایه گمان شان مثل میومو های مغرب زمینی ها در برابر مو سیقی شرق برا به گزنه بود و حتی بلند بایه ترین هنر نهانی به بار آورد. جهیل ولاقدی و خصوصی مردم های آواز خوانان ما را در زمینه آواز خوانی، آن زمان، و حتی آن اقلیتی عمکه توانایی دد ک با سر و صدای «غرغره» مقایسه میکردند. و قبیم این موسیقی را داشت، امروز بـه تصور کمی در نمی آید.

با آن سفر هایی که به توبه خود، از سال ۱۹۵۴، به عنوان یک تک نواز، شروع کردم، مرحله دیگری شروع شد من در خلال این هدت از چیز بغايت ممکن آگاه شده بسودم و آن اینکه اگر بتواهیم و سیله شناسانی موسیقی تازه و بیگانه ای را فراهم بیاوریم، نمیتوانیم از آستان معین یگانه همچو خر فهایی که این امر تا چه اندازه ممکن است بسایر شنوندان گانی که از شرق زمین نیستند میل کدد. دوره کودکی خود از زبان دوستان

به سوی شو ند گان پرورد ، شنوندگان در دنیای عرفانی که به یاری نوازند و آهنگساز افریده می‌شود، مستحب می‌شوند اگر قطعه خیال برستانه ای چون قطعه شعر بنوازم، سعی می‌کنم تا ناخدود امکان محسوس و قابل لمس باشد .  
با اینهمه ، در دوره ای مثل دوره ما ، شو ند گان می‌خواهد هتر مندر لمس کنند می‌خواهد بدبده هائی را که مو جب افریش هنرمند می‌شود حس کنند و این بدده ها را در کنند و متنابلاً ، هتر مند نیز ، امروز رفته رفته از وجود شو ند گان خود آشی هتر می‌شود . خواسته «باب» جلو میکرو فون اش را از نجوه تا لبر خود در شنوندگانش آگاه است .  
اما مشارکت شو ند گان و تجربه دیدشان در باره می‌سین حتماً مستلزم آن نیست که سر چشم این موسیقی را هم بینند گوش می‌تواند صدا را به همان صورتی که از جلو می‌شود ، از عقب هم بشود .

هردم و آناری است که نواخته می‌شود و کرده است :  
این عوامل ، عوامل دیگر گوئی بذیری هستند . ممکن است هنرمند فطرتاً ترجیح بدهد که در به اطفال است . بعد باید راه نواختن ادوات موسیقی ای که می‌نوازد ، جدا و کاملاً زندانی بماند . (در اینجا از این حرف می‌شود ، ملودی و غرب اساس هر موسیقی گذاشت و به یاری مو سینی تالرها و هارمونی طبعاً به میان می‌آید .  
قدرت بیش بود که در همه جاده‌س آواز در بیرون گرام مکاتب گنجانیده شده می‌بود و را نوازد و یا یکی از سویات های براهم کتابهای در زمینه فلان دوره و فلان دور و فلان را به آن صورتی که من با هنرمند می‌نویم ، نوازد ، شنوند گان را با یک نوع عمل منفی به هیجان می‌آورد ، به این معنی که انسان بیشتر از آنکه در اندیشه رفتن به سوی شنوند گان باشد در اندیشه تو چه مهمنtri پیدا کند .  
به آن چیزی است که در وجود خود و وجود آهنگساز رخ می‌دهد . و برای آن «عمل تعاس مستقیم یا مردم بر قرار کند و مسد منفی» گفته که حرکت بسوی شو ند گان غیر هرمنی را که در سالون و صحنه هست صورت نمی‌گیرد بلکه در جهت معکوس زیر یا بگذارد همه چیز منوط به هست . به عوض آنکه هتر مند صورت می‌گیرد .

بریم . جوانان که کمتر از بزرگتر هایشان گرفتار قید و بند هستند و بسی از بزرگتر هایشان عنان به دست عاطله ها و هیجان های خود شان می‌دهند مخصوصاً در برابر ارتعاش های صورت قدرت بذیرانی بیشتری دارند . همه حالتی های عصیان که در ایشان دیده می‌شود ، ذاده و ناخنودی شان از وضع کنونی دنیاست . می‌خواهند بانسل عای پیشین تفاوت داشته باشند و روشن که در زندگی خود شان پیش گرفته اند ، تا خود امکان یا قوانین و اصول پیشین تفاوت دارد . و این امر در بسیاری از هوارد ، زاده و چشم به تأثیر و عاطله است و باید یاد آور شد که این رجعت به تالر و عاطله ، به زیان تجزیه و تحلیل صورت گرفته است . پس ، جوانها می‌توانند چیز هایی بسیاری را بذیرند و در یا بند که پدرا نشان به سبب آنکه گرفتار انصباط سخت تری بوده اند ، نمی‌توانسته اند بذیرند و ندیانند .  
\*\*\*  
وهنرمند سر شناس دنیا می‌سین «یونی مونین» در مورد اینکه نوازنده غیر شرقی ها از چه راهی در نظر دارد شنوند گان و مخصوصاً جوانان را برای درک لذت موسیقی یاری بدهد ، چنین استدلال و اظهار نظر کرده است .

وقتی که تجربه شخصی آنقدر برایه پاشد که بتواند همه تالرها و اندیشه های وابسته به آن موسیقی را که می‌شود ، در بر بگیرد ، لذتی که می‌بیند بستگی به میزان درک و فهم از آن زبانی دارد که به آن وسیله برایتان حرف می‌زنند و بستگی به میزان آن مطبوم و معنای دارد که این زمان برایتان بیدا می‌کند . ارتباط منحصرآ نتیجه فهم آن چیزی است که دیگران در بر تو تجربه شخصی شما و شناخت های شخصی شما برایتان می‌گویند . بچه باید از آوان کودکی به موسیقی بپردازد یه موسیقی گوش بدهد و از آن چیزی درک کند اعماق به عنوان چیز بی‌روح و سردی که با زندگی اش بیگانه است .. می‌سین باید برای بچه ، بیان زندگی خود و خویشان و واسنگانش باشد و این معنی باید از لالاتی های مادر ، آهنگهای که پدر و مادر می‌خوانند و آهنگهای محیط یا جامعه ای که به آن تعلق دارد ، سرچشمه بگیرد .

پایانیم ، گوش دادن به موسیقی کلاسیک مستلزم کو ششی از جانب شنونده است اما اگر انسان گوش های از یک سویات یا کنسرو را از کف بدهد ، چیزی همی از کف میدهد . ویا تا هنوز هیچ درین ذمیه چنین گفته وقتی که بچه های ما کوچک بودند و مادر کوهستان ها (که حداقل تا مسافت صد کیلومتری آن سالون کنسروتی وجود ندارد) مسکون ناشتیم ، شبها صفحه ویکاره می‌شیدیم . اگر اطفال شوی میکردند و اسباب بازی خود را می‌خواستند ، بیدرنگ صفحه را از حرکت باز می‌داشتم . تا آنجا که دلشان می‌خواست گوش می‌دادند اما در عین حال ، بازی نمی‌کردند و کتاب هم نمی‌خواندند . موسیقی هر گز برای شان سرو صدای همی نیود . یادی منو هیچ در باره اینکه چیگونه می‌توان راه حصول این تمکز حواس ، و این حس انصباط را که برای درک موسیقی خوب

دروجانی رویا لیکن

## امپرسیونیسم فیلم یادنگاری په قاریخ کی لوی فو و بنت

امپرسیونیزم دهقی تابلو نوم و چیزهایی دارند که نمایشگران این را می‌دانند .  
همه لومپنی نشادتون نه استولی وو . به دی تابلویی که دلخواه شوی وو .  
تابلویی که دلخواه شوی وو .  
خوبند وله چی نفایش باید دزوند صحنی .  
انخوراو خرنکوالی «لکه خنگه چی دی» دیردی  
دو او گله چی بوده ورخانه لیکوتکی دهونه .  
یوه تابلو (دلخواه اینجیزه) په نامه ولیده  
بچه در صفحه ۴۹

دفرانسی یوی خوانی دلس (مونه ، سزان ، میسلی ، بیمارو ...) بود بی‌نومی بوله چویه گره او به (نادار عکاسی) نومی ستیویو کی بی . یونشادتون په نیست . دلخواه نشادتون له په نیستلو سره جوخت په شورا و خوی پورته دامپرسیونیستانو اوهیرنی نشادتون په کال ۱۸۷۴ کی بیانیستل شو ، چی دلرغونی نفایش بیه و په نامه ولیده

مترجم یوحنل دکنور سیدحسام مل

# آیر لیند شهالی و تفرقه

## اندازی انگلستان

شوش وظیفان بروتاریا در اولستر گردد. بنزرجی داد تابایی مدت چندی عقبنشیشی نماید، اولستر را به یک ایالت مستقل که دارای آزادی داخلی خود باشد، اعلام نماید و لی روش هاویاپست خارجی ایالت مذبور را تحت سلطه و نفوذ خود قرار دهد.

بروتستان های افراطی، به بهانه عقب نشیش وقطع شکنجه وست درین گوشه از جهان، به تینین دیگری دست زند، و به نیروهای نظامی بریتانیای استعمار گزینه دیگری را فرام آوردند. بموجب آن، سربازان بریتانیا بتوسط گشتی های جنگی مجذب، با تمام آلات حربی وتحت الامری هاومانیهای زرهدار ومرمی های رهبری شده، بداخل گمبه اهوجل های تعین شده خود گردیدند و به شاتاز، ترور واختناق همین برستان وبردم آزاده ایرلند پرداختند وسدها فعالیت و مبارزه آنها گردیدند.

-

## یکشنبه خونین

فراء گرفته بود، که این صدای های ملواز رعب ووحشت به بیرون از شهر نیز شنیده میشد. فلم بردارانی که مصروف عکاسی این ماجرا را گیرت آنکه بودند، فلم های مستندی برداشتند که در آن نعش سوخته شده گان، هزاران بیرون از شان نمود.

حکومت بریتانیا از خواست های قانونی خلق ایرلند شمالی سرباز میزند، ولی برای تروریستان بروتستان کدست شان به خون جمعیت وسیع کاتولیک هاتا آرلح آشناست، به بهانه اینکه او ضایع ایرلند شمالی به وحامت تکراید کمک های حاتم طایب هایانه نمایند، آنها را غرض اجرای عملیات شیر انسانی فرصت های کافی میدهند.

با چشم یوئی و خصلت های رویاه هشانه حکومت بریتانیا ونیروهای دفاعی دست راست اولستر که مجذب به «۲۰۰۰۰ مسلسل وسامان الات جنگی آن»، به صورت کاملاً روشن و بی پرده، تمام حقوق مدنی و دموکراتیک مردم ایرلند شمالی را تحت سلطه ای خود قرار داده اند. وحافر نیستند که آزادی عای دموکراتیک را به مردم این سرزمین آزاده بدهند.

## شکنجه های

### قرن هشتم

از هشت عدد سال قبل یعنی در سال ۱۹۷۱

ایرلند توسعه قوای نظامی شاهانگلیس، هنری دوم تحت تصرف واستعمار قرار گرفت. ودر آنچه که دست نشانه خود را مستقر ساختند وفاتیخان استعمار گریه منثور تطبیق مردم های ایرلند دیگرانه شد. صد های مسلسل شوم شان قوانین «دواکونی» را در پارلمان انگلیس طرح نمودند و به موجب این قوانین

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

-

برای بروتاریا چشمی و ضرور است که تمام نشرات  
عده و اصلی رابه صورت عمیق و زرف نگری  
جدی و مبهم نلقی نماید، و تمام فواین و مقررات  
جنگی و نظامی را باکیفیت خاص آن فرآیند.  
جنش حقوقی و مدنی ایرلند شمالی در سال  
۱۹۶۸ «باردو» به نقطه تپه و مدخل دشمن گذاشت.  
وکلیه محدودیت های را که در مقابل کاتولیک  
خواه اعم از عدم شرکت در انتخابات، بیکاری  
و بی سربناهی وضع نموده بودند، در اسر  
مبارزه پیگیر این آزادی خواهان از میان برداشته  
شد و هر فرد ایرلند شمالی حق رای دادن و  
انتخاب را حاصل نمودند ولی به این تفاوت که  
هر پیروزی بروتستان زیاده ازیک حق رای  
در اختیار خود داشت، ولی به این تفاوت که پیر  
پیروی بروتستان زیاده از یک حق رای در اختیار  
ملاحته گذاری به مردم آیرلند او امترانیس  
چنین گفته است: «در دموکراسی بوروزا وزی  
حزب حاکم و برس اقتدار سعی بفرج میدهد،  
نااقلت عارا تها بغض اوقات در مقابل احزاب سلط ایگلیس کاست شد.  
دیگر بوروزا وزی برای مدتی حمایت کند، مگر

امروز افکت های کاتولیک اولسترن که در حدود ۲۰۰ میلیون جمعیت دارند، در مجلات کاتولیک نشین که اکثر شان از صنف طبقه کارگراند حیات بسرمه برند، اکثریت کاتولیک ها، نسبت به گروه ها و اقسام دیگر جامعه ایرلند شمالی، بیکار، بی خانه، بیتوادغیر اند و از این طبقه این حقوق سیاسی محروم‌اند. تسلط گرایان و نیروهای خاص خارندوی، بدون کوچکترین مسویت وجودی، هر نوع حقوق مدنی و سیاسی معروف افکت کاتولیک را تحت تحقیق و باز برس قرار داده آنها را فتش و حاکمه مینماید. وجاهای غیر انسانی و دوراز کرامت بشری را برای این بیان و مقوله امان ستم دیده رواییدارند.

در مردم پالیسی «دموکراتان» بروتستانی و ملاحته گذاری به مردم آیرلند او امترانیس چنین گفته است: «در دموکراسی بوروزا وزی، اعمال ضد انسانی را در ایرلند به نقطه او جشن برساند.



تیرهای نظامی بریتانیا در جاده های لندن به حالت دیوانه وار دور میمین برستی را عماصره نموده اند.

بریتانیای جنایت پیشه، بالای مردم ایرلند آغاز گردید. و برای پیاده کردن این عملیات جنایت پارکن نموده ۳۹، گومند و رواقبه خاص و مستقل شدند، که پاشد که عملیات تروریستیک را برای سرنگونی و اختناق وطنبرستان، بمنصه اجرا گذارد. پاسداران بحری بریتانیا در ساحل ایرلند شمالی، صد عانسان بی گناه و وظیرست را تیرباران کردند. و هزار ها انسان دیگر را مجروح و مهیوب ساختند. و خلق شریف ویں کنایه هنبا فی را تعداد تیرهای نظامی بریتانیا که در ایرلند داخل زندانها و سیاه چال های ساخته شده اند، برای ابد و دائمی گسل نمودند و تپش و چش را باز و کارهندان نظامی بودند. عملیات شکنجه از طرف نیروهای منظم

بنده در صفحه ۴۱  
بنده در صفحه ۴۱

گه خودرا انتخاب نمایند، ویا نایاندگان خودرا ساختند، آنها خلق ایرلند را از نظر معتقد های مذهبی به کاتولیک ها بروتستانها و دیگر بخش اند و این های بسراوی تعین و انتخاب نمایند. آنها از ادای تحصیلات عالی در هادرس علمی و کادمیک معروف بودند و در بخش های نظامی، میان شان مخالفت ایجاد کردند و به وحدت اعلی شان فریبه غاطع و فاحش زدند.

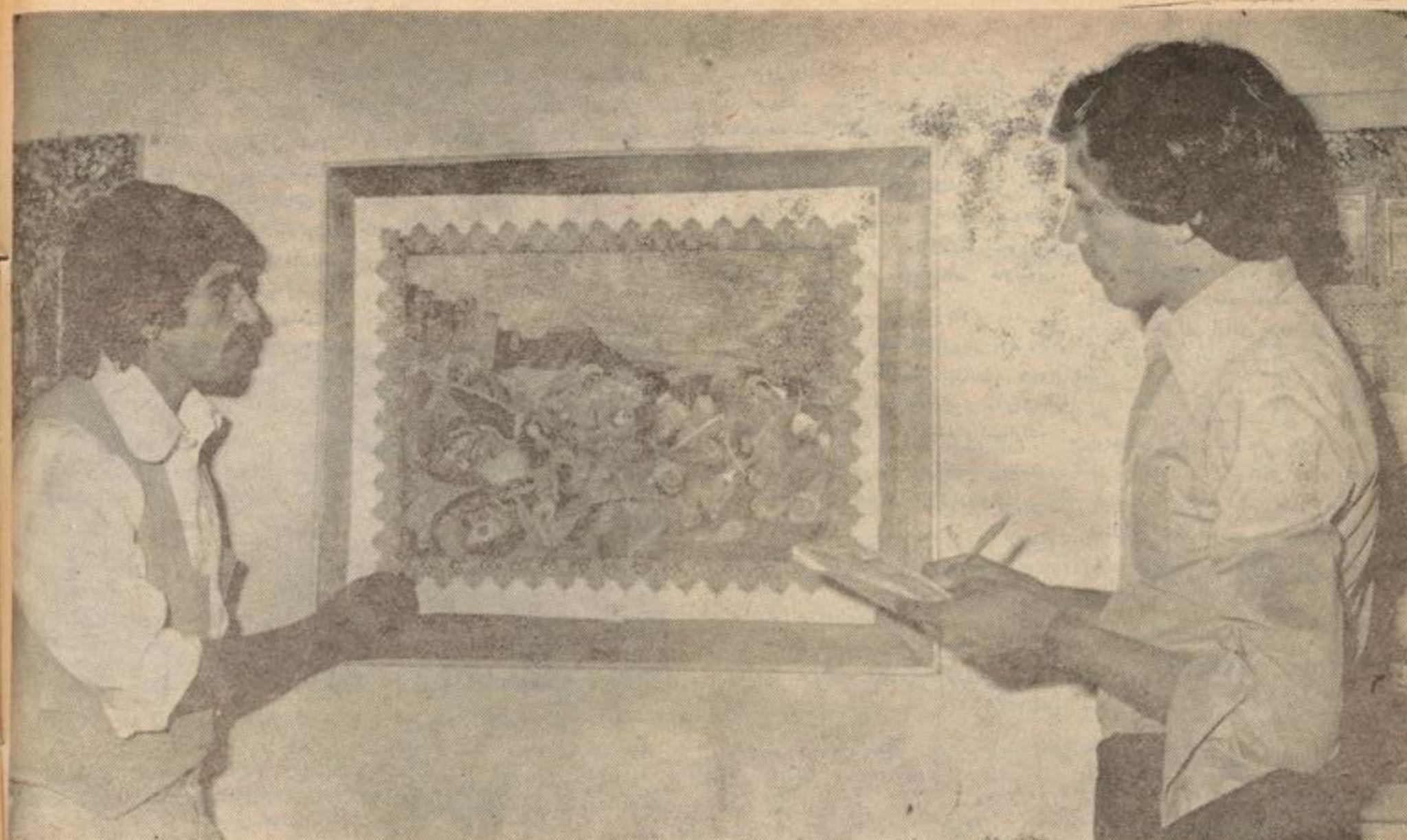
ایرلند را به شش بخش ویا قلمرو تجزیه کردند و اولسترن را که حق داده نمیشد و براز این کاتولیک ها حق داده نمیشد. که از خودمکتب و مدرسه داشته باشد و یا کتب و جایدی را به نشر سپارند. در آغاز فرن بیست مبارزه جنبش های آزادی بخش شد کسب گرد، و در روز های ترازیدی در گذشت کمترین زمان از قدرت و نیروهای دانستند. سازمان هندگان و وحدت طلبان «لندن دری» که در ایرلند آندر شهرت نداشتند، سیاسی مستحکم در اولسترن برخورد داشتند. سیاسی عیسوی ۱۹۶۷، که بعدا بنام عید سرخ عیسویان مسمی گردید، موظفن و سپهگیرانی در (۲۶) ایالت بخش های مبارز اکثریت نزدیک به اتفاق ادا از چهاری ایرلند در دفعه برآمدند که در اردوی آزادی بخش ایرلند شمولیت ناشتند، به مقابله قلم و تهدی نظامیان و دست نشاند. کان بریتانیا قیام کردند، و در طی آن مبارزه خسکی نایدیری را آغاز نمودند. ولی از این کامل جمهوریت ایرلند را به باشگ را باقطعات خورد و بزرگ تجزیه کرد، و بعدا این جدوجهد قهرمانانه به خاطر آزادی کامل ایرلند وقت به موفقیت منجذب که و آن اینکه بروتستان ها که نسبت نفوس مجموع ایرلند ناجیز بودند، آنها را در اولسترن جایجا ساخت و آتش تفرقه آنهازی مذهبی را بین ولی نیرو های ادم کش بریتانیا جمهوریت بروتستان ها و کاتولیک هاشمه و رساخت بیرون را آفسته به خون ساختند و در حدود ۵۰٪ ناچیزی بدمست آورد.



تیرهای نظامی ایرلند، نظاهر کننده گان آزادی خواه را تعییب میکنند و آنها می پانند تا چیزی بدمست آورند.



اگر برخیزی می کشمت !!



۱۰۷ میتاتوری بنام (غروب کایل) به سینک خودش

مصاحبه از : محمد حسن بیژن

هر تھی پر دیس، نقاش، مینا تو ریست و مجسمہ ساز

که تا حال چندین اثرش جوايز مطبوعاتی را در یافته  
دیگر ، مفہوم هنر را درک کند . چنان  
است .

دیگر ، مفهوم هرم را درک کند . چنان‌چه  
درمن ده مالکی وقتی تابلوی دختر باده برست  
را نقاشی کرد این ریاغی را برایش  
سرود :

او خاطرات تاریخ از دهه اول حکم است این داده

وی تا به حال بیشتر از ۹۰ اثر زنده بوجود آورده است

A black and white head-and-shoulders portrait of a young man. He has dark, wavy hair and a well-groomed mustache. He is wearing a light-colored, possibly white, collared shirt. The background is dark and out of focus.

مِنْفَسٌ بِرْدِيْس

کرده است، آیا رامست است؟  
پس نه هورد آن کمی توضیح بدلهید.  
- بله! من نه سه قسم یعنی میناتوره  
لئاشی و کولاژ چوایزی را نصیب شده  
در سال ۱۳۵۷ یا زده اثر و در سال ۱۳۵۸  
دوازه خود را در جوایز مطبوعاتی به نما نمایم  
گذاشتم که از آن چمله در سال ۱۳۵۷ یکم  
از اثر های کولاژ من نیام (انسان به طبیعت  
می خندد) جایزه دوم سال را حاصل شد  
همچنان در سال ۱۳۵۸ اثر میناتوری می  
نمایم (زنگی کوچی ها) جایزه ممتاز می  
گرد. وی افزوود:

به سراغ هنرمندی می رویم که آرزو دارد  
اش را وقف خدمت به مردم و هنرمند  
ید ، و سالت هنری اش را در برآورده منش  
ا کند . همانسان که زندگی خوشن  
بخته بسادرد ورنج است آثار و ش  
حکایت از آه جگر سوختگان ، قطرهای  
ک ینیمان و تاله شب های بیجارگان می  
رد . آثار هنری او بار ها به معرفت چشم  
در مردم گذاشته شده گهلاوه بر چندین  
ایز مطبوعاتی یکبار همچایزه همتاز سال  
دریافت کرده است ، او "گاه اشعاری  
سروده و نوشته های از رخ واقعیت  
برداشته است .

این چهره جوان مرتفعی که پر دریس تخلص می کند  
صل صنف سوم دیواره هنر های زیبا  
با آنکه وی در شعبه مجسمه سازی  
های زیبا معروف آموزش است وی  
نه اختصاصی اش میتاوری بوده و تحالی

بیشتر از نود اثر در بخش های نقاشی ،  
میناتوری ، کولاز و مجسمه سازی آفریده  
است .

- انگیزه روی آوردن شما بهاین فن چه  
گذشته از آن تشویق برادرانم و زحمات  
استادان محترم فاکولته از جمله دلایل عدم  
موفقیت من در کار های هنری ام بشمار  
میروند .

- آیا تا بحال نوونه های کار تان به  
عرض نمایش گذاشته شده است ؟

سرش را به عنوان تایید تکان داده من گوید:  
آلرم یکبار در تماشگاه که از طرف  
هنرمندان اتحاد شوروی در کتابخانه پوهنتون  
برگزار گردیده بود به نمایش گذاشته شد  
و همچنان یعنی بار هم در قطار آثار هنرمندان  
الفانی و اطلاعات و کلتور به معرض چشم دید  
مردم قرار گرفت .

- من گویند آثار تان جوایزی هم دریافت

تایبنا هم با شنیدن آن شعر از زبان کسی



از گولاز بنام (الحاد در زندان) که به یاد برادر زندانی اش ساخته بود.



مجسمه (پیرمرد زندانی در حالت شکنجه)

دو سال ۱۳۵۳ یکی از تابلو هایی بنام هر تم در خدمت مردم یاشد .  
- به نظر شما اثر خوب دارای چه نوع  
خصوصیات باید باشد ؟  
من در کارهای هنری خود سهی کرده ام  
تاثران دهم که چندین محیط خود را و مسند  
خود را شناخته ام و تاجه حد درد، رنج و ورق  
بینندۀ هوا را درک کرده ام. آیا جایز یکه  
بینندۀ ها از من توقع دارند آنرا پسر آورده  
ساخته ام یا خیر. لذا هر ازم که از ارزیابی  
مردم موفق بدرآمد برایم خیلی ارزش دارد  
زیرا مردم میتوانند ارزش هنری آنرا را  
تعیین کنند نه خودم .

هر تقسی پرديس تو مال قبل ازدواج کرده  
که تعریف این ازدواج طفل یک ساله است.  
هر تقسی پرديس باخانم ویسر خود یکجا  
در مس رستون زندگی می کند  
دنیان تو سط روم برانت ولیونارداو ینچی  
وی در بیلوی دیگر کار های هنری خود شعر  
بوجود آمد . درین شیوه عموماً از مویک و  
کارهای مخصوص بخارط لفاسی تابلو ها کسار  
گرفته شده ورنگ ها بر روی کنوس (نکه  
که در داخل چارچوبه فرار دارد) ترسیب  
خود چیزی بگوید .

بعد از یک سکوت کوتاه گفت :  
برادر تمام زندگی من بر از درد و نجاست،  
هر صفحه زندگی ام حکایت از یاس و نایابی  
می کند . خاله ما در سرخ رود نگره هار  
توسط اشرار ازین رفت ، سه برادرم در زمان  
امین بکلی نایدیدشند که ناحل نزد استهام  
حتی ازی از آنها را بیدا کنم . ولی در دیگه  
هیش هر رنج میدهد همانا کشته شدن  
برادرانم تو سط امین در زدنان پلجرخی است.  
وقتی از کرتی کهنه برادرم و آستین های پاره  
پاره اس یاد می آید هر لحظه رنج می برم،  
به یاد برادرم یک مجسمه ساختم تا بادین آن  
خطه اورا زنده نگذارم .

وی افروزد :  
چون در زمان امین چهار برادرم زندانی  
شده بودند ، بعضی از دوستانم بخارط بس  
کدام آسیبی برایشان نرسد از من بدشان  
می آمد و نفرت می کردند . جنجاله وقوع  
روزی یکی از دوستانم دیدم وی رویش را  
از من گشتند و از کنارم گذاشت . من به  
حال خود گریستم واشک از چشم انم جاری  
شد . بعد به حال زاد ویریشان خود این  
شعر را سرودم :

ای شب ظلمت بخت سیه هاچسان است  
ذ چراغ تیلی ما پروانه گریزان است  
آن دوست که بیمان و غایبیه بسود

آستینم دیدجنده زدومست اش بشیمان است  
همچنان وقتی در زمان امین اعصاب فایصل  
را از دست دادم و به مرستون دقت این ربانی  
را در مورد ظلم و مستبدان امین سرودم :

وجود تا توان و شکم گرسنه هارا کشت  
محاجی لقمه تان و تن بر هنر هارا کشت  
اسیر ظالمان ، غلام بندگی ناکس  
درد شکنجه ظالمانه ما را کشت  
هر مرتب از استعداد های بشر و توسعه

بغش های مختلف عنصری خوانده  
تابحال بسیاری از تابلو های لفاسی و سایر  
کار های هنری وی در ژوئن ، نگرهار،  
ایس و کابل تایمز بچاپ رسیده اند .

(مادر وطن) که بمناسبت روز عالی در میرمنو  
توله به معرض نمایش گذاشته شده بود  
سه هزار افغانی جایزه گرفت . همچنان دو

الر دیگر بنام های (غروب کابل) (نموده  
خط اسلامی) در سال های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴  
در نمایشگاه که از طرف وزارت اطلاعات و  
کلتور بخارط دریافت جوایز مطبوعاتی دایر  
شده بود جایزه های پنج هزار افغانی و  
ده هزار افغانی را نصیب شدند .

- در قسمت نقاشی از کدام مکتب بیرونی

می گنید ؟

از مکتب امیر سویز .

وی در مورد مشخصات این مکتب چنین

گفت : امیر سویز مکتبی است که بعد از نهضت  
دنیان تو سط روم برانت ولیونارداو ینچی  
وی در بیلوی دیگر کار های هنری خود شعر  
بوجود آمد . درین شیوه عموماً از مویک و

کارهای مخصوص بخارط لفاسی تابلو ها کسار  
گرفته شده ورنگ ها بر روی کنوس (نکه  
که در داخل چارچوبه فرار دارد) ترسیب  
می شوند .

استاد غوث الدین رسام بیرونی می گند .

- در میناتوری از کدام سبک بیرونی  
می گنید ؟

از سبک خودم .

- خوب می شود اگر کمی درین مورد  
 صحبت کنید ؟

میناتوری سبک های مختلفی دارد که  
معروفترین آنها سبک مکتب هراتی، میناتوری  
جین، میناتوری کوریا ، میناتوری هند و  
میناتوری رویی هیبایشند . من در مورد این  
پنج مکتب مطالعات عمومی کردم و قوانین

شان را آموختم بعد از مطالعات متوجه شدم  
که درین مکتب ها بعضی خلاط ها وجود دارد.  
این خلاط ها عبارت بودند از :

اناتولی (قاعده و قانون الذازه) ناسب  
منطقی، سایه و روشن و سفکتو (خطوط بس  
منظیر) لذا بعد از درک این قوانین من  
کوشیدم تا در کار های ازین خلاط ها که  
از زیبایی و ظرافت ازیم کاحد جلوگیری کنم  
وقاین عذرگوار را در آثار هنری خویش بس  
هدان زیبائی و ظرافت یکنچه . چنانچه یکی  
از آنرا که در سال ۱۳۵۸ جایزه ممتاز سال  
را در جوایز مطبوعاتی گرفت از سبک خودم  
بود .

- یک تابلو خوب باید دارای چه نوع  
مشخصات باشد ؟

هر تابلو باید از خود قانون و مشخصات  
داشته باشد یک تابلو خوب باشد دارای  
کمبوزیشن ، دیکور اعلی و موضوع خوب ب

باشد . همچنان در قسمت رنگ ها باید  
هماهنگی هر هنری و توازن دقیقاً هر اعماق گزند،  
زیرا رنگ است که بینندۀ را بطری خود  
می کشاند . از طرف دیگر رنگ ها باید  
همیشه بالک بوده و در جاهای مناسب آن  
استعمال گردد .

- آیا تابحال کار های هنری تان را به  
معرف فروش هم گذاشته اید ؟

- نه !

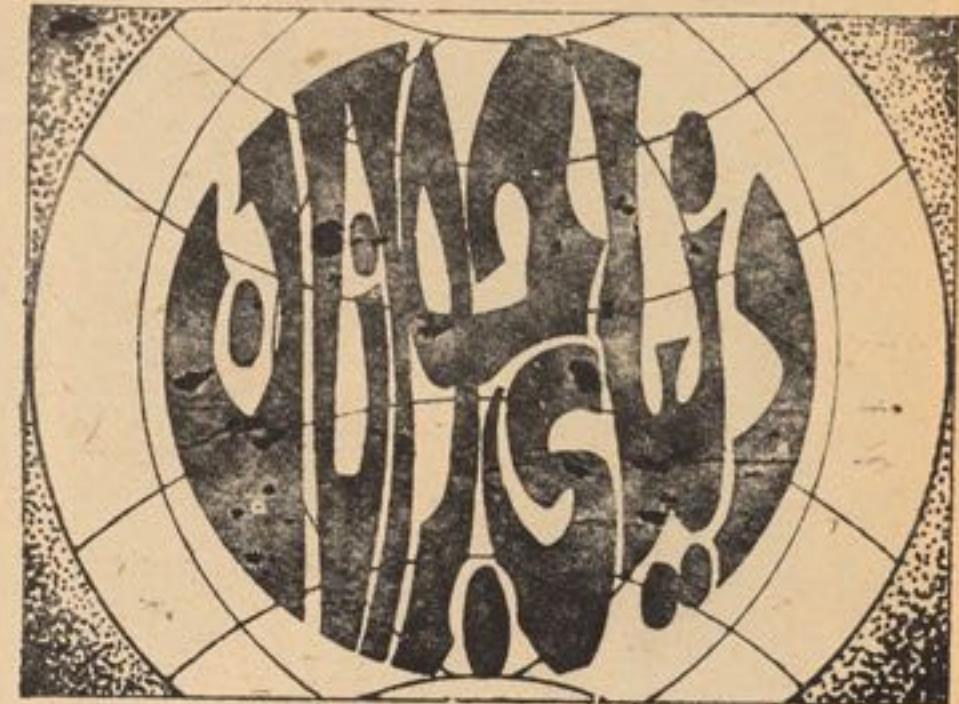
- چرا ؟

سرا از هنرمندان تجارت پیشه سخت  
بدم می آید . من هرگز توقع ندارم که  
الزم را پنروشیم و هر وقت می کوشم که

یاران همراهی خود را نا بود ساخت . آری این درس بزرگی است برای جوانان مانکه بیش فراولان دفاع میمیشند و انقلاب و مردم اند .

جوانان شیر و بی بار وطن ! تاریخ تو قرن اخیر وطن که مشحون از پایه زنده ها و دلیری ها و دست و پنجه نرم کردن های تیا کان و اخلاق شریف و وطن پرست هاست مخصوصاً طی سه باره دیگری با بزرگترین قدر استعماری وقت بعض اتکلیس چنان حساسه آفرینی ها و سر بازی ها صورت گرفته که نه تنها برای ما و شما سایر افسار و عطیات کشور را ظالماً به قتل رسانید بعداً مصروف سازش باگریوب های سیاه کارهای گلر (که زیر نقاب اسلام از اسلام سوی استفاده نموده برضد منافع مردم میکنند) و هکذا مردم کشور ما که اولین مردم منطقه و شرق هستند که زنجیرهای استعمار اتکلیس را در هم شکست (۱۹۱۹ عیسوی) سر هنچ آزادی و آزادی خواهی نیز من باشد دست و پنجه نرم کردن های مردم ما با غول استعمار و انقلاب با خیزش ظفرمند ششم جهادی این نقشه ها را نقش بسر آب ساخت و اینجا سوس یعنی این آرزو را که بنفع بادران خود سازش هورد لظر خود را با خود بگور نا امیدی برد و خشم مردم او و ادامه دارد

کرام شان به توبه‌ی خود به نفع ارتقای استعمار و ضرر وطن و مردم عمل نمودند . امیر محمد یعقوب با عقد معاهده‌ی گذران یک بخش وسیع از گنبد عزیز ما را به ولی نعمت خود (الکریز) فروخت امیر عبد‌الرحمن با عقد معاهده‌ی دیگری بنام معاهده‌ی شرم‌آور دیورند بخش وسیع و حیانی دیگر کشور هارایه بادر خود دودسته تقدیم نمود و اما خان و وطن فروض سومی بعد از آنکه وطن را به خاک و خون کشانید و تعزیز بیشماری از هموطنان هارا اعم از روحا نیون وطن پرست و بیان و شریف جوانان روشنکر و وطن پرست وسایر افسار و عطیات کشور را ظالماً به قتل رسانید بعداً مصروف سازش باگریوب های سیاه کارهای گلر (که زیر نقاب اسلام از اسلام سوی استفاده نموده برضد منافع مردم میکنند) نمود که قبل از آنکه این منازش بر خدم وطن ، مردم و اقلاب عملی شود پاسداران اصلی و اقلابی وطن مردم و اقلاب با خیزش ظفرمند ششم جهادی این نقشه ها را نقش بسر آب ساخت و اینجا سوس یعنی این آرزو را که بنفع بادران خود سازش هورد لظر خود را با خود بگور نا امیدی برد و خشم مردم او و



## از تاریخ باید آمودخت

هله

یوسه یگنده

دولت استعماری اتکلیس در میا سمت خود در قالب افغانستان علاوه از آنکه غصه و تارو مار کشور ما را در نظر نداشت ، می خواست با نعنه قرار دادن افغانستان قدرت خود را بجهابان نیز به اصطلاح خود شان بضمانت . اتکلیس وقتی داشت که مردم غیر وطنی درین دوره می گوید که : «اشغال نظاً می افغانستان باید ابدی و جا ودانی ! باشد تا دنیا عادت بگیرد که قدرت مادر افغانستان بادران و جوانانی است » .

باشد داشت که عادت استعمار و بخصوص این سلسله از شاه شجاع سلوزانی شروع و تا انقلاب ثور ادامه پیدا کرد (البه باد) داشت که این موضوع استثنای هم داشته مانند امان الله غازی و چند تن دیگر . این سیاست انگلیس که باحیله و نیز نک

وچال های سیاسی هر تجمع ترین و خان ترین و ضعیف‌النفس ترین عناصر را به شهروندی رسانید و بر مردم افغانستان بحث امیر و پادشاه تحمل می نمود حتی بعضی نسبت به سلطنتی اتکلیس خطر ناکثر بود ترین این کشور استعمار گرددین و سیله می توالت که همه آرزو ها و آمال بلید و شیطانی واستعماری خود را عملی سازد بدون آنکه خودش مستقیماً این کار را انجام‌دهد .

در حالیکه اگر با دیده واقع بگیریم دولت تزاری روس مصروف چنگ و جدل و رقات در اروپا بود و زمانیکه بطرف جنوب خطر ناکثر است زیرا آوانیکه یک مر تجمع داخلی با لیاس میش ولي اعداً گرگ در میان رده زندگی می کند و بیوسته می درد وبارجه می کند بدون آنکه ساده لوحان و ساده دلان از واقعیت آگاه شوند وطن را خراب و مردم را برباد می کنند و باشند میان رده زندگی می کند واقعیت و فیصله دیگران بود و اولین مشور و فیصله دیگران نیز موضع صلح بود که من تواند دلیل محکم برای رد ادعای اتکلیس باشد . بهر صورت امیر محمد یعقوب ، امیر عبدالرضا واقعیت امیر محمد یعقوب که در قالب همه مستعمرات خود و مخصوصاً هندوستان نشانه های وسیع و همه جانه داشت افغانستان را نیز داخل این نقشه ساخت ما می توائیم که همه داشت افغانستان را وجا سوس و گلستان بصراحت اظهار بداریم که زیاد تر بد بخت استعمار ، ارتقای و امیر بالیزم بودند و هر

## جوانان و روابط خانوادگی

چه کنیم و چه رویه را در بیش بگیریم مشکل اساسی خویش قلمداد میکنند . به جواب این خوانندگان و این جوانان که در زندگی خانوادگی خو شغب باشیم . این سوال است که ما هرگز آرزو نداریم وهم باید گفت که هر جوان خانواده دار یا چنان توقع ما نیز این نیست که در خانواده بیش بگوییم هر زن و شوهر جوان از خود های شما تمام این مشکلات و میباشد پس میکنند و طالب جواب فانع کننده میباشد پس شاید یکی از این برویلم ها در هر خانواده وجود ناقناعت خوانندگان این صفحه فراهم که این مشکلات را مانع خو شیخی خانواده شود .

اول باید برسید که مشکل اساسی چیست؟ ولی اولتر از همه باید بگوییم که بزرگ بکنده از جوانان برویلم اساسی را نداشتن توین برویلم و مشکل اساسی همانا عدم خانه و سر برناه میدانند ، عدهه اقصاد تا متوازن خانوادگی را مشکل اصلی خویش می شناخت از هدایتگر و عدم اعتماد و تفاهم در شماراند و برعی عدم اعتماد و عدم تفاهم بین خانواده است دو مشکل قبلی دیگر به اعصاب خانواده مخصوصاً زن و شوهر را هرور ایام قابل حل است و میتوان آن را با



کوئش و تلاش از هیان برداشت.

گفتم عدم اعتماد و عدم تقاضم بزرگترین مشکل اساسی خانه نواحه است، بلی ماهم با شما هم عقیده هستیم که اگر خدای نا خواسته این مشکل در خانه شما وجود داشته باشد واقعاً شما با بد مشکل و پرورشی سر-چار هستید.

برای اینکه تا اندازه شما را رهنما میکردند اول می بردند از اینکه به اصل ریشه این عدم اعتماد و تقاضم که از کجا مرجع شده و چرا بین شما و همسر تان این اخلاق افتاده و وجود ندارد، شما میگویند که زن راه غلطی را در پیش گرفته و در مردم شوهر خوبش اشتباه میکند زیرا هیچ دلیلی که حکم بر محاکمه شوهری چاره کنودندست داشته باشد تزد خانم موجود نیست صرف به گفته دیگران او شوهر خوبش را میگویند که واژه او سلب اعتماد می نماید.

خدمت این عده خانم ها باید گفته شود که زندگی زنا شویی مستلزم گذشت و تقاضم است زیرا اگر این دو اصل در روابط خانواده وجود نباشد، دیگران نمیتوان آن را خانواده گفت.

زن هو شیار و فرمیده که سعادت خانواده

گی خوبش را طالب است هر گز با باید -

کویی های دیگران اهمیت ندانند که شما که خانوادگی خوبش به صورت سالم نداشتم میگذرد، و هرگز فریب نشمنان را نمیخورد خانواده امروزی باید نونه و سرشق خانواده های آینده باشد. پس هر زن و شوهر که

بدون شک صاحب کود کانی اند و یا خواهد بود سرشق خوبی برای فرزندان سان محسوب میگردند نتاً زن و شوهر چنان از روابط خانم نسبت به هدیگر بر خوردار باشند که روی آنها میگذرد.

آن زن و شوهر یکه به آینده گوش و گود کان علاوه از هر گز اخلاق افتاده

جزین را که بعضاً در بین خانه و خانواده ایجاد میگردد جلت تکریه و روی آن امن بیجده، زیرا میدانند که این رویه آن را در روحیه اطفال شان اثر میگذارد پس چنین نسبت به هدیگر باید زن و شوهر بازد از هدیگر شان شناخت داشته باشند و احترام به هدیگر و به خواسته های شان از ضرورت یات زندگی امروزی محسوب میگردد.

پس از این حادثه باشند، زندگی که امروز آنها نیاز مند آن هستند مربوط میشود به رفاقت و کردار والدین آنها.

دو مو غموم دیگر که یکی نداشتن خانه و دیگری اقتصاد نا متوزن است در بعضی از خانواده های ما تأثیر سوء گذاشته ولی همانطور یکه قیلاندزک دادیم تمام این مشکلات بیز و دی حل شد نیست از این مشروط بر اینکه انسان در برآبر آن استنامت و برباری داشته باشد. بی خانگی از پرورش های امروزی بشری شمرده میشود و این تنها در کشور ما وجود ندارد بلکه در تمام جهان این مشکل هو جود است. با تحول

ششم جدی امید فراوان میروند که از این مشکل عامه نیز رهایی یابیم و امید وارهشیم که در آینده تزدیک شاهد چنان زندگی باشیم که هدیگر از این مشکلات اولت از همه می خواهند که در شرایط امروزی که همه ما در آرزوی زندگی آرام و سعادت پاری خانوادگی هستیم بست این طور سخن هایکر دیم.

امروز مشکلات داریم که او لتر از همه در بی علاج آن بولایم این مشکلات اولت از همه سا ختن یک اقتصاد مستحکم است که جامعه ما نیاز مندان بیشتر از همه چیز دیگر است.

زیرا اقتصاد جا معه بستگی به اقتصاد خانواده ها دارد. بهر حال امروز که همسر ادعای دارد که من براحتی خیانت میکنم، کار نادرستی انجام میگردد.

تا وقت آمدن های من دلیل دارد و ده ها بار این هو ضوع را به همسر گفته ام او که قبول ندارد مربوط خودش است و باید او از همه بیشتر هم بستاند.

کم بگذراند باز هم میتواند. پس استحکام

ایده آآل خود نیز دست یابد. پس باید به تمام جوانان مخصوصاً به جوانان خانه دار تقدیر میدهیم که زندگی امروزی را بدقت و هوشیاری تمام پیش ببرند زیرا کوچکترین اشتباه ممکن است آنها را مخصوصاً از تنهای اقتصاد متضرر نشده وای بسا که در مدت کوتاهی بتواند به زندگی خانوادگی شان دستخوش نا راحتی ها شود.

## خوانان و دهولنیز وندسمون

گران خوانانو! دهولنیز زوند دسمون او دزوند دسمون دیاره یوه دامی مساله ده چیز ن ورث بی دنیه په گولو هیوادونو که به مترق کیده دیاره دیوی ټولنی دهولو افراده تیره بیا دودی په حال کن هیوادونو که دیزیات ارزبیت او اهیت لری او همدا چیز



اهیت بیا بیدنا کری دی ا ورث به درخ به ارزبیت او مهی دی، خکه چی دیوی ټولنی دخوان نسل په دهن او بدنی به ارزبیت بی لام زیادتوب راشن.

خوبی خوانانو! بون او تاسی په بیدنیه ده ایزی کی داسی حرکت پرور دی چن دنلم، قیمتکیت او دملی یوستون له لاری بی خامخا دنیا کی زوند کوچوچی ده زوندانه د چارو دویاندی تک او ورخیو ایتیاوله امله په بیوه حیرانو و نکی دریخ کی مو نیعت لری او نورهم پدی برخه کی گوندی او تین حرکت روان دی، نن ورث دیوی هیواد دخلکو مادی او معنوی ایتیاولی او ورخنی فعالیت په هفو پسونو تکیه اچوی چن علم او پو هه پسی خونه په وریاندی تک و مومی. خوبی خوانانو! دزوند خخه مراد حرکت پسونیدل، خه او کوبنیش کول دی، حرکت دهولنیز تحول به کنه حرکت دهولنی دخلکو اکتریت دکتو دخوندی سانلو په خاطر، حرکت دملی کوچوچیاولی او تقویی به منظور، توکله چن پیوچواد خوانان نومویو شیانوته په زوره توکه خانوونه ورسوی او دجویه دیاره په خانواده زوند خیستن شن.

دنی او سنی جریان نسبت پخوانه په چنکیتیا سره مخ په وریاندی درونی او دا هر کت تردی اندازی پوری گوندی دی چن خاره دی سانته بی زیات فعالیت او دیدونی و ده هلی خلی غوایی.

دانکی دیدولو ویدی چن دیدنی قوت دیکار اچولو دیاره، نظم، دسیلین او لادپسونو دیاره ملی روزنه او ملی لارشونه پسروی ده او داهنده ملی او بیوه زده پسروی حرکت دی چن دملی او اتفاقی نظامونه توکنیزه فلسنه بی ایجادی اوراجتماعی سمعون دیاره بی دادجور امکانات او ذمینه بر ابروی، ددی خبری علت هم دادی چیز پاتی په ۴۸ بخ کی

# ۵۰۵ ختھر به وضع زنان

## در جو امع مختلف گذشت

لی بامیان آمدن تعویل عمیق و سیاستی در این ویاند چنان یکتار او که میخواستند انقلاب ملی و دموکراتیک نور را به پیراهه پیرز و کشور مارا بیک گشته اند گاه عظیم مردان و زنان افغان مبدل سازند در اثر خیش غفران عتد شش جدی خالقین به سزا ای اعمال طاغوتی و شیطانی خود رسیدند و انقلاب دورانساز نور همیز اصلی خوش را بازیاف و مردم عناد دیده ما اعم از زن و مرد به آزادی های واقعی و دموکراتیک خود نایل آمدند. امروز که قدرت سیاسی کشور در دست زنان و مردان رنجیر و کارگر، دهان و بیشه و ما و به نماینده گی از آن ها در دست حزب دموکراتیک خلق افغانستان بقیه در صفحه ۲۸

کشور در اثر پیروزی انقلاب شکوهمند نور آزادی زن در جامعه مائیز تحقیق یافت و موقوف در جامعه تبیث گردید. ولی با تأسف باید انقلاب داشت که هیولای گرسنه‌منظر پیروزه نامسان امپریالیزم و فاشیزم و جاسوس نوطه گر ارتیاع و امپریالیزم از بیشه بی بر خاست و همانسانکه استقلال ملی، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور هارا به مخاطره ایالت و بر فرهنگ و کلتور شرف و نا موس مردم ماعتی نکرد زنان تازه از بندوسته کشورهای آرام نگذاشت، خواهان مارا بجزم این گناهی و عدالت خواهی به گشته اند گاه ها و شکنجه گاه های مملکت و مرگبار فرستاد و به بیرون نمی گشت و زنان دورا نساز جایه ما از سا آزادیهای مادی و معنوی محسر و مداد، تابدین و سیله بتواند خدمت عصافرانه نگذاشتند بودند.

اگر بتاریخ جوامع مختلف بشری بدقیق و بنا نگاه زرف و واقع بستانه نظر اندیزیم به وضاحت در می باییم که بحق زنانکه نیمه از کنله عظیم جامعه بشری را تشکیل می دهند در طی قرون منعکس و درازمانه مختلف تاریخ تحت مستحبای زیادی قرار داشته اند. زن این موجود دورانساز که امروز دوش افسوس مردان درگاه زار تبرد با مشکل روز مخاطم شر میان جوامع بشری عرض الدام کرده اند تحت ستم طبقاتی واقع گشته است.

تاریخ نشان می دهد درست از آن زمانیکه مالکیت های خصوصی در میان کنله های جوامع بشری بیان آمد و روابط دوره گفون اویله از هم پاشیده گشت، زن علاوه بر آنکه تحت ستم طبقاتی قرار داشت تحت تسلط عردان نیز قرار گرفت و از همینجا بود که زنها تحت دو نوع فشار واقع گردیدند، یکی فشار طبقاتی و دیگر فشار جنسی و تسلط عردان.

حقیقت این موضوع را میتوان از لایلای تاریخ چند کشور زیر به ایلات نیل طفیان و مردم از قلت آب نجات یابند دو شیوه گان جوان و خوشگلی را با لباسی قشنگ و زیبا آرامسته میکردند و نثار در بیان خروشان تیل میعنودند.

چشم ها نیز زن را موجود نا مطلوب می بنداشتند و از داشتن اولاد مونث عار داشتند بطور مثال اگر شخصی از یکنفر چنانی عبیر سید چند طلی دارد او از تعداد دختران خود چشم میبیند و شیدو فتفا به ذکر تعداد بسیار خود اکتفا میکرد.

تاریخ جامعه عرب نشان می دهد در زمانیکه ابرظمت وسیه روزی جبل و بیسادی بس مرزهین عربستان سایه ایکنده بود و مردمان عرب در تنگی میلکی بسیار بودند تولد طفل مونث «دختر» را اغاده دانسته دخترانی را که تازه بجهان چشم می کشندند بیرون گشته زنده بگور میگردند.

مطالعه تاریخ دوره بردگی اuman بیانگر این واقعیت است که در آزمان مردان در مقابل حیوانات و اجنبان زن خوش را مانند امتعه تیله میکردند و بوجود این منجیت یک انسان دورا نساز، توآتا و متفکر ارجمند نمیگذشتند. با گذشت دوره بردگی و بیان آمدن دوره قبادی وقوع زنان نسبت به گذشته هابهتر گشت ولی باز هم زن از حقوق طبیعی والسائل خود بطور شاید و باشد بخوردار بوده.

در ارتباط به وقوع زنان در جوامع قبی دال کشور خوش را مورد ارزیابی قرار می داشم. تا قبل از پیروزی انقلاب شکوهمند نور

ذرخورانوی زیاده

## داستر الیا د بشو ملی سازمان د خپل جورید ۹ دیو ۱۹۵۰ کالیز و نماندله



دفتری ایلیا د بشو ملی سازمان د خپل

رحمه الله (جرمی)

# آینده کشوده مارا کودکان و اطفال امروز نیمسازد



## لام حیدر یگانه لای لای مادر

لای لای مادر .

الا ... لای لای

مرجانی گل شاخ امید ستان هستیم

زدل نزد یکتر در دل

زجان محبو بتر در تن

الا ... لای لای

گل قرمزو یاری باشستان رنگین سر نوشتم

و فر جامین نیاز بر ترین

فرزند شیریننم

شب خوبیار شیطانی

شب نیرنگ کین تو زانه غرفت

شب نفرین بم

شبخون کابوس

لانه دندان نمای دیو، رو به قابودی است

الا ... لای لای

لیخدی ... نگاهی سوی من ... فرزندشیرینم

من اینکاز سوراخ بام تور رنگین اختری بینم

و اینک با «فوقوفوی» خروس جسم در راه سحر

خورشید میاید

که فردا نیز دارد انتظارت را

در «روز گار سیاه» امین

واقعیت عینی و تاریخی است که در آن کودکان ما ، اطفال امروز ما میمانند و این آینده ، آینده خوبخی و سعادت مریوطا بر اکثریت های مظلوم و تحت ستم حکمرانی دارد به هیچ امری بجز ببره کنی های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی انسان بوسیله انسان توجه جدی مبنول نمیگردد .

اویاب زور وزر یکرسی های قدرت تکیه زده بودند خود را خون و خصاره جان ملیون ها فرزند رنج و عذاب اینکو نه جوا مع

بی رحمانه به زندگی نگین و شرم اور خویش ادامه می دادند .

در چنین جوامع همانسانیکه هزار ها ملیون ها دهان و کار گزندور و پیشه ور

با انکه بسیار کارهای گردند و بسیار عمر ق

می ریختند اشک حسرت بر چشم داشته همه اطراف و جوان خویش را برآز یاس و نا

نازه بجهان چشم می گشودند شش جهت

یستان را رنج و عذاب و محنت و دشواری ، فقر و تبیضستی فرامی گرفت، البته اطفال بهره

کشان و ستمگران شامل این کلیه نبوده در

ناز و نعمت دنیا می آیند و در عیش و نوش امراد حیات می نمایند .

در کشور ما قبل از پیروزی انقلاب شکو

هند نور که بوسیله آن قدرت حاکمه از

سلطه جباران و ستمگران بدلت طبقه دهان و کار گز و به نمایندگی از آن به حزب

دموکراتیک خلق افغانستان ، پیش آنگ

در نظر گرفت و سعی بليغ بايد گرد آسا

کودکان را با روحیه عالی و طبیرستی ، شجاعت صداقت و انسان دوستی و خدمتگزاری در برابر همنوعان وی پرورش داد .

برای اینکه نسل آینده کشور ما صادق و طبیرست ، با تقوی و خدمتگزار واقعی وطن و جا معه بار آیند لازم است که پدران و مادران ایشان نکات فوق را در نظر داشته

چنانچه بیرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دمو کراتیک خلق افغانستان ، رئیس شورای انتلابی و صدراعظم چمپوری دموکر-

اتیک افغانستان در بیانیه ارزشمند و انتلابی خویش که در مراسم نخستین کنگره کار-

مندان طی جمهوری دمو کراتیک افغانستان فردای کشور اند انسان های مظلوب و مفید ایجاد فرمودند چنین اظهار داشتند :

چنانکه معلوم است آینده کشور ما را وطن و جامعه بار آیند .

## رنگ‌ها

سخن نکشوده هر گز عقده‌های روح انسان را .  
نگتنه قصه حا لات بی آغاز و پایان را  
لداده شرح احسا سات پنهان را ....  
اگر هر حس انسان و یزه رنگی داشت  
اگر زین رنگ‌ها رخسار انسان رنگ بر میداشت  
نشان میداد رنگ آیا  
ز دریای درون ما  
هزاران هوج سرمهست بیر یستان را ؟  
به دیوار بپ آن نقش و نگار آرزو مندی  
ز حرمان چیز کنیدن ها  
میان همهمه احسا س در داد آلد تنهایی  
شکست اما شکیابی  
ز زیر منگ هانند گلیا هی سر زدن بیرون  
به سوی نور خو رشید بهاری سر کشید نبا  
نمام عمر در راهی به شوق دل دویند ها  
چهان را دیدن و خود راندیدن ها  
میان شوره زاران بروزش دادن گل امید ...  
- برسید از را فایل ،  
از پیکا مو ،  
یا که از دنگین کمان برسید  
میان رنگها  
رنگی بود آیا  
که سازد جلوه گرفت بزرگ روح انسان را !

## دفونی بام

د گور بت او زمری کور دی  
داد دنگو غرو وطن دی  
داد دغی نوی بام دی  
دامسیا دوچی تاج  
\*\*\*  
دمبلاب خوبه ونو خاوره  
کی بیهی میست سیندونه  
لوزی خمکی هسکونه  
رسی خونی بی تر معراج  
لمری بی دون بی شنه اسماه کی  
وریخ سره هل تندرونه  
او بیه چن بی دی باخونه  
دهیچانه دی محاج  
\*\*\*  
هر گونگی بی دمگاک لومه  
هر بیوه کی تویک دی  
هره تیره بی هرمی ده  
هر غلیم دله تاراج  
\*\*\*  
کو خو له ماته د سکندر شوه  
کو مغول ، چنگیز زده چاودی  
نه بی سرا یپس او رنگ ته  
نه منی دانگریز باج  
\*\*\*  
دادنگی او بی مخانگو ده  
میرنی روزی او یالی  
دانه ویار دی سر سیندونه  
لشه لشه دی بل جاج (۱)

چار شم له تاجر شم  
دافغان ویار جن هیواده  
لشه لشه بل وطن کی  
منا سبیخلی دود ، رواج  
ستگ

(۱) لکر

ذوندون



## خواب

خواب می بینم زنی زیبا و سست  
در برند آبی آرام صبح

خواب می بینم که شب از بام ده  
زهره می ریزد سرود از چنگ خویش  
شور می بخند همه آفاق را

خواب می بینم که در میخانه ای  
جز ندای جان نمی آید بگوش

خواب می بینم که «حافظه» نشناست  
می شکو فد یاد یارش در ضمیر

خواب می بینم بر بیزا نی بشاز  
می کشد ذرات جان را سوی خویش

خواب می بینم که میت از بوی گل  
نیمه شب در بستر گلپای سرخ

خواب می بینم دوای درد عشق  
می شکافم مینه گرداب ها

خواب می بینم که مردار یاره  
می گریزد بر قشم از چشم من

خواب می بینم که بست ابرهای  
هره از واح سر گردان شب

خواب را خواب می بینم که باز  
از دیار مر گ میگوید سخن

صبح می خنده برو یا های من  
آید از بیداریم بیز اریم

خواهای خو شتر از بیداریم  
فریدون مشیری

## د بید یا گل



لکه جمال دکوم بی کس جی خریدار نه لسری  
دنزیه هوس بی دچاره خنکی جی حیا غوندی شی  
لکه خوانی دکوم بی سکلی جی پنهانه دنیا کی  
دېنکلیتوب خوده ارزو بی نارا غوندی شی  
لکه نشمعی بلو شی جی دویاوه حفل کی  
سپلینی شغلی بی خه بی قدری شی و پریا غوندی شی  
لکه غریب حن جی تل وی غریبی المی  
لخپله خانه سردازی خورسوا غوندی شی  
لکه مین جی دچایاد کی سر بی شایو وزی  
دلوي جهان له به او بلده بی پرها غوندی شی  
چیرنه بیو گل و دسپیر و کایاوه خواکی ولاه  
داغزو غیر کی بیدا شوی په صحراء کی ولاه

## سوال

در لحظه بی بزرگ  
زان لحظه ها که خاطره اش جاودانه است  
یک جسم آهین  
بر زور و بر خوش  
بر سطح ما هناب  
آرام پانهاد

(۲)  
این جسم آهین  
«عتاب» «نیز چنگ»  
بود آشیانه ای انسان های قرن

## ذه لیکی

شم له دی زما دخوشنالی خبری نه لیکی  
ما تهدی د مینی لیونی خبری نه لیکی  
یار دی راته اوس دی ننگی خبری نه لیکی  
کل دی راته نورد بیو سی خبری نه لیکی  
بووه دا ناصح کری ورته ووا بی جی نه منی  
بر بنسی هی چند دی ورته نور زمانه خنگو اپی  
شمس ته دی دېنکلو دبدی خبری نه لیکی  
شمس بیو نیری

## سر و د شقا یق

در گیر و دار خلقت این لحظه بی بزرگ  
در گوشه بی  
سینان کلبه خود  
در گرهی زمین  
دهقان پیروخته دلی رنجی گشیده  
هشتم باز گشت زروزانه کارستخت  
طلعش ذری یاس موالی نموده بوده  
بابا!

چراهه قریبی ما نیس مکتبی؟  
رفعت حسین

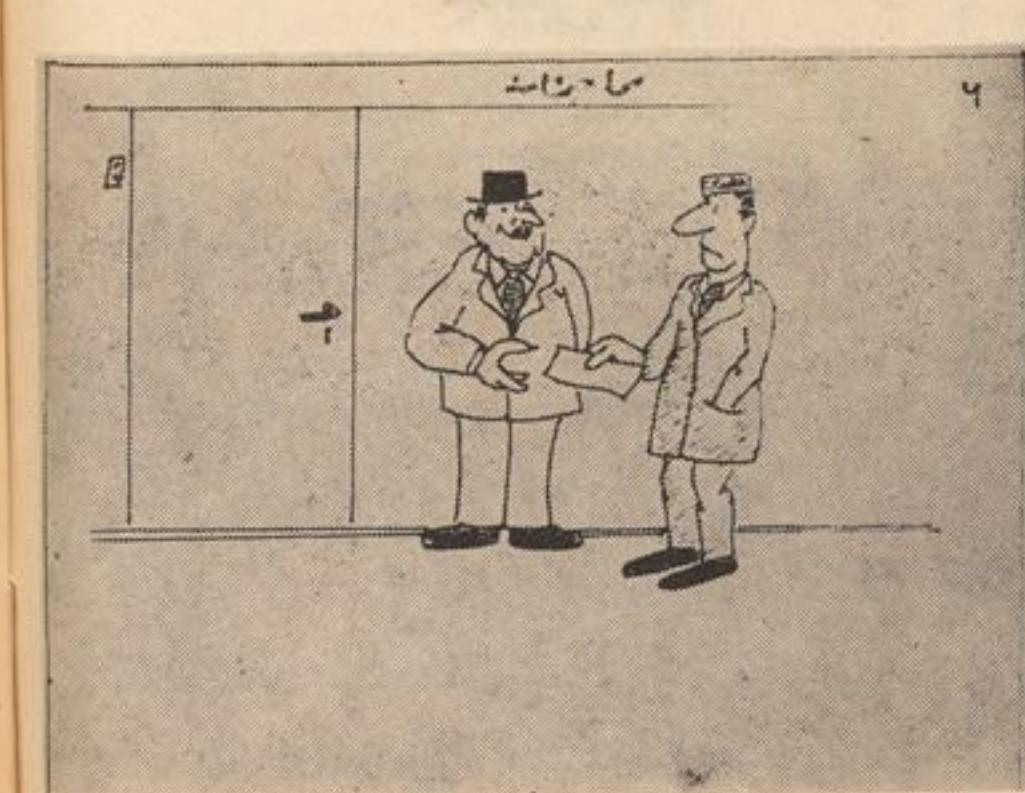
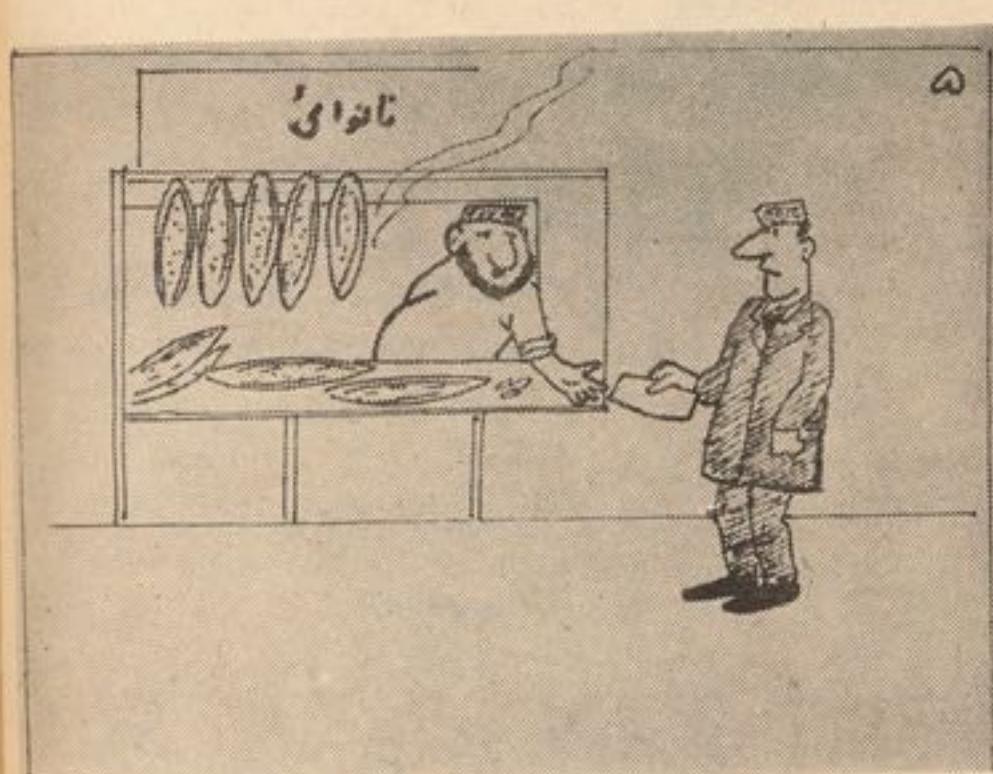
زیستکه مهر تو افروخت، آشیانه من  
به کوی غیر نبینی دگر شانه من  
نوی الاهه خورشید شهر عشق و امید  
شدنی محرك عشق من و ترانه من  
حدیث عشق تو گلوازه های شعر من است  
شم توزیب غزل های غنگانه من  
زا سمان دو چشم ستاره میر بزد  
بیا الاهه خورشید جاودانه من  
دلم ز هجر روا نسوز توبه نیک آمد  
بیساکه گرم شود، بزم عاشقانه من  
من اذ بهار شقا یق سرود خواهم خواند  
اگر قدم بگذاری گهی به خانه من...  
کا وون توفانی

## لیکلی نشم

خوک به مین وی دلیلی به شدو خالو نویاندی  
زه بی مین دخبل وطن به غرور غونو باندی  
دوروزانو عفتونه نور لیکلی نشم  
نور به زنگاو د تورو زللو زنگیدلی نشم  
به تشنخندا ددلبر الو غولیدلی نشم  
دقام دا و بر ی تیری ورخی نور ز غسلی نشم  
چانه به ورنکرم دا خاوره بلا لونو باندی  
زه بیه مین دخبل وطن به غرور غونو بالدی  
حکیم لیونی

\* این شعر در شب فرود انسان بر گره ماه سروده شده است.

\*\* عتاب نام سفینه‌ی حامل فضانور دان بود





بنایی از نظام فرتوت "گذشته"

علت عده ایکه موظفین ترا فیک نمیتوانند  
از تمام این خلاف رفتاری ها مانع گردند  
این است که برسول ما خیلی کمتر از  
تعدادی است که ما واقعاً در شهر کابل و  
به منظور کنترول کامل ترافیکی به آن نیاز  
داریم.

پنجم صفحه ۹



## نهاده گفت و شنود ها و نشست های ...

درهورد کنترول عوارض تخفیکی هم آبریت  
تخفیکی ترافیک در موقع تجدید جواز رانند  
گی وسیله نقلیه را هرورد معاینه دقیق قرار  
میدهد و تا عوارض هرور اصلاح نشود جواز  
سیر برای آن داده نمیشود.

بیوت های سیار ترافیک هم در روز و شب  
در شب به مراقبت در این زمینه مصروف  
میباشد البته باز به خاطر کمبود برسول  
ممکن است بعضی از عزاده جات در حین  
گردش عوارض هم داشته باشند که از نظر  
موظفین پنهان مانده باشد اما این مو شوع  
عمومیت ندارد و هر هرور حداقل در مو شع  
تجددی جواز رانندگی دقیقاً از نظر عوارض  
به معاینه گرفته میشود.

خانم ...



مدیر ترافیک کابل :

اکثر بیاده رو های ما نیک و کم عرض  
جواز رانند گی به اساس ماده ۲۳ قانون  
ترافیک جاده در شرایطی به در خواست گنند  
اینکه بسرعت بتوانند خودشان را به محل  
موردنظر برسانند مجبور میشوند وارد جاده  
میشوند و هم دوره های گورس های  
نظری و عملی ترافیک را گذشتانده باشند و  
تمام کسانی هم که موقع به دریافت جواز  
رانند گی شده اند این مراحل را گذشتانده  
اند. علاوه ترافیکی در گورس های ترافیک  
آموختانده میشود، اما اینکه را ننده ها

۹ ... ۹



آنرا تطبیق نمی کنند باید علت را در بسی  
سوانح و بی تو جیب آنها به کاوش گرفت.

# تَكَلُّسْتِي گَنَاهْ نَيَّشْتَه

## کَهْيَلَى در سَلَهْ پَرَدَه

لویا . ترش رویی تکن !  
مینیا . اگر دوستم داری مسخره ام تکن  
این موضوع ، عشق است ، شوخی نیست  
بگذار آنچه شدنی است بشود . (بازداشت  
را دور او حلقه هی کند) من تو افتد مارا جدا  
کنند اما به رضای خود از تو جدا خواهم  
شد . حاضرمن ، زندگیم را فدای تو کنم لویا  
لویا . (در آغوشش هی افتاد) عاجه هی کنیم  
عزیزم ؟

مینیا . چه باید بکنیم ؟  
لیامدیم عاشق شویم تا همدیگر را لرک  
کنیم .

لویا . و اگر با دیگری نا مزدم کرند ؟  
مینیا . آنوقت باید چنین کنیم : من و تو  
فردا برویم بیش گردی کار بیچ . خود را  
به پایه ایش بیندازیم و بکریم به مارحکن  
مانس تو ایش جدا از هم نزد کن کنیم . عاشق  
باید غرورش را فراموش کند .

لویا . از غرور چه هی گویی ، مینیا ؟  
خیلی دیر شده که من به غرور بینداشم .  
با من قهر نباش عزیزم . آنچه را از سادگی  
گفتم فراموش کن . فرمیدم . از آنچه  
گفتم ، منافقم . باید با تو شوخی کنم .  
باید عشق بورزم . عاشق بینایم ! (سرش را  
روی شانه اش هی گذارد) . و اگر بدرنگارد  
که ما خوش باشیم ؟

مینیا . چرا بیش از عبور بل را ویران کنیم  
بگذار هر چه خدا بخواهد . در باره تو نی  
دانم اما من . بدون تو زندگی برایم ناممکن  
ست .

(سکوت)

لویا . کسی هی آید . تو هوا کن . من  
دیر تر هی آیم . (مینیا بیرون می گذرد ، ارینا  
با شمع من آید ، لویا به دیدارش می رود) .  
ارینا ، لویا بعد یگروشکا .

-۲-

مینیا . لویا : باید داشت ترا چکونه تعییر  
قلی است که آش گرفته است . ممکن است  
وضع مر از احوال و رفتارم بدانی .  
لویا . فکر می کردم تو عاشق آنا ایوانوا  
هست .

مینیا . اووه . نه !

لویا . شنیدم که بودی .

مینیا . چه آدم یستی باشیم اگر چنین بونه  
باشد . چکونه جرسات می کنم آنچه دلم  
احساس نمی کنده زبان بیاورم ؟ این تقلب  
است . من خود را سزاوار مهربانی تو نمی  
دانم . پس چکونه فریبت میدهم ؟

مینیا . بندعالم (به سوی لویا می رود)  
لویا . آدم باید به شما مردان اعتماد کند  
همه فریکارید .

مینیا . دیگران شاید . ولی نه من .

لویا . من فقط یک هشدار به تو دادم .  
لویا . من ترسم عشق ما جو نگلی باشد  
که بیش از شکفتن پزمرده شود .  
آنا . صبر کن عزیزم . کسی نمی آید ؟  
شاید و باشد . من می روم . من تو ای ایش  
بزقی (می رود) (مینا وارد می شود)

لویا و مینا - ۲-

لویا - کیست ؟

مینیا . من . مینیا .

لویا - چرا دیر کردی ؟

مینیا . بندعالم (به سوی لویا می رود)

تسایی لویا ؟

لویا . بله . چرا ؟

پرده دوم  
اتفاق پذیرایی در خانه گردی تاریخی ،  
نیمکتی با میزی گرد و شش چوکی دور آن ،  
هر طرف سه چوکی . به هر دووار یک در دیده  
من شود . همچنان به هر دیوار آیینه یی  
آویخته که باین آن میز کوچک گذاشته  
اند . بدون نور روشنی الداز ها صحنه تاریخ  
است .

لویا و آنا جانب چپ

آنا . چرا بجه های متول تیامده اند ؟ فکر

می کنم باید دنیال شان بروم .

لویا . اووه ، نه . نزو یا شاید ... (بازدید)



لویا . چه یکتولیم ؟ شاید همین اکنون فریبم  
من دهن . صرف برای شوخی .

مینیا . بهتر است بیزیر اما چنین چیزی  
از تو شنوم لو با ؟

(دور می شود) .

لویا . قصداً گفتم ، مینیا . میدانم دوستم  
داری .

صرف خواستم آزارت بدhem . (مینیا خاموش  
باشد؟ (همه گوشه و گنار را جسمجو می کند)

است) مینیا چرا گب نمی زنی ؟ از من قبیری ؟

لویا . آه ، مینیا . آنچه نوشتم حقیقت بود .

شوخی نبود . دوستم داری ؟

مینیا . لویا . قدرت ندارم تمام احسانم

را بیان کنم اما من خواهم بدانی این که

در میشه دارم مستکن نیست که می غلندبلکه از آن قطعاً نیستم .

را من فسرد) بله ، بروم . بروم . آنا .  
آنا . چرا ؟ چه غوغایی دراین دلک توست ؟

لویا . اگر نسباً نمی دانستی ... من  
عاشق او هستم .

آنا . عزیزم ممکن است دلت را بیازی ولی

هوش کن که سرت را نپازی . اگر خیلی

به عاشقت سخاوت کنی بیشمان خواهی شد .

بهتر نمیست ، اول بیستی که آیا او لایق مهربانی

تو هست ؟

لویا . هست . آنا . خیلی عزیز . خیلی

آرام ... و خیلی نسباً .

آنا . اگر چنین است بس دوستش بدار .

در میشه نورد خودت بیشتر من تو ای قضاوت کنی .

کرشنوف . وحالا دیگران به نوبت .

آنا . من حاضرم . مغروف نیستم .

لیزا . خوشی بزرگی است .

ماشا . وای شرم آور است .

گردنی . (به طرف میباشد من رون) تو اینجا

چه می کنی ؟ اینجا چای تو هست ؟ راغ به

بینی عقاب می نشیند آه . (میباشد) یاشا و

گریشا می روند .

### هشتم

گردنی تارتسوف ، کرشنوف ، لیزا ، آنا

ماشا ، لیزا و دختران

کرشنوف .

(پهلوی چوکی لوبیا می نشیند) من از شما

یاسخاوت ترم لوبیا . شما حتی نمی خواستید

مرا بیوسید . من به شما هدیه آورده ام .

لوبیا .

من افسفم که خود را به ذممت اداخورد .

کرشنوف .

صرف یک جوره العاس . ۵۶، ۵۵ :

(قطعه کوچکی به او تقدیم میکند) .

لوبیا .

شوشاره ؟ بسیار شکر !

آنا .

شانعان بده !

ماشا .

چندرو قشنگ !

لیزا .

چه مقبول ؟

کرشنوف (به لوبیا) دست تان را به من

پیدهید ! (دستش را می گیرد و می بود) .

خیلی دوست تان دارم . واقعاً بسیار زیاد .

ولی می ترسم شما دوستم نداشته باشید .

دارید ؟

لوبیا .

دلیلی هست که نداشته باشم ؟

کرشنوف .

هست شاید دیگری را دوست بدارید ولی

یاد می گیرد که چطور مرا دوست بدارید . من

مرد خوبی هستم آه ، ۵۶ ، ۵۵ ، ۵۴ !

لوبیا .

رامست بگوییم نمی دانم چه می گویید ؟

کرشنوف . می گویم ، یاد خواهید گرفت

که چگونه دوستم بدارید . بعلاوه من آنقدر

بیر هم نیستم (نگاه استهبان آمیزی می کند)

شاید هم بیر تما پاشم . خوب ، این چندان

بدینست . در عرض شما را غرق ملا و جواهر

خواهم کرد .

لوبیا .

(برمی خیزد) من بول شما را نمی خواهم .

گردنی .

لوبیا . کجا میروی ؟

لوبیا .

یش مادر .

گردنی . بنشین . او فوراً برمی گردد .

(لوبیا می نشیند) .

کرشنوف .

جز را نمی خواهی پهلوی مرد بیری بنشین ؟

۵۶؛ دستز را به من بده غریب بگذار بیسم

لوبیا دستز را می دهد ) آخ آخ .

کرشنوف .

چه دستی ؟ مثل محل (دستز را با دست

خود نکان می دهد و انگشت العاس را به

انگشتش می کند) .

گردنی . خانم پلکنیا . مهمنان آورده ام .

پلکنیا . بفرمایید . افریکن ساویج . بفرمایید

کرشنوف . چه حال نارید ؟ پلکنیا یکرونا!

پارتنی است ! ۵۶ ، ۵۶ ، ۵۶ . من به وقت میدم .

من باشم و دختران . هاشست با دختران را خیلی

دوست دارم .

گردنی ، یاکسیت بکیرید افریکن ساویج .

بفرمایید . خاله خود قان ام است . (افریکن

ساویج به یک چوکی بازو ناز داشت میز

می نشیند . ) (به خانش) دختران را بیرون

کن !

کرشنوف . چی ؟ دختران را بیرون کند ؟

کی چنین جرأتی دارد ؟ ۵۶ ، ۵۶ ، ۵۶ : بگذار

برای ما بخوانند و لذت بیرون به جای اینکه

بیرون نشان کنیم چایزه شان می دهیم .

گردنی . هر طور شما بفرمایید . مغذت

می خواهیم این ها کار خانم من است . همیشه

می گوییم : موسيقی خوش نایاری ، مطریب بیار

موسيقی خوبی بشنو . فکر نکید من سخن

می کنم .

پلکنیا . ما بیرون شدیم (می نشیند)

یاشا . (می سرآید)

لب در یا چهار تا خانه باشد

در آن چار خانه چار جانه باشد

چهار تا زانین مست و مغروف

ستم بر عاشق جا نه باشد

به چنگل می روی کا گل بچینی

به عائق نیز گلبرگی نگذار

اوینا . (با شیشه ها و جام ها وارد می شود)

به دنیا شد خیز خدمت طرف غذا به دست

دارد . ) این است مدام . همه چیز را آوردم .

پلکنیا . همسایه ها بینند . بعد دختران تعارف

کن (غذا را تعارف می کند) . غرف را روی

میز می گذارد . شراب را اینجا بیاور اوینا .

بده به ما . خوش مان خواهد ساخت . خواهیم

نوشید . کسی بدمن نخواهد گفت . مادیگر

بیش شدیم . هوم . (می نوشند) آنا . بیا بیا

ما بتوش . می نوشی . نه ؟

آنا . چرا نوشیم ؟ اگر چه مثلی است که

می گویند می نوشی به تنهایی غلط است .

در جمع هم ضرور نیست .

(می روی بالای سر پلکنیا ، می نوشد و به

آرامی بالو گل می زند) .

اوینا . دوستان جوان باید . چرا چنین

بنشاط شده اید ؟

میباشد . می نوشی . نه ؟

گردنی . خوبی شکر .

گردنی . خوب ، من می نوشم . (او یاشا

می نوشند . بعد او دست هایش را دور کرد

ارینا ناحله می کند) . بیایید به خانم ها نشان

دهیم که در قدیم چه کار هایی می کردند ؟

اوینا . بگذار بروم . بدیخت . استخوانها

را شکستی .

آن . چرا غرف را برای بیر زن ها هدر

می کنی ؟ بایا با من برقش .

گردنی . بیا ، یاشا . بتواز . (یاشا می

نوازد ، آنان می رقصند) .

میباشد . زن جوان و خوشگذرانی هستم .

پلکنیا . نیست .

(گردنی آهشک را با صربات باشی می شود) .

می زند و می خواند .

میباشد . مادام پلکنیا . به من معلوم می

شود که در دوران جوانی ما چیز ها خیلی

خوشحال گشته تر از امروز بود .

میباشد . درست . درست .

پلکنیا . وقی جوان بودم در پارتنی ها ، شوخری

ها وسر گرمی ها را من آغاز می کردم . همه

تصنیف هارا یاد داشتم حالا هیچ یک از آن

تصنیف ها را نمی خوانند .

میباشد ۱ . نه نمی خوانند . تصنیف های

جدید است .

میباشد ۲ . نمی خوانند شفعتی هم برای ما

بیاورید ؟

پلکنیا . یاشا . یکی از تصنیف های قدیمی

را برای ما بخوان .

(یاشا گیتار را بر می نارد) .

گردنی . (به خانم های من) مایا هم اینجا

می نشینیم (روی نیمکت می نشیند) . آنلوایا

ش روحی چوکی ها نشسته به آرامی صحبت

می کند .

(بیرون می روند) .

پلکنیا . یکرونا ، لوبیا ، مایا ، لیزا ، آنا

گردنی ، میباشد .

اوینا . آن هم می شود مدام . شماتویش

نکید و بروید یش میمانان . همه چیز را

درست می کنم .

(بیرون می روند) .

پلکنیا . شراب . اینجا بخواهد شکر

اوینا

# در محکمه فایلی چه خبر است؟

## تفاضای طلاق بعد از ۲۵ سال زندگی هشتاد

آرامی خانه را از چنگش بکشند و بخورند.  
زن مداخله کرده میگوید اول ۲۵ سال نه  
بلکه ۲۶ سال از عروسی ما میگذرد و دیگر  
اینکه چون خانه بنام منست همین حالا هم  
میتوان آنرا پیروشم و بولش را بخورم.  
مرد دنباله سخنانش را گرفته و میگوید  
من تو زن دارم وزن شوهم را درست شش ماه  
بعد از عروسی بالاین زن گرفتم و تامه مسال  
قبل تریک خوبی با هم زندگی میگردیم  
البته نه به آرامی، این زن نمیگذشت که آب  
خوش از گلویم بائین برود. با وجود هر  
وصیت خراب اینز ن من از تکاه اسلامیت  
وهم حقوق زن بیو احترام دارم منزل بالای  
خانه را بین دوم و منزل اول را باین ها  
دانه بودم معاش خود را که سه هزار افغانیست  
سه قسمت میگنم.

یکهزار آنرا برای اینها، هزار دیگر را  
برای زن دیگر و اولاد ها و هزار افغانی را هم خودم میگیرم که تو باره بالای همین  
ها مصرف میگنم. من هیچگاه بین اولاد  
هایم تغیر احساس نکردم اما چرا کنم آنها  
اولاد من هستند، مگر چنین که مادر خراب  
دارند. و آنها را مانند برادرزاده های خود  
می تعلیم و بی تربیت بار آورد. در حالیکه  
اولاد های خانم دیگر همه تعلیم یافته هستند  
دو دخترم لیسانسه هستند که فعلاً و غایله  
علمی دارند دختر و پسر دیگر هنوز در مکتب  
هستند و بزودی پیغیر فارغ التحصیل خواهد  
شد. البته از برکت داشتن مادر خوب و واقعی  
زحمتش، قانع و هر صفت ایکه برایش  
پیگویم بجا است و بنتروم یکانه علت خوبی  
ویاکی او اینست که بعزم ندارد یعنی مادر  
و خواهر ندارد که در کارها و زندگی مداخلات  
بیمورد نمایند مگر تو به توبه از خاورانه  
اینزن که چه عرض کنم همه شان مضر جامعه  
هستند مخصوصاً یک برادر زاده چرس و بیک  
دارد که یک قسم کویی بنام هندلکس را هم  
می خورد و همین پسر مسبب شده تا بجهودم  
کمراه و به چرس و تریاک معتاد شود.  
متاسفانه هر چهار فرزندم که ازین زن هستند -  
از منف چهار و پنج بیشتر نحواله اند در  
حالیکه اولاد های هردوzen از نظر من با هم  
چندان فرق ندارند مثنا نشست و بر خاست  
اینها با مردمان پست و از ایل بود و من  
که آنها را شناخته بودم و وقتیکه مانع  
رفتگشان بخانه مادر کلان و بابه کلان شان  
من شدم یا چنگ و خاله گال زن رو برو من  
شدم.

از طرف دیگر با دختر نازدane و یکدane  
اش نیز به عنایت بودم دختران دیگر احوال  
میباورندند که پدر خواهر ما بیانه مکتب میرود  
مگر در منف خود غیر حاضر میباشد وقتی  
موضع را بیاندش گفته، فریادش به آسمان  
بلند و گفت حالی پشت دختر هم گرفته اند  
تو نی دالی آنها خواهر اند هستند و تهم  
میگندند.

خودم دختر را تعقیب کردم دیدم براستی  
بمکتب داخل می شود و ازراه دیگر هی آید  
و با خاله خود در سر کها و سرای های لیامی  
فروشی گزنش میگند بمکتب شان احوال  
دادم که حاضری دختر را گنترول نمایند وهم  
در قسم حاضری و غیر حاضریش برایه  
معلومات بد هند. دخترم از مو شو خبر  
بگیرد در صفحه ۴۲

میگوید: دخترم عروسی گردد، طفلهم بکلی بی تفاوت است پس چرا خود را باید  
دارد و شکر آرام و خوش است. این مرد کنم بیشتر است هر طلاق بدهد.  
خوب سر قصه خود بیام. خواهر جان من حالا جوان نیست که در فکر شو هر دیگر  
بسیار دیدنی دار هستم، در کجا بودم کمی ویا آینده بهتر باشم بلکه نی خواهم که  
بنکر می رو دستیکه یادش آمد میگوید آه  
بلی وضع اقتصاد خراب بود در خانه هم  
نهد پس اولاد هایش را بگیرد و خوش سر  
پوستی آنها را که تا کنون ننموده بکند او  
نماج خانه خود را که به بسیار یزحمت و از  
پسر کوچک او تلویزیون دارد در حالیکه پسر  
وهشتمد افغانی یکرایه دادم تا یک اندازه  
بول خود آباد کرده بودم ماهانه بعملی یکهزار  
بزرگ من که عکس است حتی رادیو ندارد  
بیول را مصرف خود و اولاد ها نعایم و مندار  
دیگر آنرا بخانه که نم بایلا کرده و رو بیور.  
مشال زن سیاه بخت و سفید بخت در بورد  
ما صدق میکند من و اولاد هایم سیاه بخت  
همین چیز بود که بارو بستر خود را جمع  
هستیم. و در حالیکه اشکبا یش را با گوش  
نستمالی که به سر بسته بود باک من گرد  
وا لاسپردم.



عکس تزئینی است

کراید ادن خانه بود بلای جانم بود اول خاموش شد.  
هنر مرد فوراً بول خرجی اولاد هارا قلعه کرد  
مرد دفاعی خود را در چندین ورق نوشته  
و بعد تحریر یکاش بسیار زیاد شده و به اوج  
خود رسید. خودش احوال دو پسر دیگر را  
قطعه تکلفه و آنها را فراموش نمود و اگر  
کدام مشکلی برایشان بیش میباشد و بیست  
بكلی دروغ خوانده و متذکر شد که زن بیانه  
بار احوال می فرستادم نمی آمد. منبه که  
خودرا زیاد به تکلیف دیدم، چاره جز جدایی  
لذیدم همین بود که عریشه ترتیب نموده  
و بقاضی صاحب سپردم و تفاصی طلاق نمودم  
دارم، فرزندان من و این زن همه جوان هستند  
باید به طلاق موافقت شود چون مساله قتل  
اگر من ظالم من بودم در مدت همین ۲۵ سال  
و قتال در میان است نکند روزی پسرم که  
از نیت همین پدر، شرایی و چرسی شده  
لیکه باهم در یک خانه بودیم چرا شکایت  
مرا زیر ل و کوب بکشد، آخر شعایریست،  
لکره مگر میدانید او محرك دارد همین خاله  
خرج خودرا خودم مکنم درخانه پندو زندگی  
را که بکرایه داده بناش است فامیلش می  
میگنم، چوری و تاجوری ام برای اینم  
خواهد که او از من طلاق بگیرد و آنها به

این عقد در محکمه فایلی دعوازند و شوهر  
میانسالی را که هردویشان هوای ماس  
و پسر نسج داشته و در دوا پسر دو لی  
و نلیکه رسمی داشتند تعقیب می  
گنیم وقتی به آخر جریان نمی آن می  
رسم هو ضوع شان خالی از دلجهی نبود،  
خواستم تا هو ضوع آنها را برای شما هم  
بنویسم مگر باید یکنون که متاسفانه تا آخر  
نقیضیدم که گناهه جار و جنجال و اختلافاتان  
یکنون کدام آنها میباشد زیرا وقتیکه صورت  
دغدغه زن از طرف یکی از خانم های فضای  
قرانت نمودند نظری خواهند داشتند که  
مرد دفاعی خود را خواهد از زن هیچ خوش  
نیامد پس ما فضای را برای قاضی ساججان  
میگذاریم و صرف قصه آنها را برایتان  
تعزیز میگنم و بیشتر است از زبان خود  
آنها بشنویم زن ادعاداشت که مرد در مدت  
۲۶ سالی که از ازدواج شان میگذرد خیلی  
بالایش ظلم و ستم نموده و این ظلم واذیت  
را از همان آغاز شروع نموده، اول ذن گرفت  
و فوراً مرا به طبقه پالینی چاداد، توهین و تحقیر  
و امیاق ناری شروع شد یزدگیرین مشکلم  
این بود که هر نمی گذاشت بخانه ما درم  
برویم تا اینکه اولاد دار شدیم چهار اولاد او  
دارد و چهار اولاد من دارم، سه دختر و یک  
بیچه از او و سه پسر و یک دختر از منست  
بدر قالم شان موثر نداشت رو بروی چشم ما  
زن و اولاد ها و خیاشنه هایش را پیغام و  
دارالاعان هوا خوری و گردش می برد ، ما  
حشیت نوکر و همسایه را ناشیمیم، با یکانه  
دخترم خیلی بدرفتاری میگرد اگر موهاش  
را باز می دید قبیر می شد که چرا موهایت  
را چوتو نمی کنی در حالیکه دختران زن دیگر  
را حتی نمی گفت که بالای چشمستان ابروست.  
زن لحظه مکث نموده بعد با نسخ و کمی  
ترسیده ترسیده گفت: او بسیار تعزیز زن  
نمود خود را می گند هر جا که می نشیند  
قصه و تعریف زن دومن است و بر اینست  
هم طبع شوهر خود را از هر گناهه میخواهد  
متلا اتفاق های اضافگی خانه را به زنان زیبا  
کرایه می دهد تا همیشه بگو و بخند نداشته  
باشند.

مشکلی که من درین اوخرینها کرده ۲۱  
اینست که نه تنها از تکاه اقتصادی در مفہیمه  
همتی پرسوده به تحریک پدرش هرالد و کوب  
نموده دو و دشمن میدهد پسرم که هرده ساله  
است روزه معاش گرفتم را میداند و تسام  
معاشم را بزور میگیرد، البته هزار افغانی  
پدر شان برای ماروان میگند مگر هزار افغانی  
و چهار تفری بسیار مشکل است. خودم و سه  
پسرم.

می برسم دختر تان کجاست؟  
صفحه ۳۲



تصویر میلو ویک

## بازیگر معروف

### همو بالت از کشور

#### یو گو سلاویا

او درینکی از روز های ماه سپتامبر سال ۱۹۴۶ یوسوی دست خالی به پاریس آمد و هنگام ورودش به این شهر فقط استعدادش را واعید به موقعیت رایا خود ناشد و بس وهمین بود که بعداز اندیزه ای تحت رهنمایی خواص دردرس ها و امید های روزمره مردم بیش از بیش فروزانتر میسازد. او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او میگوید: «من به چندین کشور و به اینتریپ امکانات هرچه بیشتر اکتشاف وقاره های جهان مسافت کرده ام. هنر بالت را بیش از پیش مساعد تر گردانند.»

میلوراد میسوکو ویک درجواب این سوال

که بزرگترین بازیگران امروز در کجا تحصیل

نموده اند گفت: «در هر آنکه بزرگ بالت و

میلوراد میسوکو ویک درگاه نام نوس احساس میگردد. هرچه

بعض از نمایش و ناگوار بگوش میرسد هنر روزی

خواهد رسید که با آنکه آن آشنایی و توانی

حاصل کرده و تور مال احساس گردد مگرچیزی

که از همه بیشتر همین میتجاید اینست که

میلوراد میسوکو ویک بالت شصت تکمیلان

سروج دیا خیلی و روولند یتیبت بصفت تکمیلان

و نمایش از همان عنصر نصیب گردید.

او اجرای نمایشات را در نت گرا کرسوت

و در بعض بالت او پرای فاواست در پرتوانگه

در حدود دو صد هزار نمایش انجام داد.

نمایش از خاطر این بس جالب و فراموش

نمایشی اش دانسته است.

میکوک میگوید: «من به کشور های هند،

چایان و چین مسافرت نموده تاریخ عمومی، تاریخ

هنر و تاریخ ادبیات را مطالعه نموده ام تا تو این

البایی جهت اجرای نقشیم در یا من در طرق

چندسال فعالیتی ام هنری ام نقشیم را بازی

نموده ام که برخی شان همراه به زمانی

گشته بوده و برخی دیگر شان بیانگر و قایع

و واقعیت های جهان معاصر میباشد. و هم

همیش بذكر آن بوده ام تا نقشی را که بتواند

کر کننده های مستقل را باز گو کند بازی

نمایم.»

او درینکی از روز های ماه سپتامبر سال ۱۹۴۶ یوسوی دست خالی به پاریس آمد و هنگام ورودش به این شهر فقط استعدادش را واعید به موقعیت رایا خود ناشد و بس وهمین بود که بعداز اندیزه ای تحت رهنمایی خواص دردرس ها و امید های روزمره مردم بیش از بیش فروزانتر میسازد. او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

او معتقد است گه موسیقی نیز اغلب آواز طبیعت را انکاس میدارد.

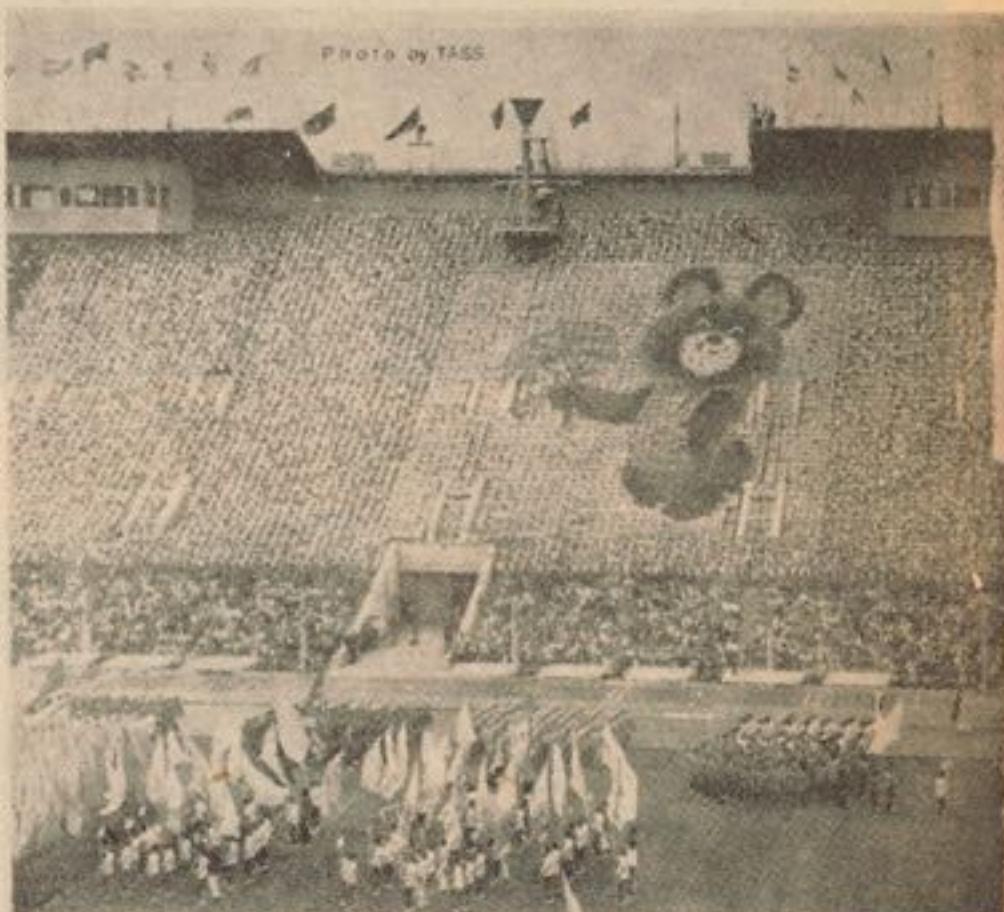
</

# سپورت

یکی از مسؤولین ورزش نقش الهیای ۱۹۸۰ را که در اتحاد شوروی (این اولین کشور سوسیالیستی یا دنستحکم دفاع از سایر کشورهای عقب مانده و سوسیالیزم) برگزار میگردد در گردهم آیس چوانان هدف از المپیای ۱۹۸۰ بین المللی این است تا کمیت و کیفیت مادی و معنوی ورزشکاران را که هدف اساسی ورزش را تشکیل میدهد ایشان و پیروی پوشیده چوانان ورزشکار را با روحیه سالم تفاهم، درگ مقابله حسنی باید دیگر بارم آورد تا آنها بتوانند تهداب صلح و همیستی مسالت آمیز را که برای ارتقای سطح زندگی مادی و معنوی آدمیزاد با اهمیت ویر ارزش است مستحکم تراوخته و در پرتو صلح به زندگی آرام و سعادتنده شان ادامه دعند.

یکی از ورزشکاران که سابقه طولانی در رشته ورزش داشته از خلال تجربه چندین ساله خوبی نش امپیای ۱۹۸۰ را چنین تفسیر میکند که: اولمپیای سال ۱۹۸۰ ورزشکاران جوان که از کشورهای مختلف آرزومند اشتراك درین گردهم آیی جهانی اند میگویند که اولمپیای سال ۱۹۸۰ را میتوان فرشته صلح و صفا و صمیمت داشت این فرشته صلح نوید میدهد که جهان

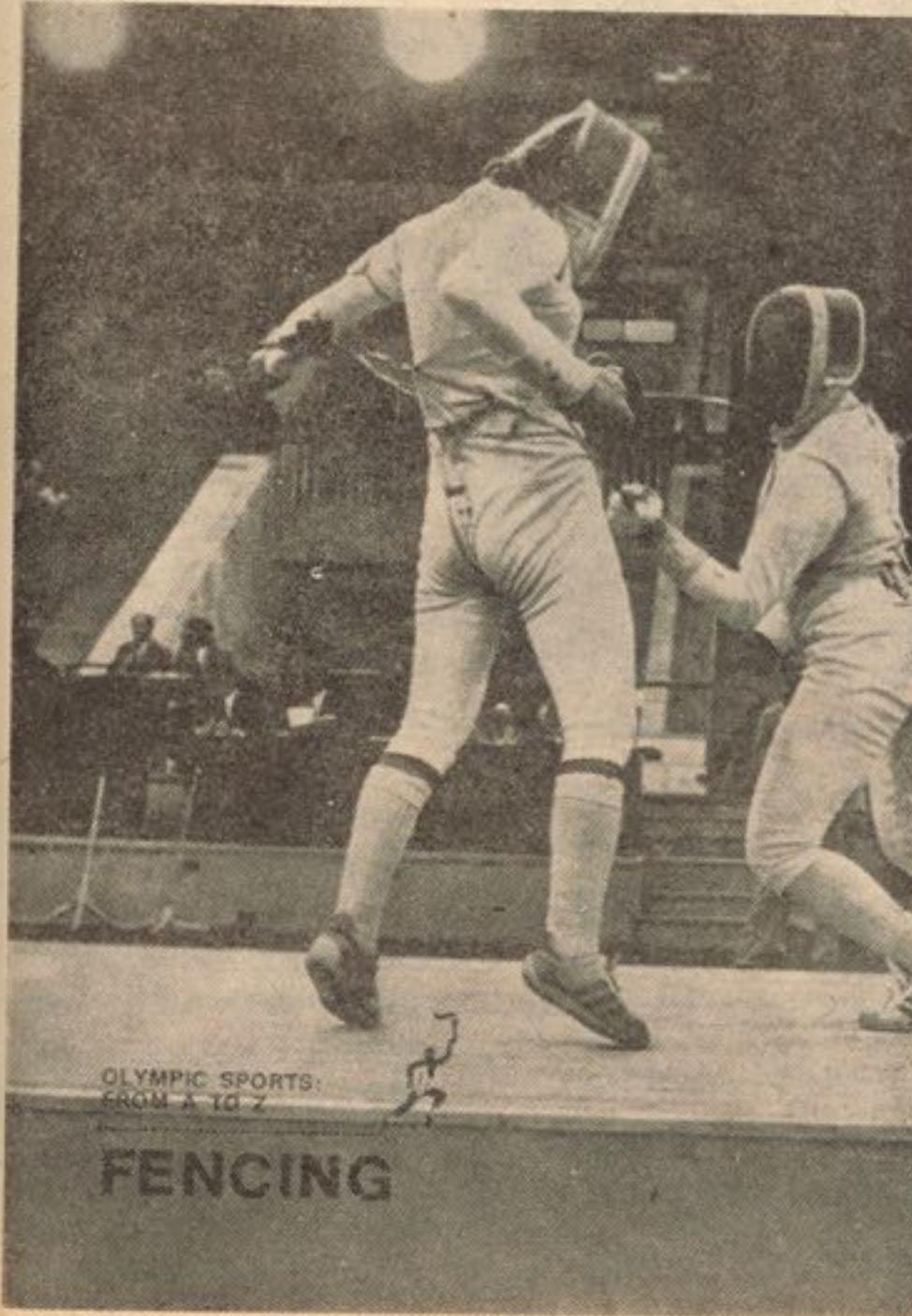
ماضی صلح و صمیمت روان بوده این بزرگترین موقعیت است که اراده‌گاه صلح علیه هیولای چنگ که ناده خصلت انتاگولیستی امپریالیزم است بدست می‌آید. سال ۱۹۸۰ بین کنیدند مقامات مسؤول ورزش



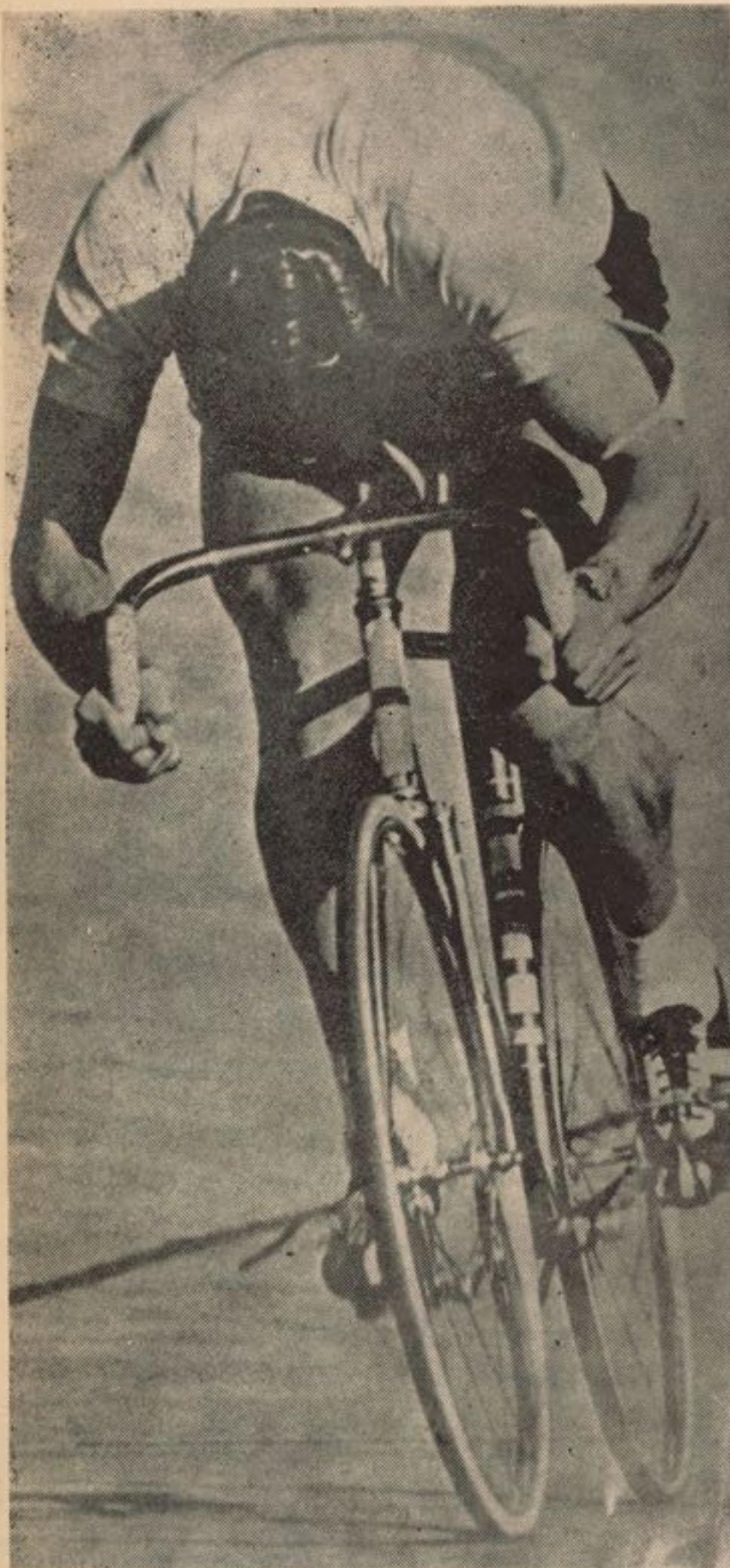
ترجمه: ح. ع - آهنگ

## بازیهای المپیک ۱۹۸۰

بو اسلامی تفاهم  
درگ و همیستی همساله است آمیز  
استوار است



المپیای سال ۱۹۸۰ که در کشور بزرگ اتحاد جما هیئت شور دوی سوسیالیستی برگزار میگردد چنین ارزیابی می‌گردد: بیکدیگر آشنا شده فواصل فرهنگی، لسانی، سیبورگی های ورزیده جهان در ایجاد فضای راستین تفاهم بین خلقهای مراسی جهان نقش وکلتوری را از میان بردارند و بتواضند زمینه



صخنه‌یی از مسابقه بایسکلن دوانی

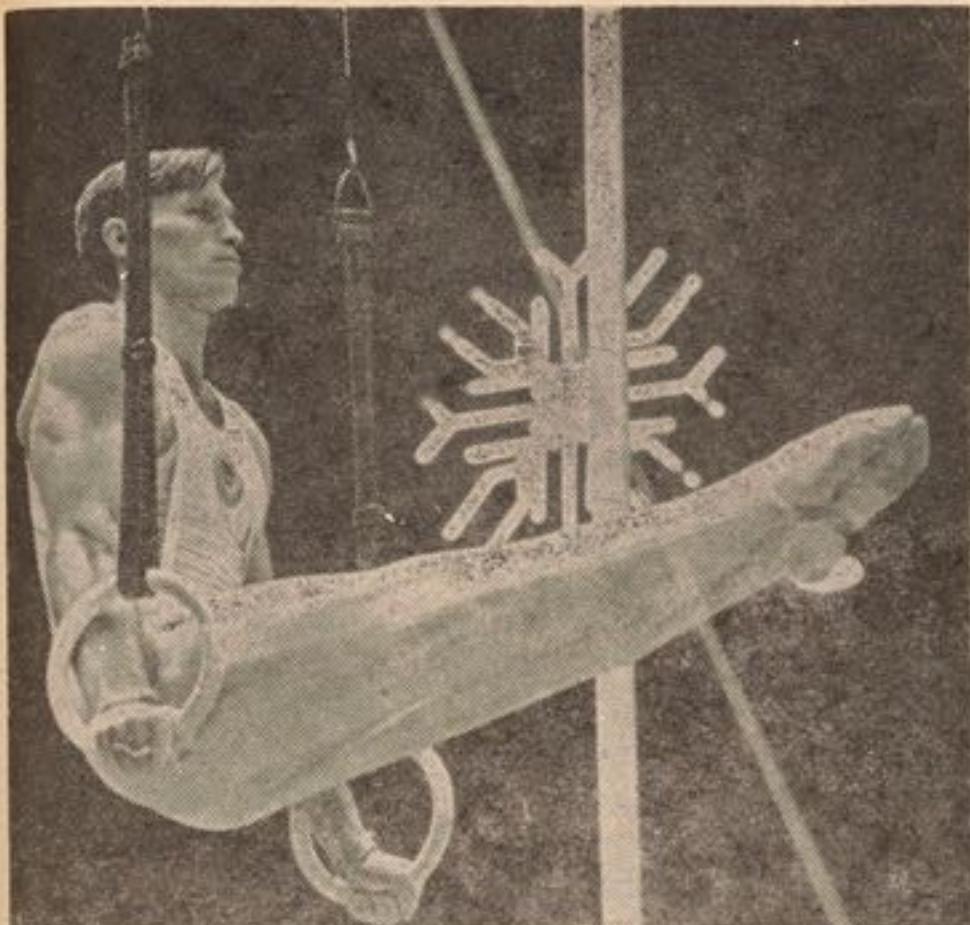
از دیدن آن لذت برده و اندیشه و احسان است که البیای مذکور فضای اعتماد و منابع سیاست نیک و میان انسانها صرف نظر از حسن و بالک مبنی بر دوستی، صلح و صمیمیت میان انسانها و کشورها در قلب شان جوانه اختلافات رنگ جلد اید یا لوزیک تقویت پخشیده و فیروزهای را که در جهت صلح میزند احساسات پاک چون مرغی که در قفس سینه محبوس است پسوی آزادی صلح و صمیمیت پس پر میکند در قفس سینه آدمیزاد نیزتر منابع اندیشه ها در جولان خواهند بود و انسان را بسوی این فرشته صلح و داعیه همزیستی مسالت آمیز رهمنون میکند. که گذشت زمان نتواند در آن اثری از خود منتشر البیای سال ۱۹۸۰ حاکی از آن بجا گذارد و هیچ جرخش هم نتواند در پایه لفظ ورق بزیل

کشور به تعزین های جسمی و انواع مختلف ورزش نموده جوانان را از ایندی شمولیت در مکاتب و حتی قبل از آن چنان تربیه و تعلیم می نمایند که بتوانند توانایی های جسمانی و دوانی آنها به شکل مونون رشد و تکامل نموده واز بیرون توانی جسمی و تکالیف دوانی بعدی آنها بگاهند. لذا با درنظر داشت این امر گفته میشود که هدف عده و اساسی مقامات ورزش را تشویق و غریب بن حدو حصر جوانان تشکیل میدهد تا هر نوع ورزش را بصورت خوب فرا گرفته و بتوانند سالانه تعداد زیاد جوانان را به عالم ورزش یا به گفته یکی از صائب نظران فرشته صلح و آرامش دعوت نمایند.

بر گزاری محافظ ورزشی که از مدت های این سو در اتحاد شوروی سوسیالیستی رایج بوده چنان شور و هیجان در مردم خلق نموده که مردم اتحاد شوروی چه بیروجه برقا، چه فن و چه مرده رکدام ورزش را جزء لایتفنک عالی همزیستی مسالت آمیز را هر چه عقیده دارند که بدون ورزش زندگی آنها آنقدر لذت بخش بوده نمیتواند. بدون تعزین امریکایی زمانیکه از ورزش سوارتکید دیدن نمود در وقت آن و درنقش آن در زمینه تهییج احسان آدمیزاد چنین نوشته است که در حدود ۷۶ میلیون نفوس کشور اتحاد شوروی یا به عبارت دیگر یک سوم بخش نفوس یعنی مسابقه سوارتکید دیدن کند حقاً که



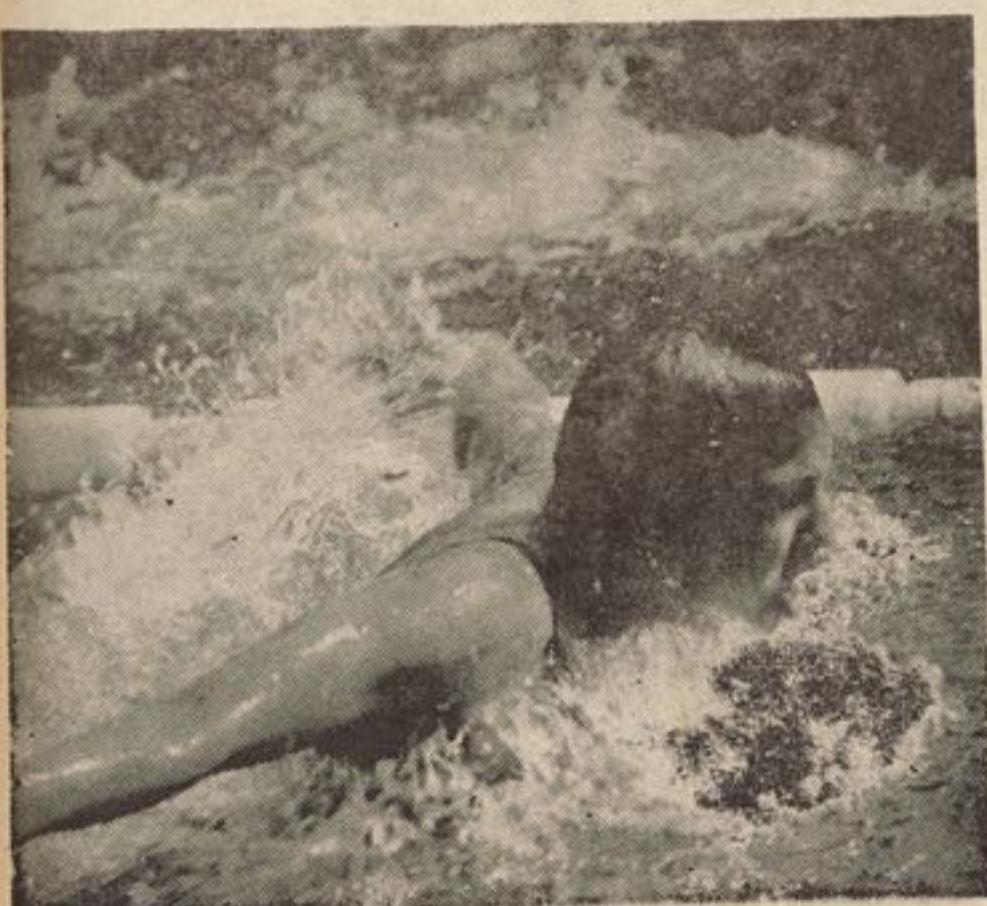
نهایی از مسابقه والیبال



یکی از ورزشکاران اتحادشوری در حواله نفرین جمیستیک



\* ساعت گریمن آغاز مسابقات ۱۹۸۰ جهانی را دقیقه شماری میکند.



عکس بالا و بایین نشان میدهد که زنان و دختران تلاش میورزند تالق قیرمانی آب بازی در المپیک ۱۹۸۰ را حاصل کنند.

یکتن از مقامات مسؤول امور ورزش کمیته اتحادیه ۱۹۸۰ میکوید روی همین ملحوظ اتحادیه‌ها شوروی سوسیالیستی تلاش میورزد. ملاوه از ۱۲۰ کشور عضو، اعضای جدید از کشورهای افريقا، امریکای لاتین و آسیا پتوانند در اين گرد هم آئی بی سایه بین‌المللی حضور بهم رسانند روی همین لحاظ بوده که کمیته المپیک اتحاد شوروی در جلسه سال ۱۹۷۹ تصمیم گرفت تا مصارف تک هوايی ورزشکاران را که در حدود یك میلیون دالر تخفیف میگردد به ورزشکاران کشورهای در حال رشد بپردازد. همچنان اتحاد شوروی نه تنها اینکه از بدل و مساعدت مادی در مورد دریغ نمی‌ورزد بلکه مجدانه تلاش می‌نماید تا در پرورش و تعلیم و تربیه ورزشکاران جوان کشورهای عقب ماند. سهم قابل ملاحظه داشته و کمک های انسانی خود را که تا شن آمده سترگ میلیون میگردد به آنها در مورد ادا نماید. روی این لحاظ است که سالانه کنفرانس‌ها و ملاقات های متعدد در مورد پرورد ورزش و طرق غلبه بر عقب مانی هابرجزار میگردد. در حدود ۵۰٪ ورزشکار جوان اتحاد شوروی سوسیا لیستی در المپیک ۱۹۸۰ اشتراک‌خواهند نمود تلاش های جدی صورت خواهد گرفت تا تعداد زیاد زنان و دختران جوان ورزشکار نیز درین بازی بزرگ اشتراک و رزمند تا پتوانند موازن حقوق تساوی زن و مرد را مناسبات بین‌المللی دیانت ایفا نماید.

لکارشن از عبدالکریم «لطیف»

۱۶

## ورزشکاران افغانی روانه دهکده

### المپیک ۹۸۰ اشتداد

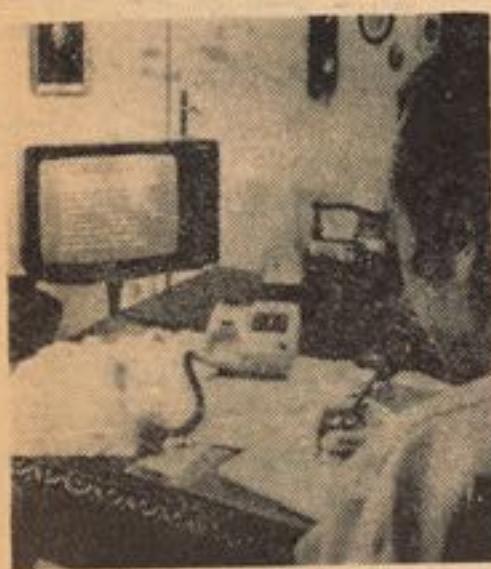
بیست و دو همین دور مسابقات المپیک جهانی در همین روزهای نزدیک با شرکت اصلی از نو هزار ورزشکار بیش از ۸۰ کشور میباشد. شرکت اصلی از میان اینها میباشد اتحاد شوروی که بازیها هیئت در یک شهر برویا شود و محل تجمع ورزشکاران همان شهر باشد که محل مورد نظر شهر آتن میگردد. وقتیکه بازیهای جهانی المپیک در سال ۱۹۹۶ دو باره اجرا گردید صاحب نظران ورزش جهان در آن شرایط و زمان به آن تعقیده بودند که بازیها هیئت در یک شهر برویا شود و محل تجمع ورزشکاران همان شهر باشد که محل مورد نظر شهر آتن میگردد. یونان بود ولی بسانها با سیر تکامل انسانی وایجاد معجلات مدن و فراهم شدن و سایه و سایل مختلف ورزش در مورد برگزاری این رخداد جهانی عقاید نیز تغیر نمود. چنانکه بر توکو بر نین پیشاوهگ و پیمان گذار المپیک نظرداد که بازیها هر حله به مرحله آرام تکریه دست به دست زدنها و ناشای مذبوحانه شان ببور نبوده با هر نوع نیز تک واخراج تلاش ورزشکاران تا کشورهای برگزار شود که نظر مو صوف مورد تائید ۴۸

## کامپیو تر در موتو

کامپیو کوچک ساخت شرکت زیمنس که در کنار فرمان در جلو موتو نصب میشود بسا وظایف را در یک وقت معین انجام میدهد.  
طور مثال : در وقت رفتار درجه حرما رخاخ موتو را اندازه نموده و نشان میدهد جب خطر کبری از خطر لغزش بسایر یخکذیگران و اشاره خطر که تمامند کی از احتمال خطر میکند رفتار موتو را دقیق من صارز .

لحظه‌نی که موتو به بنزین ضرورت پیدا کند آواز داده و از ذخیره بی مقدار بنزین تانکر که احتمالاً تاماسفتی قابل رسیدن باشد اطلاع میدهد . در اثنای عبور و مرور باحد اعظم سرعت از جاده ها با یخش ڈیگرال مخصوص و با دوشن شدن اشاره خطر رفتار موتو را کنترول می نماید . این کامپیو تر حتی برای دفاع از حمله دزدان و قطاع الطیقان بالای موتو قیز بکار برده میشود .

## سافوق تیلفون !



در نما يشگاه فرستنده های صوتی امساله برلین دستگاه ضبط و معکس کننده مکالمات در درجه اول بحیث سوژه تیغ اغ اورد گفتگوی تما شا چیان بود . زیاده از ۱۵۰ موسسات ذیعلاقه با این سیستم اطلاع عانی تو آشنایی پیدا کرده است : تو سعا این دستگاه میتوان یا صدور هدایات و استشارات لازم آمادگی گرفتن و تیاری در مخالف .  
جشن و مهمانی هارابه کارکنان با برقرار نمودن ارتباط تیلفونی مخصوص من قبیم کسر د و طرق کار آگاهی را با آنان نشان داد و به اسرع وقت آنان کمال کرد .

تصویر فوق مربوط به سال ۱۹۸۰ بود و دویک مرآسله تیز را که بعداز مخابر و ارسال مرجع مربوط بر روی صفحه این دستگاه معکس شده نشان میدهد ، در آینده ۲۰۰۰ خانه در شبکه دو سند و رف و اطراف و نواحی آن ازین سیستم برخوردار خواهد شد . والبته سیستم معلوماتی تو دو قسمت مرسله و اخده را دارد است .

## گدی های قدیمی !



مجموعه از سامان آلات قدیمی بازی اطفال نامه قرن قدامت که در یک خانه تیروستانی و باستانی دعفان در راین مقلی دریک از شهر های آلمان جایگزین شده بود امروز به شکل یک موزیم حقیقی در آمده است .  
کلکسیون از گدی ها و سامان بازی بسیار قدیمی اطفال از دارائی های با شکوه و جلال این موزیم محسوب میشود . این تصویر عده ای از سامان آلات فوق الذکر را که از وسائل شیوه سایقه تی آشیزی است نشان میدهد .  
بسیار سایقه تی آشیزی است نشان میدهد . این وسائل ۱۹ قرن قبل در آشیزی مورد استفاده تی احالی آن دیار بوده و بعداً به شکل بازیجه تی اطفال ساخته شده و درین موزیم حظ شده است .

## ناظه هایی



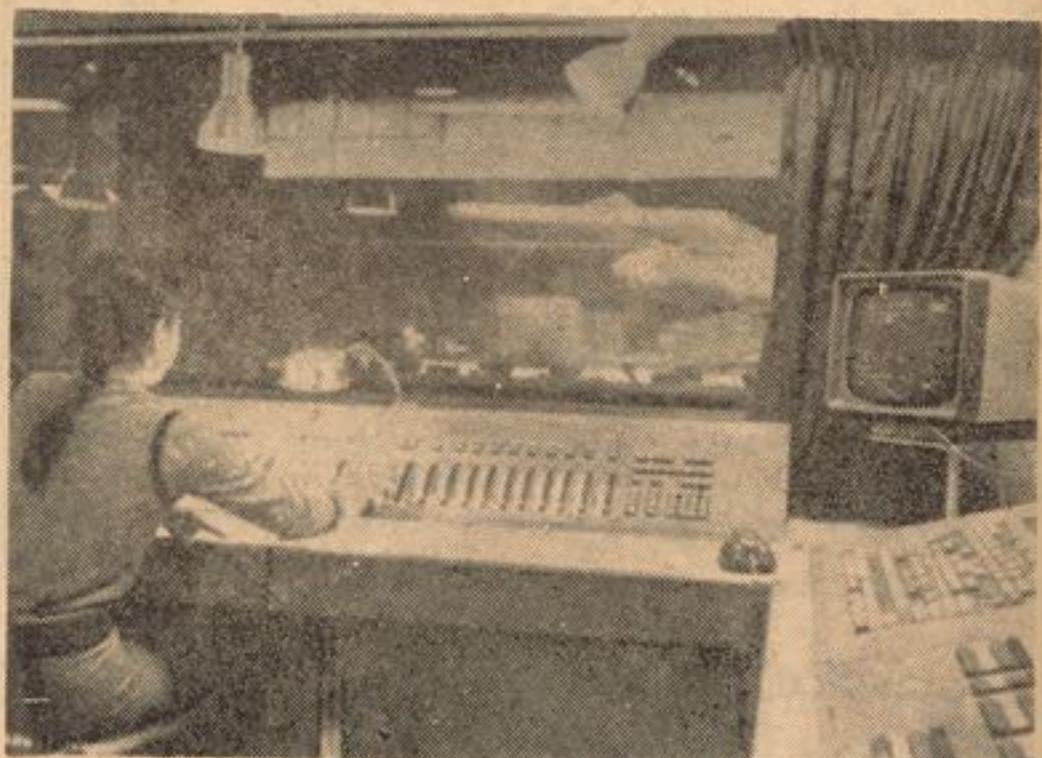
## از هفت اف بیم

ترجمه : محمد اکبر نظری

## کتاب قطعه

بوهنتون گوته تی فرانکفورت نخستین باره اثر المعرفت یا قا موس اطفال و ادبیات جرا دان و بوجود آورده است . این کتاب که در سال ۱۹۸۱ عیسوی تکمیل خواهد شد ۲۰۰ نفر فنی فرهنگ شنا مان داخلی و خارجی زیاده از پانزده سال در تالیف و تدوین آن کار نموده اند . این مجموعه مشتمل بر شرح حال و بیو گرافی ۲۰۰۰ شخصیت و اشیا بوده و ۳۰۰۰ اطلاعات و معلومات آثار من بوط به کتاب شناسی در آن گرد آوری و کلیشه شده است .

## با فشار دکمه بی مهتاب میدر خشد !



کمپنی ذیمنس یک دستگاه کامپیو تری یخش نور را که مجیز یا ۵۰۰ مرکر الکتر و فیک ارتباطی بوده و زیاده از ۱۰۰۰ جراغ روشنی انداز دارد در مرکز فرهنگ میانگ در پایخت چمپوریت کوریا یعنی جنویس «سیول» بکار انداخته است که توسط این دستگاه میتوان تقریباً ۵۰۰ نوع اشعمنی نوری را با تراکم داده تی به معرض نمایش قرار داده اند قسمیکه در تصویر ملاحظه من فرمایید هر گاه خواسته باشند صحنه تی مانند در خشیدن خوشید در فضای سیستم نمایشگاه بوجود بایدید با صحنه تی نظری باریدن را و یا منظره تی یک شب مهتابی خیال ایگن و شاعر آن بروی سر یاده فضای سما لوون ظاهر شود فقط کافی است دکمه تی مخصوص هر یخش را فشار داده بکار تمام کار اتومات انجام من پذیرد و دو شیزه «کیم کان» دکمه تی بخش در خش مهتاب را فشار داده و منظره تی رو ما نیکی در فضای سالون پدیدار شده است .

## موقایت‌های تازهٔ ۵۰۰..

به همان پیمانه چانس بیشتر برای مو قیمت به معنی واقعی کلمه صحبت کرد. علاج آن موجود است، همچنان قسمت بیشتر به عقیده تاکتیر بلو خین رئیس اکادمی علوم طبی اتحاد شوروی سر طان مرض واحدی نیست بلکه عبارت از یک گروه مرضی ها مربوی طایف است. است و کدام میتواند چهانی برای مبارزه علیه آن وجود ندارد. البته وسائل و روش‌های مختلف معالجه برای تومورهای مختلف بکار می‌باشد. در زمان موج بطور مثال تریا هیچ کسی از سر طان جلد نمی‌میرد. گرچه اخیراً سر طان قسم مغلقی لب خیلی زیاد آور یوشه است. ولی سر طان مری شش‌ها، معده و مخصوصاً سر طان لوز معده خیلی باز کیمی از جراحی، معالجه تو سطحی ناشدن و تداوی شنا بخش حاصل شده میتواند برای تشخیص و معالجه نشوار است.

سر طان شنا سان اخیراً به بیشرفت‌های خوبی در تشخیص و معالجه سر طان رحم (نعمان) که معمولاً زن‌های جوان را مورد هجوم قرار میدهد نائل گردیده‌اند، دکتو ران نه تنها زنان مصاب رابه صحت عادی شان بر می‌گردانند بلکه همچنان با نیاز مجدد یافته‌اند. بدون شک بیشرفت‌های محسوس در سر طان شناسی صورت گرفته که در رو یا زود مارا بیکار شوروی شعومی و یا کم از کم به منابع همچوین توری در مورد سر طان، عمل و طرق علاج آن نائل می‌گرداند.

مطالعات دلیلی در مورد نقص و بروز در ظهور مرض لبو گیما در موسسه بتالوچ و تجریبی در ناحیه سوخو می‌جريان ندارد.

چند سال قبل آن‌ها بعضی شانی‌ها را از این مسمه تو سط کشتن بسکو فرستادند تا در مرکز تحقیقات در آن‌ها خون افراد مصاب به لیوکیمیاتردویق شون بعد از تزریق حیوانات دو باره تو سط کشتن به سوخو می‌برند شد که بعد از ۱۸ تا ۲۴ ماه یک مرض تبیه به لبو گیما در آن‌ها اتفاق نکرد. هر چند آن‌ها از بعضی جهات به لیوکیما انسان مشابه بود ولی اختلافات نیزین آن هاموجود بود. باین معنی و بروزی که از خون یک حیوان جدا شده اکنون نه تنها توسط بروز شناسان اتحاد شوروی تحت مطالعه است بلکه توسط دانشمندان امریکایی که در برو گرای هنکاری مشترک اتحاد شوروی و امریکا در ساحه سرطان شناسی مشغول فعالیت اند تحت مطالعه قرار دارد.

## نکاهی خموده..

بیش آهستک طبله کارگر کشور، فراوداره، مرد وزن، بیر و جوان همه با هم در یک سنتگر واحد دفاع از وطن، مردم، ناموس و شرف خویش در یک جبهه وسیع ملی بند وطن و در تحت رهبری حزب دمو کریانی خلق افغانستان حزب شهیدان و قهرمانان کشور مبارزات خود را بر غدد ارتیجاع و امیر بالیزم فودالیزم و صیبوریزم، فاسیزم و راسیزم آیاتالله و کلوبالیزم و نیو کلوبالیزم تا سرحد پیروزی کامل ارسال می‌نمایند و یقین کامل داریم که در این ادماه این مبارزان بی اهان برحق و عادلانه خویش زنان افغان در بیلیو مردان به آزادی‌های مزید دعوی کردند. آنکه خود نایل می‌آیند.

حالی دارم! من به طفلکم فکر می‌کنم. دختران این توانه را بخانید (من سرایند): آه، مادر عزیز کم مادر!

که به من صرف گشت روز و شب. روز نزد رفیع و شب همه به دعا بپر من بود جمله سوز و بت. نکنی کن زره دلسوزی دخترت را که می‌گیرید زار دخترت را که دوست دارد نکنی کن برای آخر بار

لوبا. برای آخر بار. وقت خواهند زراین گردنی و کرشنوف بیرون می‌روند. لوبا را مادرش نوازش می‌کند و دختران دورش را حلقة کرده‌اند.

ناتمام

خواهیم رفت بیش داماد مان افریکن ساویج.

بلکلیا اوه اوه چه می‌گویی؟

کرشنوف ما قبله فیصله کرده این چرا خورم.

شما تو می‌سیدید؟ من که دختر تان را نمی‌دانم.

بلکلیا اوه اوه دخترش را محکم

می‌چسبد! دخترم! من او را به شما نخواهیم

داد. گردنی خانم.

بلیگا.

وای گردی کار بیچ با احسان

یک دختر بازی نکن. تو مرد پارچه پارچه می‌سازی.

گردنی نمی‌شود. هه، هه!

(بلکلیا) وارد می‌شود، ارینا باشیشه وجام

دبیل اوست.

دیگران، بلکلیا بیکرونا، ارینا و بیکروشکا

گردی.

اینجا هستیم. بیار که بتوشیم.

کرشنوف.

کردی کاریچ، شما شراب بروزید و شما

دختران به اتفاق من آهنگ بسراید.

گردنی.

(چامی را برمی‌کند) بلکلیا خانم بتوش

بلکلیا. مهربانی کنید افریکن ساویج.

قدی بتوشد.

(کرشنوف جام را می‌گیرد.)

گردی.

چامی را برمی‌کند.

بلکلیا نمی‌شود.

دختران (من سرایند)، میان ما که نهایست؟

من خواهد زن بلکلیا؟

آها، افریکن نهایست.

من خواهد زن بلکلیا.

چامی عرق می‌توشد.

من زاده در چمن زار

آنچه که ناگمانی

سیزه ها بر می‌خیزد.

کرشنوف.

(بیلولی لوبا نشسته) ههین! همین چیزی که

یک توانه عروسی بخوانید.

دختران.

(من سرایند) همه گلها به یاغ بژ مردند،

سبزه ها نیز بکسرالسردانه،

که من از شنق خود جدا گشته.

مادرم!

باعداد، زود بخیز

آب ده با مداد گلها را

لیک،

از اشک خویش آب بده.

لوبا، این آهستک نه، این نه، یکی بلکل

بخوانید.

گردنی افریکن ساویج بیاید. بفرمائید.

به ساون، خانم، همه را بکو آنچا بیایند.

لوبا، چکنم؟

گردنی ارینا صبر کنید. شما نمی‌دانید چه

ارینا مسکوروم.

وههین کاردا خواهیم کرد.

وآنچا بیش بیکان نخواهیم رفت بلکه

## تمکن نستی، گناه

لوها.

(دستن را بیرون می‌کشد) اوه اوه نهایم

بکلارید. پس بیکنید یعنی من نمی‌خواهم

کرشنوف.

ترسید. ارزشی ندارد.

برای من خرجی بر نمی‌دارد.

لوها.

ولی من نمی‌خواهیم برای دیگری بدهید

(انگشت را می‌کند و به او می‌دهد).

کرشنوف.

چیزی که یکبار داده شد پس

گرفته نمی‌شود. هه، هه!

(بلکلیا) وارد می‌شود، ارینا باشیشه وجام

دبیل اوست.

وی من نمی‌خواهیم.

دیگران، بلکلیا بیکرونا، ارینا و بیکروشکا

گردی.

اینجا هستیم.

بیار که بتوشیم.

کرشنوف.

کردی کاریچ، شما شراب بروزید و شما

دختران به اتفاق من آهنگ بسراید.

گردنی.

اسیمه را وام کند در جام می‌ریزد و به

کرشنوف می‌دهد به میمان غریز مان افریکن

ساویج!

بلکلیا، مهربانی کنید افریکن ساویج.

قدی بتوشد.

آه، افریکن نهایست.

آه، خواهد زن بلکلیا.

چامی را برمی‌کند.

بلکلیا.

نه تو نام ازین مشروب بتوشم.

خوب فرض

کن نوشیدم.

دختران (من سرایند)،

میان ما که نهایست؟

من خواهد زن بلکلیا؟

آها، افریکن نهایست.

من خواهد زن بلکلیا.

چامی عرق می‌توشد.

من زاده در چمن زار

آنچه که ناگمانی

سیزه ها بر می‌خیزد.

کرشنوف.

(بیلولی لوبا نشسته) ههین! همین چیزی که

من نوست دارم.

اینجا بیاید (یکی از شما خانم

های جوان اینجا بیاید) یکی از دختران من

آید و کرشنوف گونه اش را نیشکن می‌گیرد.

دشمنی کشید

خرج کشید

لبرین سرخ کشید.

بلکلی داشت را بلکلی (دشمنی داشتند) را

کرشنوف سکه ها را به داشتند

دشمنی داشتند

کاریچ



## امین دسی، آی، آی ۳۰۰

آمیبا یه وخت کی به دامیریکا وسله وال  
ددوی دھلو خلو اوقداماتو کلک سر  
تند کبری .

د سی ، آی های جویه شوی دسیسه دنفر

ستان د خلک دیمو کراتیک گوند په مشهود  
دوسله وال پوش په با خون او شوری او  
دینع ملاتی او ستری هرسنی لـ کسبد ،  
۱۴۵۸ کال د من غومی (جدی) په (۱۴۷۶) میتوکه  
شوه ددی پیتر تاریخ او انقلابی پا خون  
په نتیجه کی دھنی وکول او په دی پاپه شوی  
شوه پچه شوی پلان له هیلی سره سمه مخ  
په برویا لیتوب دی . خاین امین دستی بری  
او له کلبدین سره پیشی موافق په بازه  
له خبلو تیندی الله یوالاتو سره خبریو کبری  
او کلبدین نه پنه و پشت میلیونه افغانی .  
ورکی چی چاری په بشنه تو گه سرته ورسوی  
او د سی ، آی کر غبین پلان علی کاندی .  
هدا شان پیه د نوی حکومت د مینځ ته  
راومستلو په هکله هم پیش خبری کری وی چی  
د تشن په نامه امین ، کلبدین په مشهود  
به پی هیڅکله هیں له کبری .

(چی بد ګرشن - بد به پریزی) .

به دیاندی د افغان - شوروی ده شلید  
ونکو او درور کلو ینو اویکو دلاینگر  
په لوری .

(د امین ، کلبدین) په چاد ورکی و چی د

زده پی خواپی پیه ټولو خو گیو و میزو تو  
نه اوږ دا جوم خو بشنه هن له پریزی ...

دیز پری ګران دی .. بشنه هن دھنی لوپسو

او وسایلو له پاره ټوندی ده ! ... هه دھنی

لوپسو په شان پیه روحه شوی ده .

د ګلرک مامور کې کې وختن او یا شکا

ورته وویل :

- ما هم پو وخت سنا په شان ټوند درولو

- ووشه او هه توکن خوکن د خپلې پېښي

ماهیم د سو کاله او منظم ټوند خوند خکل

نه په ټوندی ده ! ... هه دھنی

له ټوند لیری ګړم . دخو متون زو زما اروا

وچلله . زه هم سنا په شان خوریدم آخر

عیاش شوم اوس بر له پس شراب خورم

او دیاهم چی خان تانه معروف کوم .

د ګلرک مامور وویل :

- غالی ... پیر پنه ؟ ...

د ګلرک مامور خپلې هستن مشرګن پېښ کری

او وي وویل :

- له ټولو له ګرکه لرم .. آه خدابه جو

زه خومره تهبا یه ! سبا ټوند کال د بیل

آخر دی ، خو زه کو رنه نه شم .. هه نه

شم ټغه لای .

پیه به سر واریول او ورو ، ورو پیه بیو ،

ستدره زمزمه کوله ... ما پوښته تری وکړه

و پهه ، پیا خه وشول ؟

پیا خه وشول ؟ هیچ ! ...

- ټونی کال جشن خنکه شو ؟

- هو ... رېښیا د جشن موضوع ؟ ټوله په

هو په خندا تیره ګړه . د ګلرک ما هور دتک

به وخت کی دخبلو پیسو بکس « یاشکا »

نه ورکی وو په دنه بکس کی ۲۷ روپه

وو ، دا پیسی دیوی پس شهی دتیرو لو له

پاره پس وی .

پای

شپطا ٹالو ، سنا سو په خونه کی زما قی

راخی ... خی چسی په میلسنون تهولادشوو

سپا به هله پیر جا هو ته پوره کړو ! ..

خو بشه موده ؟ هله به پېښه پیر فکر هېوکړو ،

دخبلو راکلو تکن ټوند په باب باید ټور کړو ! ..

وکړو ، شن چی خو ، زه باید خپل دنه منظم

نومن دس دار محمد داود د حکومت د پلان  
مشن ناید د وطنی فا شیستا نو د ترور او  
اختناق د رزیم په دیالدی دېقی میازی د  
دلاری مل له کلبدین حکمت پار سره پېښ  
اویکی درلودل او دامین ، کلبدین) مسابقات  
په نړیط کن پیاویدی ګوندی سازمان میخ  
په دوست او دملک ، پوش ، پېښه ،  
واکنی کی دومنه قیستک او پاخه شو لجه  
شونا نو او کار ګری سازمانو نو پواسطه  
انقلابی میازه په مخ بو تله او په دی ترڅه  
کی پی داسی کارنامی وزین ول چیزمه  
د هیواد تاریخ پی ساری لی لید ل .

د دغه پلان هدف داو چسی د خوندی  
ویکتا توری د ټیکتکیا لپاره لاره هواره کری  
ددی چتل هدف د ترلاسه کولو یه غرض پی ل  
توري ارجاع سره لاس یو کر او ۱۴۵۸ د  
کال د تلی میاشت په پیل کی خپل استازی  
کوئند نو نه واستاره او د ګلبدین حکمت  
یار له استازی سره پی دروغی جویه او  
همکاری بریکه وکړه او وغښتل پی چی  
استازی کرایج ، روم ، پاریس او پیښو  
نه لار چی ګوډاکی ګلبدین ته خپل ورکړي .  
امریکا د متعدد ایالتو نو مسؤول مقامونو  
په لوری .

زور داکن ده اکتو نو پواسطه او دانقلابی جامن

ترشاد د متعدد ایا لتو نو او نوره امیر پا

لیست او اړتجاهی دزیمو نو د جا سوسن ساز

ما نو نو د جوړ شوی پلان له مخس د

صومالیلیزم او ز مو ۲ د قېر ما ن ګو ته

دبندنا مو نو او دنور انقلاب دنا کامو لو

لپاره خپله او اړجاع دنده سر ته درسوله .

حفظ الله امین د خپل بادارانو یهوراندی

کړ ، خلک یعنی ټوندی ټوندی ته خاودو لاندی

کړل او دافغا نستان د خلک دیمو کراتیک

ګوند ته پر له پیس ګوز اړونه و دکړل مکر

بریالی نه شو چې د هیواد د بیوال او انقلابی

پهیز مخ و پښشکه چې دزمان شرخ خر

خپله او هیڅکله ته ددیږي .

ارجاع او امیر بالسیزم د جاسوسی ساز

ما نو نو او په غوره تو ګه د سی ، آی ، ای

د جوړی شوی د سیس له مخ خپل دوزل

شوی ګوډاکی او دهه سریخور پانه دیسوی

ارجاعی کود تا له لويه قدوت هورمولې

د دووی پلاس پی د خلک دیر پیش اوتیالی

بیجان پهیونو دلیمول .

دکوتنا درزیم تروانګتیدو دروسته دامیتسی

فاثیست کورنۍ د شر میدلی واکنی لري

پیل شوم او اینې سردارا نو د عبد الله امین

اسدالله مین او عبدالرحمن امین ته شری

لاندی زړو د ډیارو دیشلو او د کابل

دقچ او تخت د سا تلو لو په چاری وساتل

شوه . لکه دمخته مو چې دویل چې مرجان

په لوری په شان پیه روحه شوی ده .

د ګلرک مامور کې کې وختن او یا شکا

ورته وویل :

- ما هم پو وخت سنا په شان ټوند درولو

- ووشه او هه توکن خوکن د خپلې پېښي

ماهیم د سو کاله او منظم ټوند خوند خکل

نه په ټوندی ده ! ... هه دھنی

له ټوند لیری ګړم . دخو متون زو زما اروا

وچلله . زه هم سنا په شان خوریدم آخر

عیاش شوم اوس بر له پس شراب خورم

او دیاهم چی خان تانه معروف کوم .

د ګلرک مامور وویل :

- غالی ... پیر پنه ؟ ...

د ګلرک مامور خپلې هستن مشرګن پېښ کری

او وي وویل :

- له ټولو له ګرکه لرم .. آه خدابه جو

زه خومره تهبا یه ! سبا ټوند کال د بیل

آخر دی ، خو زه کو رنه نه شم .. هه نه

شم ټغه لای .

پیه به سر واریول او ورو ، ورو پیه بیو ،

ستدره زمزمه کوله ... ما پوښته تری وکړه

و پهه ، پیا خه وشول ؟

پیا خه وشول ؟ هیچ ! ...

- ټونی کال جشن خنکه شو ؟

- هو ... رېښیا د جشن موضوع ؟ ټوله په

هو په خندا تیره ګړه . د ګلرک ما هور دتک

به وخت کی دخبلو پیسو بکس « یاشکا »

نه ورکی وو په دنه بکس کی ۲۷ روپه

وو ، دا پیسی دیوی پس شهی دتیرو لو له

پاره پس وی .

پای

شپطا ٹالو ، سنا سو په خونه کی زما قی

راخی ... خی چسی په میلسنون تهولادشوو

سپا به هله پیر جا هو ته پوره کړو ! ..

خو بشه موده ؟ هله به پېښه پیر فکر هېوکړو ،

دخبلو راکلو تکن ټوند په باب باید ټور کړو ! ..

وکړو ، شن چی خو ، زه باید خپل دنه منظم

شوه . لکه دمخته مو چې دویل چې مرجان

لړونون

## آید لیند شهادتی

چنایانی را که متجاوزین ایالات متحده امریکا برگز های کوکی شان در وینتام قهرمان ایرلیند شمالي صورت گرفت، کمتر از چنایان سرتوشت خود را خودشان تعیین و انتخاب نمایند. متجاوزین امریکا نبود، و شباهت نزدیک به آن دارد.



سر باز انگلیس در هنگام کش کردن موهای یک وطنبرست.

## دستها گوتا

نمایندگان سازمانی مخالف جنبش میهن ایرلیند شمالي دعوت بعمل آورد، تا پرسه برپسی بفرض بدست آوردن استراتژی علمی مبارزه شان را با خاطر بدست آوردن حقوق طبیعی تنظیم شدهای خود تشکیل جبهه ای وسیع و مدنی در اولستر شدت و سرعت یافتد. اینها تلاشی مذبوحه ای حکومت دهیمه ناولد، تا در از همکاریهای مشترک امپریالیزمه را که بریتانیا را مواجه به شکست سازند نیروهای مترقب در یک جبهه ای وسیع با کسو نیست های ایرلیند، در پیشبرد مردم پلیسی را بجلو برداشت و این جنبش را در عباره خستگی نمایندگان آن با تجربه دست داشته شان سوق از آنها محبوس شده بودند گردیدند، همچنان این نیروهای مترقب اعلام نمودند که ازین بعد هیچ کس حق مداخله و زور گلوی را در گشته کشند نخواهد داشت. کسو نیست های ایرلیند از نهاد مردم صلح دوست دعوت بعمل آوردند، تا برای مصیبت رسیدگان و مجرموں اتفاق آنرا فراهم آورده میتواند. خصومات اتفاق ییگه خانه هایشان را ترک نموده الد سازمان های دلال افسر و جمعیت های عده و سانی طبله کارگر، دهقانان کم نمین، اهل حرفة دروشنگران لیز در آن لخته است و برای تشکیل و بکار خود شروع نماید. لندن فوراً باید نیروهای نظامی خود را از ایرلیند خارج نمایند و برق سر بلند آزادی و القاب را توجه می نمایند در سنگری قرار گیرند که افلا نستان بدمست نسل برو مندی بهارند که افلا نستان آزاد و شکوفان را اعمان خواهند شد.

## زبان امپریالیزم

متصد ازین یادداشت و یاد دهانی اینکه نزد رهزن، ارجاع و امپریالیزم هر گز به سرماضیتی نمی روند وزبان امپریالیزم و مردم هر گز یکی نبوده و ناید ما درین مرحله حسان تاریخ در باره القاب و آزادی درینجا اگر اغراض غیر السالی در میان نباشد، همه جهانیان دشمنان خود را شناخته و هر گز فریب دروغ ها وریا کاری های امپریالیزم چهارخون امریکا ویاران و چا کران منطقی شازان نمی خورند، و بر خود عار می دانند سخنی را که دشمن بشریت می گوید طوطی وار تکرار نمایند.

درینجا یک محاسبه تاریخی و انسانی و محاسبه وجود و شرف و یک محاسبه دقیق گمراهن و آنها بی را که ندانسته جای پای دشمن پای می گذارند و به صدای امپریالیزم این روزگار خود شروع نماید. لندن فوراً باید نیروهای نظامی خود را از ایرلیند خارج نمایند و برق سر بلند آزادی و القاب را توجه می نمایند در سنگری قرار گیرند که افلا نستان بدمست نسل برو مندی بهارند که افلا نستان آزاد و شکوفان را اعمان خواهند شد.



پولیس در حال حمله به سوی نظاهر کننده در بلفارست.

متصد ازین یادداشت و یاد دهانی اینکه

نزد رهزن، ارجاع و امپریالیزم هر گز به سرماضیتی نمی روند وزبان امپریالیزم و مردم هر گز یکی نبوده و ناید ما درین مرحله حسان تاریخ در باره القاب و آزادی درینجا اگر اغراض غیر السالی در میان نباشد، همه جهانیان دشمنان خود را شناخته و هر گز فریب دروغ ها وریا کاری های امپریالیزم چهارخون امریکا ویاران و چا کران منطقی شازان نمی خورند، و بر خود عار می دانند سخنی را که دشمن بشریت می گوید طوطی وار تکرار نمایند.

درینجا یک محاسبه تاریخی و انسانی و محاسبه وجود و شرف و یک محاسبه دقیق گمراهن و آنها بی را که ندانسته جای پای دشمن پای می گذارند و به صدای امپریالیزم این روزگار خود شروع نماید. لندن فوراً باید نیروهای نظامی خود را از ایرلیند خارج نمایند و برق سر بلند آزادی و القاب را توجه می نمایند در سنگری قرار گیرند که افلا نستان بدمست نسل برو مندی بهارند که افلا نستان آزاد و شکوفان را اعمان خواهند شد.

## در محکمه فامیلی

میشود و بعده ماما ها و خاله و لکردن ساخته هر کاریکه کرده کس برویش چیزی مکتب ساختگی نوشند و با کجالو مهر گفته توانته از نرس غالماً مادرش همین گزند که در آن اطیبهان ناده شده بود چند روز پیش جای کار داشتم و گذرم از پارک زرگار شد پس نومیم را دیدم که با بچه مامای خود در گونه‌ی نشنه و میگرت هنگام بیکار و بی بار، وقتی ازش پرسیدم چه می‌کنی گفت هیچ منتظر کسی دو صفت هشتمن بود در حا لیکه بیهان من خواهش بصفت دوازدهم درس هستم هی خواند. بپرسیدم تا او را از رفین بگیر خوب من حالا یشتباه شک داشتم، نه خواهد دوباره بخانه ام بر گردید، پسرانم وا نزد من بفرستند تا با خواهان و برادر ان خود یکجا زندگی کنند و چیزی هم از آنها بیاموزند و بتوانند پس کوچک را خویش بگیرد و از طلاق صرف نظر نکند.

آن قبول نکرد و گفت تو دروغگو هست، ظاهر و بیانات یکنی نیست اولادهای را بگیر و مرد هم طلاق بدی تا از شرت بیغم شو. مرد درحالیکه ناده های بزرگ تسبیح شاه مقصودش را می‌چرخاند فقط سرش را تکان داده چیزی نگفت: در این امید که حتی خوب خواهد شد و سرگرم درس خواهد شد در حالیکه چند روز بعد در ساعت ایکه باید در مکتب می‌بود اورا نزدیک فروشگاه بزرگ با همان خاله بد اخلاقش دیدم که مشغول گشت و گنار هستند. دیگر نصیحت و تهدید فائمه نداشت او گمراه شده بود تا اینکه

خدای رحم کرد و دختر چانس آورد و یک خواستگار خوب برایش بیداشد من بیدنگ او را بیهان خواستگار دادم و خود را ازش رسراحت ساختم، وحالا خاطرم از طرفی جمع است اولاد دار است وزندگی آرام دارد و خوشبخت خواهد شد اگر نصیحت هرا بعداز این قبول کند و با مادر خود رفت و آمد وحالات منرش سفید شده.

مجبریت هم اینبود که من یک مادر بیر و سرمیمید که خیلی ناتوان و از توجه هم غمیغ بود داشتم، در آوقت همان آغاز چرا گرده بودم که هم خودم خانه و کاشانه ای بسازم وهم کسی باشد که بعادرم رسیدگی نموده واز او موافقت نماید، مگر این فکر واهی بود چونکه از همان روز های اول متوجه شدم که اینزن به یکانه چیزیکه علاقه داشتند از این دادم هست چند روز بعد از عدوی وسیع شروع برخن به خانه خویش و قوم و پدر و مادر خود گرد و در خانه بند نمی‌شد دوشه ماه اول را بحساب عروس بودم گذاشتند بعد از آن اول با خویش این موضوع را مطرح ساختم و گفت که من توقع دارم که بجای اینجا وقند الیه من همیشه بدلیدن و خیر گیری شان من دقت پسول و نققه سائز اماماً هانه هی بدم، تا اینکه چندی قبل وقتیکه خواست برای دیدن اولاد هایم بروم او هنگامیکه دروازه را که بسته بود کوپیدم مردیستگاهی بددرواژه آمده و برسید باکی کارداری. من گفتمن گفتمن همسایه جدید هستم خانی که اینجا برایم یقیل هر دهه صداغه ای بکار یکنی که نامخدا همه فکر من کنم با اولاد هایش که نامخدا همه جوان بودند بخانه والده خود رفته است. در اینجا من خیلی عصبانی و تراحت شدم زیرا من حتی نمی‌خواستم که اولاد هایم باخانه مادر کلاش تماس داشته باشند چه وسد به اینکه آنجا کوچ کنند بزن احوال دادم که قورا دویاره بخانه خود بروند و در غیر آنصورت من نه بول برایتان میدهم و نه خبر شما را هم گیرم. مگر زن قبول نکرد تا اینکه بالایم عربیشه گرد، نمی‌دانم این زن چرا قناعت لدارد در حالیکه خانم دیگر بیهان بیول من مزاد دخترانم تازه معلم شده اند. اگر انسان قناعت داشته باشد با بیول که هم میتواند بسازد. و در قسم اینکه میگوید من بسز؟ را بیاد میدهم که برومادرت رالت بخودم و فامیلم را شروع گرد تا هر روز.

زن آهسته زیر لب گفت: آه از همان خوش های سختگیر بود که کباب آدم را من کشید و اینکه زن دوم را بشوره ماقرعته دروغ است. پنهانی عقدش گردید بود وهم وقتیکه اورا آورد، هر آنچه طبله باشیم انتقال داد و از همان وقت لت و گوب، دشنا و توهین میگوید من بسز؟ را بیاد میدهم که برومادرت رالت کن مبالغه میکند او را خودش بی تربیت

قصه این زن و شوهر خیلی طولانی شد میرفت و یکنی گناه را بگردید دیگری می‌انداخت مترقبات با همان حوصله و بردباری مسلا شان بدرد دل هر کدام گوش میدادند. وقتیکه دفتر رئیس محکمه فامیلی را تو من کردم میانجگری و نصایح فضای کارخ را گردید و زن از طلاق گرفتن منصرف ویشن مرد را قبول کرده بود.

## بحثی پیو اهون روانشناصی جنایی

نظریات تربیت دانشمندان قرون وسطی مکوشیدند با اهات مجرم در محضر قضا بر میزان صفات و شرافت خوش بیفزایند آنها متهم را به اساس اتهامی که بوى نسبت داده شده بود معمی میگردند. مثلاً اگر شخصی بتهمه به سرفت می‌بود ویرا دند و اگر متهم به قتل می‌بود ویرا قاتل و آدمکش میگفتند.

درین محکم بوجوده آنکه همه مباحثات علمی حیات بسر برده و محیط اجتماعی ایشان به آنها اجازه نمیداد که از گلیم شان یا فرازه گذاشته و از طریق افهای غایید علمی مسؤولان امور را در قبال افراد مجرم و از دیگران امور و دادوادن بی عاطقه و بی خبر از علم و دانش این چنین تیاترها را بمنظور وازگون کردن کاخ آمال انسان های که جامعه فاسد ایشان را از همه چیز حتی اسلامت روایی بی بیهه ماخته بود بیرا می‌گردند.

در جامعه فیو دا لی قرون وسطی روا نشنا سی هنوز به حیت بیت عذر تجری در نیا مده و در قیدو بندمندا همی فلسفی روح و روان قرار داشتند دانشمندان و علمای این دوره از تحلیل و تجزی یه سلوك آدمی عا جز بوده و نمیتوان تستند نسخه برای شفای مجرم ران که اکثر بیسما ران روانی استند بنو یستند درین دوره از بیستند زیرا آنها یکا نه داروی را که جهت تسکین این درد تدا رک نموده بودند چوب، و لچک و زندان بیود آین وضع تا آور که زا ده طر ز غلط و ناشی از عدم پیشرفت علوم بود تا کنون نیز در بعضی از کشورهای عقب ما نده جهان بمترا همه بودند چوب، و لچک و زندان بیود آین را که به آنها سبده شده خوبتر بازی نهادند تا تحسین تعاشاگران را نسبت به خوش جلب گند. بایزگران صحته تنشیل عدالت مهیا به جرم را به حیث یک دیو و حشتاک تمثیل و آنرا بورد حمله و اهات قرار داده و حتی در بسیار مامورین قضا





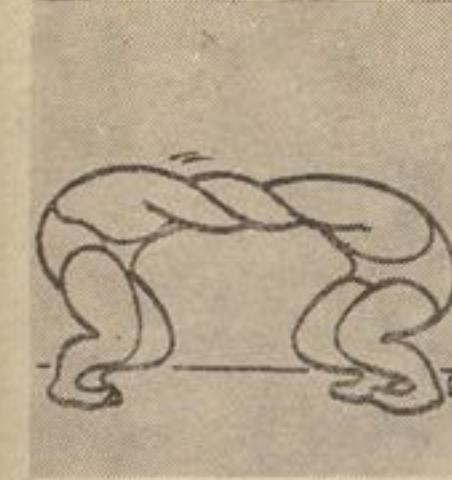
نیم ریکارتفایم کردن بیشتر است از هیچ نکردن!



لک خودرا یکطرف بیانداز.



تب العیک

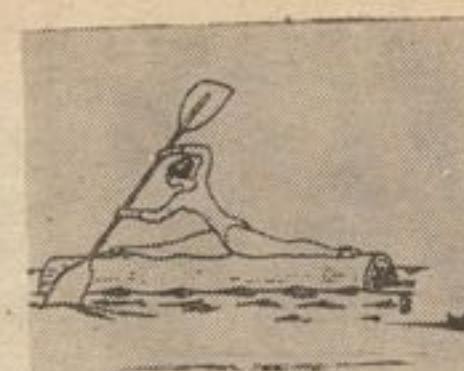


یهلوانی به سینک مار



توب را آهنه شوت کن تا شیشه  
تلوزیون را نشکن!

زوندون



قایق ران جمناستیک باز



از مجله اسپتو نیک، شو خنده با الهیات ۱۹۸۰ مسکو



آنها در پیری از بالای ببل یا تیر خیز می زند.



شعبده باز العیک



زور نالمستان همه با وسائل الکترونیک به مسوی بازی های العیک مسکو شناختند.

## ۳۷۵ سال زندان

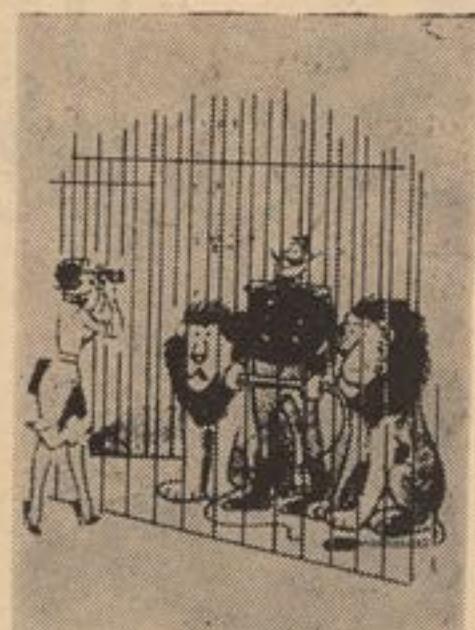
دو زندانی با هم گفتگو داشتند اولی گفت:  
من به حبس محکوم شده‌ام.  
دومی - خوش بحالت برای من بیچاره  
سیصد و هشتاد و پنج سال حبس تو شسته‌ام.



بدون شرح

## وصیه داکتر

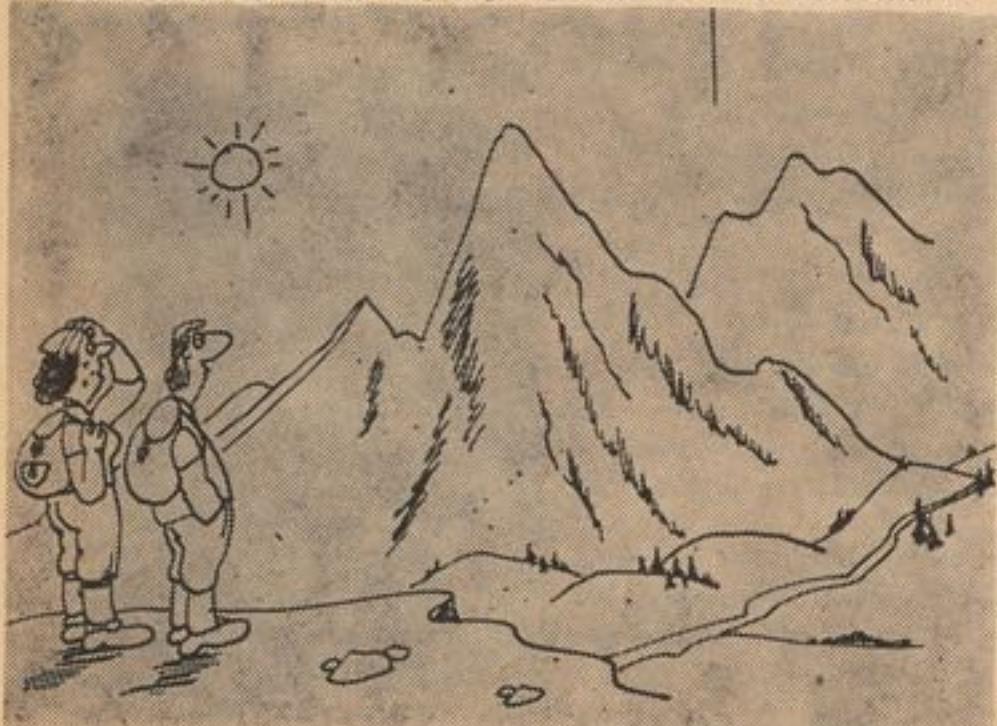
مردی نزد داکتر رفت و گفت:  
داکتر، من دریش سختی کرده‌ام. چنان  
کنم که هر چه نزد ترا از شر این مرض  
وحشتناک آسوده شوم؟  
داکتر چنین توصیه کرد:  
  
- لباسی نالک بپوشید و بروید بیرون  
زیر پاران مرد زمستان بایستید.  
هر چیز حیرت زده گفت:  
- به آنوقت تازه می‌بغل می‌شوهو می‌برم  
مگر همین قسم نیست؟  
- درست است ولی ما میتوانیم سب و بغل  
را به آسانی و دراندگ مدتی علاجه کنیم  
اما برای سرما خوردگی معمو لی هیچ کاری  
از دست ما ساخته نیست.



از بالا به پائین بدون شرح

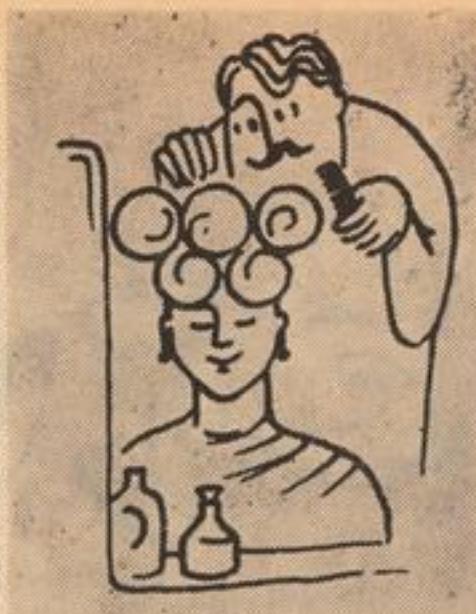
## بوی بنزین

مشتری پس از اینکه جرعه‌یی از مشروب را سر کشید، با محض اینکه بیاله خود را  
روی میز کوبید و پیشخدمت را صندا کرد:  
- قاع این چیست، چای یا قهوه؟  
پیشخدمت هودپانه جوابداد:  
- چطور قربان؟  
- برای اینکه این بوی بنزین را میدهد!  
پیشخدمت سری تکالنداد و با خوشنودی گفت:  
- اگر بوی بنزین میدهد حتی قهوه ام... برای اینکه چای ما بوی مبالغل را میدهد!

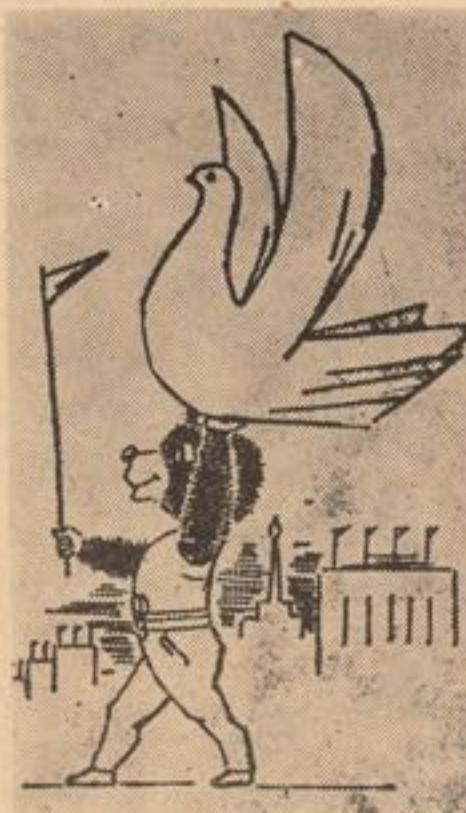


در اینجا هم چندان منظرة خوب نیست در مقابل آن این کوه ها فرار دارد.

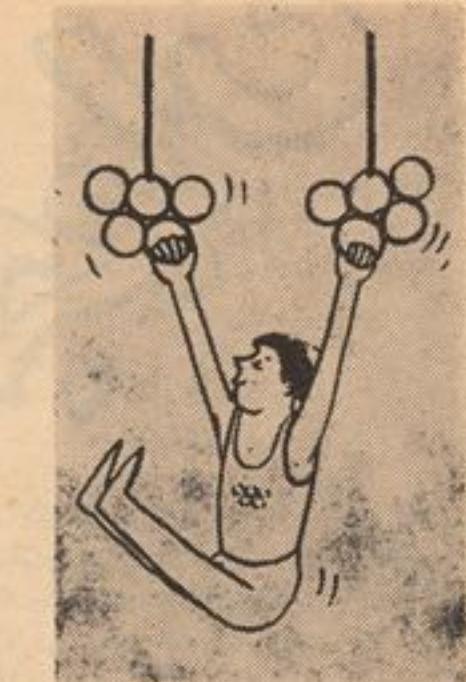
صفحه ۴۰



آرایش المپیک سر



سبول المپیا کبوتر ملی راهبه برواز  
می آورد.



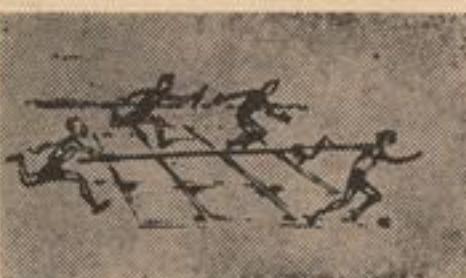
جمناستیک در حلته های المپیک



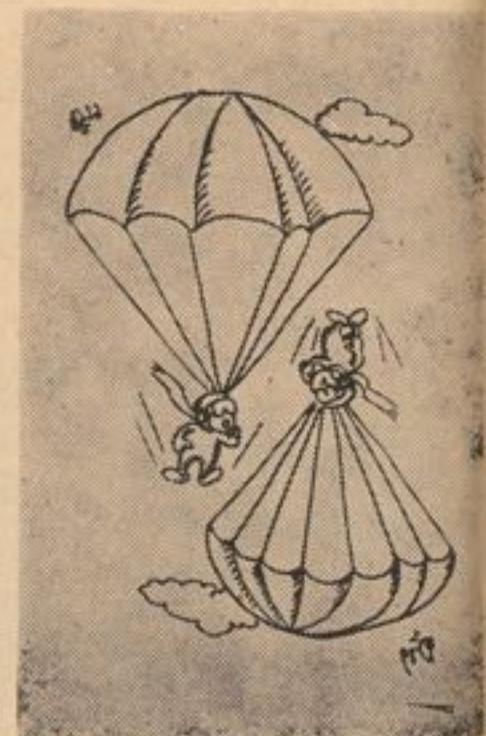
بدون شرح



بدون شرح



پیری و خیز زدن از تیر



آخرین نی خواهم بزمین پالین بیایم

# لئونارد آدمی که در امور فردگی اش حساس و دقیق بود

**لئونارد آدمی که در امور فردگی اش**

**حساس و دقیق بود**



یکی از عده تینین انسان اکتشافات دکتر لئونارد اوینجی همان طریقتداه رفتن در آب بود که چکوونه میتوانند ازین آب های ذیادیدون تکلیف و غرق شدن مانند کسی که در ساحل آرام راه میروند طی طریق کند اودستکش که با عصای بزرگ وصل شده ویوت های قایق شکل را بری ببا کرده بود میتوانست از آب پکند که نمونه آن را درین تصویر بخوبی دیده میتوانیم .

لئونارد اوینج آدم منکر و دانشمند بود او علیه چنگ سرخته میگرد او میگفت که در فضای سلح و آرام است که خلق های میتوانند به زندگی آرام شان ادامه دهند . در شیر میلان کس بنام سالیاهمکار او شد اورایه شاگردی پذیرفت همه مخارج زندگی اورا تامین و بدوش گرفته بود . ملکووه مجسمه سازی در نظر فرانسوی هائیز خلق گردید که آنها نیزه تاسی ازین مکوره مجسمه بزرگ آوری دهم را حاکم نمودند اما این مجسمه کی خودتر بود مگر عنین دیزاین را که لئونارد اوینج در نظر داشت همان طریقه تامروند در طرح مجسمه سازی ازطرف مجسمه سازان یکار میرود .

## درباره اسرار هنرها

ماه ووضع وحالات الکتریکی هوا و حملات به انسان روابطی یافته است . پاره ای عارض و ناراحتی های روحی در انسان تکرار میشود . بنا برین ما ، یا آنکه میگویند سیارة مسدود است ، فقط فعال وزنه آی در روحیات انسان ووضع طبیعی زمین و جذب و دویا ها دارد .

در زیانهای اروپایی ، کلمه «لوفاتیک» که مشتق از لغت لاتینی «لونا» بمعنی ماه است ، در اصل به کسانی اطلاق میشد که زیر غوفه جاذبه ماه قرار گرفته اند و به چنون میباشد اند .

خیافت در مورد ماه بیش از همه در میان دهقانان دنیا رواج دارد ، برای اینکه به خوبی از محصول خود مطلع شوند ، زیرنو ما لو یاقوس کامل ماه ، تخم من پاشند و یا گیاهان را غرس میکنند . بعضی دهقانان عقیده داشتند که هلال ماه ، وقتی به وسط آسمان میرسد ، نشانه آنست که باران خواهد پادیدا در فرهنگ عامه ملت ها ، ماه چهاره های کوئنه گون و جنسیت متفاوت دارد . در برش از کشور های ماه مذکور است ، بعضی جاهای آیان دانشمند اتحاد شوروی ، بین بدر ماه خرگوش مذکور است .

او هم چنان عقیده داشت که نیوری و اندوخته های علمی که در معرض تجربه فرار نگرد به میان خالی مبدل میگردد علم به اثر تجربه و مبارزات علمی پیوسته غنی تر . عمیق تر و گسترده قر میشود ،

لئونارد اوینج مردی که در تاریخ شیرت به سرایی دارد او مدت هادرمورد یک مسلسل مسائل عده واحد فلسفی و علمی کارو فعالیت های خستگی ناپذیر انجام داد از خوش داشت که همیشه خوشخو - متسم بوده و با مردم مزاح تعلیم آمیز نماید . او همیشه معماها ، افسانه ها ، چستان ها میگشت بنابر همین شیرت بود که او مصاحت وهم تشیی بآ دوک و شاهان دکر را حاصل نمود .

لئونارد علاقه داشت که جواب و چیز مختلف زندگی را با تصویر . کارتون ها انکارس یخشد اوله تنها درین وقتی بلکه در رشته های هندسه ، حساب ، فلسفه ، دیاضیات و تجربه ، فزیک و پرواز در فضای تحقیقات و علاقمندی زیاد از خود نشان میداد .

موسوف همیشه به دست چپ مینوشت ولی از طرف راست شروع میگرد به طرف چپ اختتمش می یخشد چون مثل کسیک به لسان دری و یا عربی پژویید که از طرف راست بسوی چپ می آنجامد او اینجا لاتین را که باید از چپ به راست تحریر گردد به تأسی از اندیشه لئونارد صورت گرفته است .

این شکل هدن رفتن بالای آب است که راهکه عضو ازین انسان عاطل و بیکار بماند همان اندازه فرموده و پرسیده میشود او راست آموخته دست چپ نیز بهره مند گردد . همه سال بعد بود که او به زبان لاتینی میگفت دست چپ نیز باید مانند دست راست علاوه بر زبان مادری و سایر زبان های آموخته شده اش تکلم میگرد . کلیه نوته ها و یادداشت های او سراسر نمایانگر دوره های زیبایی و تحمل دوره عتیق روم - یونان - باستان و قرون وسطی بوده است .



لئونارد اوینج علاوه بر مسائل فوق که قبلا تذکر داده شد به مسائل طبی و تحلیل اجزای بدن انسان (آناتومی) علاقه فراوان داشت . اومانند سایر دانشمندان در رشته طبیعت . نیز کارهایی به سرایی انجام داد اولین کسی بود که تصویری از اناتومی وجود انسان را ترسیم کرد . اولیا تحلیل و تشریح میشتم داخلی وجود و فعالیت آن دست به عملیات و ملاج یعنی از تکالیف جسمی نیز می باخت او میگفت که دانش و دانشمند به اثر تجارب والدخته های علمی و تطبیق خلاقانه آن میتواند واتما دانشمند و مبتکر خوب باشد .

لئونارد تصویر الاتومی وجود انسان را بصورت مجزا ترسیم نموده است .



دسايور ۳۵ کيهاني بيري قومانهان، دشوروي اتحاد قيرغان كيهاني بيلوت كويناسوف اويني بيري محقق دهنگري كاسبيك بيلوت فاركاش.

دېھر نې فضا، د خېړو دو نېړو وال ګډ  
پرو ګرامونه

کاسعیکی پیلوغانو هریو کوباسوف او  
فارکاش د خمکی دچار چایپن اوه ورخس  
ماموریت او سفر یاک ته ورساوه اود ۱۹۸۰  
کال دجون دمیاشتی به دریمه نیمه دبیران  
فضا دخیلنو ، تحقیقاتو اوازما یستولو خخه  
وردسته خمکی ته ستانه شول .

د خمکی د گردچایپن دغه علمی خینه نی  
د سالیوت ۷، سایوز-۳۵ او سایوز - ۳۶  
کیهان بیدیو دکه کمپلکس به نتیجه کی  
او دشوروی اتحاد دقرمان او پیاوونی کیهان  
پیلوتون والیری کوباسوف او د هنگری دخلکو  
ددموکراتیک جمهوریت د کیهانی مشهور او  
فامتو پیلوتون او محقق فارکاش بیرتالین به  
کدو همکاریو او هلو خلو ترسه شوی او  
به بری سره بیرته خمکی ته ستانه شول .

د سایوز-۳۵ فضایی بیدیلا کیشنه کیدو دستگاه  
دشوروی اتحاد دجنبر کاسکان دیباردجنوب  
ختیج خخه یو سلو خلویشت کیلو متله لیری  
بریوته . د کوباسوف اوفارکاش دوغیاییس  
حالت دیا دریو . د سالیوت ۷، سایوز- ۳۵ ،

سایوز-۳ د کیهانی بیسیوسوالونته دشوروی  
اتحاد او د هنگری دخلکو د دموکراتیک  
جمهوریت هده کهی علمی مرست دی کومس  
جه دخیلنو او تحقیقاتو له لیاری به بسری

سره ترسه همچوی . دددی خیمه نو یه لی کن  
 دشتری ټولنو دا قصادي ودی ۱ واپتیاو دلبری  
 کولو یه خاطر دخینتو طبیعن متابعو اوزیر نو  
 خیمه نه، دھفو درایستش اسکانات، دخمنک د  
 سطحی او همدادارنگه یه سعندرونو کن داستواله  
 خط خنده عکاسی ترسه شوه . دغه عکاسی  
 او نقشه ایستل دشوروی اتحاد دعکاسی  
 دکمرو او دم، اک، فام دکامیکی کمری  
 یه مرسته چن د شوروی اتحاد او دالسان  
 ددمو کراتیک جمهوریت د منصبیتو یه گد  
 و هلوو خلو جوړه شوی وه پای ته ورسیدی.  
 طبی خیمه نو دیره کرام سره به جوخته خیش  
 هنه فکتورونه کوم چن دانسان یه بدن کن

بنظر برخی از قبایل دملک، ماه زف بیوه سیستم های رادیو تلویزیونی پیچیده‌ای برگین است که مأمور تعریف باربختیدن به درختان ارسال داشت. نتیجه حاصله این بود که است. دربیشتر مذاهب اولیه، ماه یعنی آشکار آن در نیمه مستور ماه مانند قیمه آشکار آن در اله ورب النوع توصیف شده است و ... بسیاری موارد مشابه است و در آن سحرها

دو هزار سال است که ماه و پیروز خیالی به ماه، در افسانه های پیری، منعکس شده است. در قرن دوم میلادی یک نویسنده آسوی به اسم تلوسیان نوشت وادعا کرد که این نام «داستان واقعی» نوشته وادعا کرد که این اتفاق نیست - حقیقت - نه امید - نه امانت.

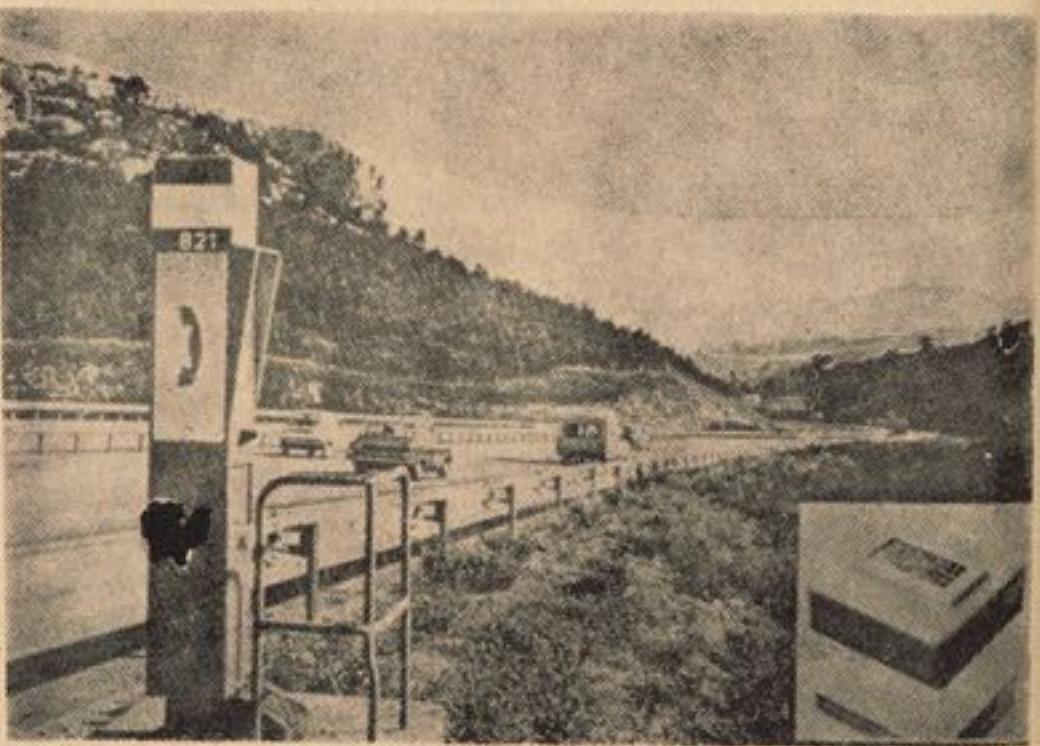
یوهان کپلر، «ژول ورن»، «اج-جنی ولز» و  
ده هادانشمند و فویسنده دیگر، دنباله نکر  
«لوسیان» رگرفته و پروگرام های خیالی رفتن  
به ماه را ترتیب دادند ۱

بهر صورت ، کردش ماه بدور زمین دفیقاً پیست و هفت ولیم روز طول میکشد و در همین ادوبیا را به این کره انتقال داد  
مدت ، ماه یکدور به دور محورش کردش باوجود این ها پسر آرزو دارد تعطیلات ،  
عیدها و کرسمس یا هر گونه رخصتی طولانی می کند .

دیگری را در ماه بگذراند از زیرا در ماه ،  
بشن از زمین، بیش از ۵۹ درصد از چهار  
ماه را نمی تواند ببیند و ۴۱ درصد مقیه تا  
ایند از چشم زمین مستور خواهد بود . در  
اکتوبر ۱۹۵۹ داشتمند ان اتحاد شوروی  
«لونیک سوم» را به مدار ماه پرتاب کردند .  
لین موشک توانست از قسمت پنهان ماه، عکس  
برداری کند و عکس های مذبور را توسعا  
عشقی ؟!

تیلفو نهای آفتا بی

۲۳۰ سالانی مترمیمع من باشد تعیینه گردیده  
با اثرباری ثابت و همیشگی خود تیلفون را فعال  
من میگیرم .



درین تصویر تیلارین آفتابی بالای پایه کنار سرگ دیده می شود .

یهات اسامی وارد کابل شدند . به همین ترتیب هیات چهار نفری پهلوانی افغانی نیز هفته قبل جهت اشتراک در مسابقات جام بین‌المللی لوذر پولیند عازم آنکشور شد لندنی سفر داده انوری بهیت سر برست و تریت نیم ، علام صدیق زوگر در وزن ۶۸ کیلو گرام نجف علی در وزن ۵۷ کیلو گرام و ابراهیم در وزن ۴۸ کیلو گرام روانه پولیند شدند .

تاج ورزشکار ران افغانی که در مسابقات المپیک ۱۹۸۰ شرکت میکنند آنها بنا بر دعوت حکومت اتحاد شوروی روز یازده سر طان کابل را به قصد آنکشور ترک گشتد و هر دو ازین سفر قبلی آنها آماده گشته در مسابقات و ادامه تعریفات شان در آنجا میباشد که مصارف وقت و برگشت هیات ورزشی افغانی را علی سفر های مقدماتی و در خلال مسابقات المپیک ۱۹۸۰ کشور های دعوه شده به شده خود گرفتند .

۳۲ بخش پاتی

## حوانان و تو لندن

دفتر مترقب اولی نظامونو داجتماعی ژوئن دسمون فلسنه دهوانی دخلکو اکثریت پرآرام او نیکردنی ولایه وی او دهولو ملی هدفو ده طرح او تحقیق به سرکنی بی دخلکو داکثریت کسی موقعیت لری او دفعه ملی هدف دنامین به لاره کی قول بشري مسادی او معنوی امکانات یه کار ناجوی .

کران خوانانو ۱ کران افغانستان چی زمو دهولو کوردی دهولو تولنو او کوردوییا وی خوانانو شخه هیله کوی چسی دهولو دهولو مقرراتو خشہ بیروی و کری او خیل هیوادوالو ته خدمت و کوی چی دیوه هیواد دخلکواکثریت

نه خدمت کول تشن دخولو یه خبر و سره بینیخ ته نه راشی بلکه پدی لاره کی عمل او فداکاری ته سوروت شته چی عمل او فداکاری دیا همه وخت دخوانانو به ذهن که او دخوانانو به کرکتر کی خای نیولی شی چو په ریست

هم دخوانانو سره دوطن مینه او محبت دوطن پالنی دایدویالویی یه دنکی رازوی دی وی .

داخکه چی دهیواددیباویه قیاد مفکوری یه دهولو کاره همه یه سیبوی کی دخوان نسل ذهنی قوت دهولانی ده ایخیزو موضع عابو سره زور بیوونه او ایکی بیدا کوی او دهولانی دحیقی سمعون

او دعنه ژوئن سمعون دهاره یه افسرادي او تو لندن سویه سره آماده کیمی . نود کران هیواد دخوان نسل دهاره یه کاره چی دهولانی دهوساینی یه منظور ، نسبت پهخوا ته دهولانی دخلکو داکثریت دهاره خدمت او فداکاری ته خانوونه چمتو کاری او خیل یوازینی ، فردی او اجتماعی نتش یه واقعیت نهاده تو گه سره سره ورسوی .



دو ورزشکار یکه جهت پیروزی مسابقات شان در المپیک ۱۹۸۰ مسکو باهم معاشر میکنند

پیه صفحه ۳۶

## ورزشکاران افغانی

بلندی وزارت تعلیم و تربیه و دگرین عدای لغزی حکیم غصو آمریت تربیت بلندی ریاست تعلیم و تربیه قوای مسلح به جهت اخصائی هیات پاورزشکار ران افغانی همسفر میباشد .

ورزشکاران افغانی عبارت اند : در پهلوانی گیرد گرومن در وزن ۴۸ کیلو محمد کرم در وزن ۵۷ کیلو گرام محمد اعظم ، دروزن ۶۲ کیلو گرام ۲۱ غلام مسلمانی ، در وزن ۶۸ کیلو گرام سخیداد در وزن ۸۲ کیلو گرام احمد جان خشن ، در پهلوانی فرستائل در وزن ۴۸ کیلو گرام محمد شریف در وزن ۵۲ کیلو گرام غلام فاروق ، در وزن ۶۲ کیلو گرام عبدالغطیل ، در وزن ۶۸ کیلو گرام عبداللطیف در وزن ۷۴ کیلو گرام عاصمی زرگر و در وزن ۷۶ کیلو گرام خواجه وجودی زاهدی شامل اند و فیض محمد به جهت ترین پهلوانی همسفر میباشد . در نیم بکستگ این فیروزانان روانه مسکو شدند : در وزن ۴۸ گرام شمس الدین ، در وزن ۵۱ کیلو گرام عبدالغطیل ، دروزن ۶۲ کیلو گرام محمد اسماعیل ، در وزن ۵۷ کیلو گرام غلام ربانی و در وزن ۶۰ کیلو گرام عبدالحری صالح محمد نعیم به جهت ترین بکس و متوجه متخصص پهلوانی اتحاد شوروی به جهت ترین پهلوانی و کشتی گیران افغانی درین سفر میباشد .

قبل از یتکه تیم های افغانی عازم مسکو شوند حکومات دوست و برادر بلغاریا ، بولنده و اتحاد شوروی از مقامات ورزشی افغانی دهوت بعمل آوردند ناورزشکاران افغانی سر سال دوستانه به جهت آماده گشته بیشترشان در مسابقات المپیک ۱۹۸۰ بکنند ، جنا لکه دفاع حزب دمو کراتیک خلق افغانستان به حیث رئیس عمومی کروب و غلام سخن حسن چندی قبل تیم هشت نفری پهلوانی آزاد بلغاریا درین عالی ورزش دیبلوم انجیر نصیر احمد معاون ریاست عالی ورزش و سر برست به آنکشور سفر نمودند که بعد از ۱۴ روز اقامت وادیمه تعریت

ایجاد کنند و نیز توجه بران گردیده تاکسل نیکه درین رخداد جهانی به مسکو میباشد به تمام گلکور و فرهنگ و بالاخره زندگی مردمان اتحاد شوروی آشناز حاصل کنند . ورزشکاران افغانی روانه دهکده المپیک است ، انتگریه عده را که مسکو را واداشت تا به حیث شیر میز بان المپیک ۱۹۸۰ در قطار کشور های داوطلب سر بالاکند همان نهضت المپیک و بازیهای مسابی آن است که نودار بیروزی واقعی افکار مسلح جوانان که این کشور های دیگر میگردید که کمیته ملی المپیک جمهوری دمو کراتیک افغانستان که یکی از اخصائی دائمی و فعلی کمیته بین‌المللی است که این کشور های دیگر و خواهان مسلح سرا بر گیشه اذین افکار و نهضت های مترقب نبردهای اجتماعی را بر همزیستی ورزشی تما سپا ناشته و توانسته با اربابا آن ارتباطات دائمی در اکثر مو شعوب متوره زده حیات و پیشیانی کرده و میکند . بکسر د و در کنگره ها شرکت بکنند آخرين یار دیگه کمیته ملی المپیک حکومت اتحاد شوروی که اتفخار بزیرانی میمانان بیشاری مرکب از قهرمانان جهان و توریست ها را قیل از ۱۹ جولای و بعد از آن به نسبت بزر گذاشت گردیده آنی ورزشکاران در فیستیوال جهان ۱۹۸۰ دارد به گردانندگان سازمان بین‌المللی و روز ش افغانستان داد که حکومت اتحاد شوروی اتفخاری را کمای نکرده تا از بازیهای ۱۹۸۰ المپیک در مسکو منافع ملی و اقتصادی را بیش بین شده باشد و حاصل کند بلکه بر گزار کنندگان المپیاد مسکو موقع دارند تا به ظاهر بر گزاری هر چه بیش و باشکوه تر این فیستیوال جوانان ورزشکار قهرمان جهان از هج گوشش و نلاشی دست نکرده و برای همه ورزشکار ران جوان که درین کشور خواهان مسلح و ترقی قدیمی میگردند زمینه هر نوع مسلح و دوستی صفا و صمیمت را

# اهم پرسیم و نیر میا دنقاشی...

هنری نقاش ددی نوی لاری دقوانیتو خخه به زده پوری کتاب خیور که او ددی خوانی مکتب آنارسی کره کشی لاندی و نیول .

به کمال ۱۸۷۰ کی دفرانسی او آلمان جنگی دده خوانه دله چی دتجری به لاره روان وو بوله بله جلاکرل رونوار، هانه دکاو بازی جکری ته غوبشتل شول ، بازی به جکری که ووزل سو اومنه ، رونوار ، بیسارو او سیسلی لدن ته بناد یووه . به کمال ۱۸۸۲ کی مونه به ازانتوی (باریس نه تری) کی او بیساروی «بونوار» کی به آزاده هوا کی به نوی سبک انغور کری او نقاشی بیل کری .

دمونه کارچی به تریوال سطح او لوی میاس وو، رونوار او سیسلی خان ته راکبل . دیسا رو ایلوی او بیدی توگه رونوار دندر بروی خیلواکی برو بر بایستوب پستانکار و که .

به ۱۸۷۸ کمال کی بام امیرسیونستانو دیوه لیکونکی بموسیله دد، دورانش دکتاب ترخنک بوه بشیره خیره خیره کره ، دهونیز و ستو نزو او عفو رونکو نوته چی بیره ریالری مترا بیل او تری شول . دده تعاون سره جوخت امیرسیو نیسم سبک زوندی او بیاپی شوچی وروسته بیا بیه او بشیره مهروم بی غوره داهنر دیزندنی مرحلی نهورسید . خوسره کمه .

رونکو نو سیستمایک دول سره ریاموند له او سیوری هم رنک آمیزی شولن داجله نقاشان دونکی بجهی دکمال حد ته و رسید نوچله دله او هنرمندان به ۱۸۷۴ کمال کی دخلکو ترکوبس ایزه لاریه بی بینود او بیوه خانکری سبک او توهین لاندی و نیول شول او تر ۱۸۷۶ کمال ته بیه ملاوتله خوددی بیلواالی سره سرم ببوری اوه گله نتدار تونه بر ایستال شول او خیل لومه نی هنری آین (طبیعت او خیلواکی) به همی کمال کی و نلی او نه موتو لیکوال او ته وفادار وو .

چی بسی او امیرسیونیست نقاش دعمنی لحظی درنک دخترکوالی به نظر کی نیولو سره بوهنری اثر منخ نه راوی . لنه نه دی امیرسیونیست نقاش لکه «کلاسیک» یا پیغوانی نقاش غوندی له گوچنیو خطونو ، غرافت ، تناسب او تعادل سره کار نلزی .

«بیسارو» ، «سزان» او «کیمون» و نلی هنرمندان دسویس به اکامیه ، او مونه ، رونوار ، بیزارو اود فونتن بلوین . بن ته راستانه شول او هلت اود فونتن بلوین . بن ته راستانه شول او هلت ای دیاز بیزون دناتورالیستی بیوونخی به سبک نقاشی بیل کره او بیا دهنه خای خخه (سن) لکه خنگه چی دلهر به راختل او لوبیلوكی دفصارنگ تغیره مویس (دورخی روشنایی و روپرور) به تاره اوری (نامیر سیونستان دی نه اوسول چی خبل اثربه لر وخت کی بای تهوره موی لکه همدی کیله دوی به خیل کارکی بیره او چکمیا او بلن رنک ترسیمه منخ ته او وو .

برنه مونه تهدی کبله چی دنقاشی تابلوگانویی موسوعات به نوی به خلول دلی مکتب علم بردار و بدل شو . دده بیر و اتو به (کره بوا) کی سره کتل ، به ۱۸۶۹ کمال کی مونه او رونوار دیورزیوال (دسن تر خنگ و وو کی کلی) منظری به نوی او ابتکاری دول نقاشی او امیرسیونستان دخبل سوچ او تفکر به اساس دی تیجی تهورسیدل جیان ریا لستان به هفه خای کی بول شیان و ووکی بیری، رنکارنگ گلان ونی او حارجا بیر خاصه رو روشن دصخون پهیلدو کی بیخ واقع بین ندی، که کله چی بیوی منظری نه کورو دهنه رنک او خلا درلوده اولمر به خیلی زریشی و پانکی دنو دخانه اوبانوله میتخدسیند به خیانده که هم لکه دیردی دنقاشی درنک به دول سطح سیندلی ، داتسلنلی فضای منظری سبب شری چی دوی خیلی هنچی او تعریک نه نوی به ورکری چی به سای کی بونوی تکنیک چی امیرسیونیسم نویزی کشف او منخ ته رانی . رنک دسخر له خوا چی لهر تندنه وی بودول اونور خی به تیماپی کی بیل دول بسکاری . یا به والی ته نه وورسیدلی او تر ۱۸۸۳ کمال بیوری بل عبارت ریالیست نقاش دطبیعت حقیقی رنک

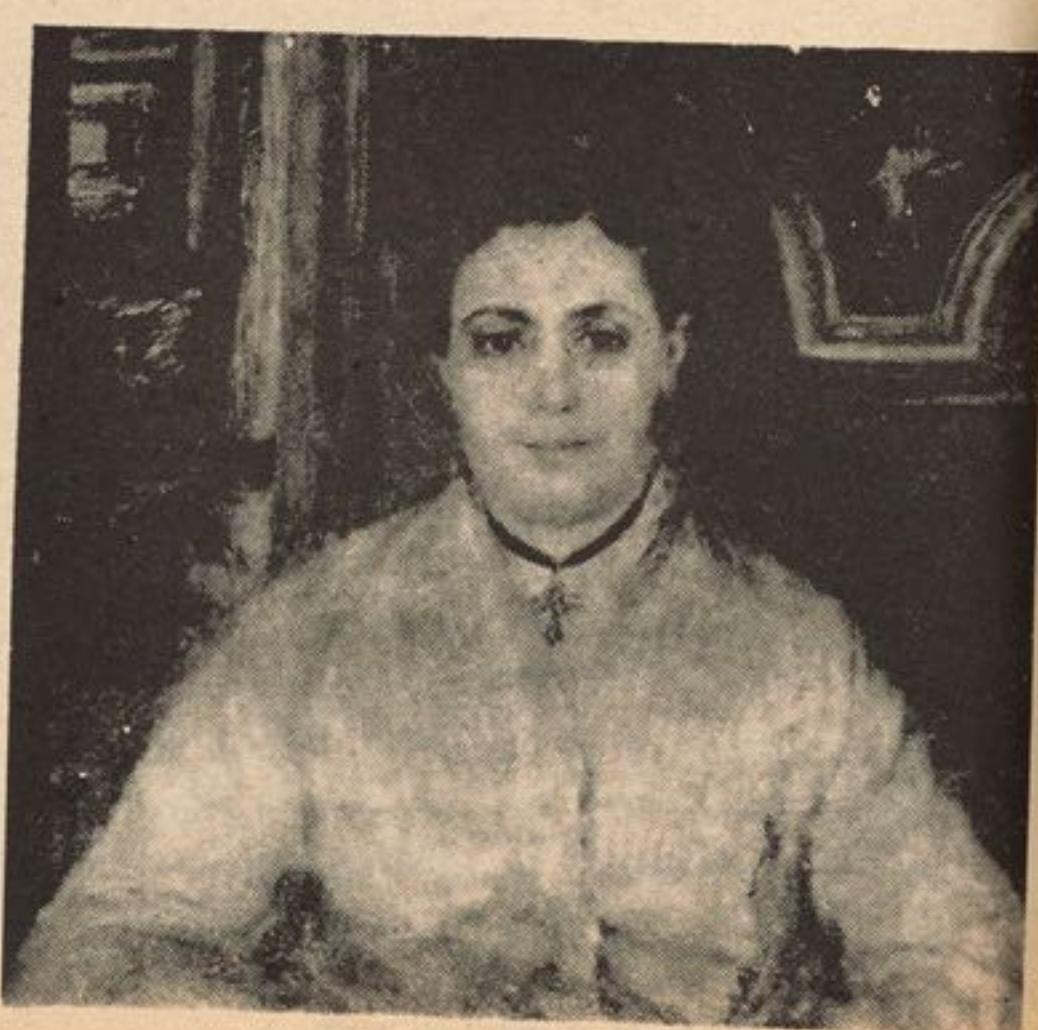
## اسه‌فاده‌از اندیزی باد بخار

### اسه‌تحصال برق

چنین دستگاه‌ها در لایرانوار می‌باشد (آردیانه‌وناکر) در بعضی اوقات مسال که بادستند در آنها می‌وزد فعالیت می‌کند .



دستگاه مذکور هر کب است از یک بره (جرح) که بالای یک پایه بصورت عمومی نصب گردیده و تنهه های نرم و نازک المونیوم یا شیشه فایر . موصوف ادعایی کند اگر هر یک از تیغه های دستگاه مذکور پنجاه متر طول داشته و قدریعه وزش بادی که پنجاه کیلومتر فی ساعت سرعت داشته باشد، به گردش در آید می‌تواند یک میگاوات بسر ق را تولید نماید . بهمین قریب متخصصین تبلیغ کمپنیکشن سیستمی را اختراع کرده اند که توسط اندیزی آتفاب و اندیزی باد دریک عملیه (که ایروز ولیک نامیده می‌شود) به منظور تغذیه تلفون و ترانسیمیترهای رادیو در مناطق دور افتاده فعالیت مینماید معلوم



# خوش

باستقبال روز معلم

اثر: میرمحمد کاظم «هاشمی»

## آسماد

مهر تو به قلب آزمیده  
ای روشنی بخش هر نو دیده  
در منزل از تقا رسیده  
از خود گذری چو تو ندیده  
از لطف تو ای یکانه راز  
شد با پ علو م بر دخم باز

دانسته: ایا معلم دستان  
ای چنین فیض علم و عرفان  
طلیلکه به درس بوده بیان  
کس بپر علاج روح در مان  
از لطف تو ای یکانه راز  
شد با پ علو م بر دخم باز

دادی تو بعما صفات خوبان  
بند تو همیشه دلنشین است  
امرو قبول کرد از جان  
از آنچه خطر مرآ کمین است  
اکنون که نیشوم هر اسان  
در چامعه عزم من مین است  
کین شیوه پیشوای دین است  
در خدمت خاک و مردم خوش

ای مومن روح و هدم جان  
از پند توکس شویم غافل  
بودیم چو مردمان نیادان  
با ظاهر بر شکنه بیمل  
روشن ز تو گشت خاله دل  
دادی تو نجات مان ساحل  
این خاطره ناکاهست در گوش  
کن از تو کنیم ما فراموش

گر تو اگر فلام کنی من با گرفتاری خوش  
ورخوار چون خارم کنی ایکل بدان خواری خو شم  
دان لب اگر کامم نهی ور زانکه دشام دهی  
با این خوش بان خوش باهرچه خوشداری خوش  
خواهی مرا گر بینوا درد د لسم رایدوا  
ور حدسیم داری روا بان ستم گاری خو شم  
والا ترین گو هر تو نی داروی جان بپور تو نی  
درمان دردم گر تو نی با دنج بیماری خو شم  
اید گر ازغم جان به لب کی ایستم ففان بلب  
با هر چه خواهد بار من در عالم یباری خو شم  
ای بیتر یعنی غم خوار دل وی محسر اسرار دل  
خواهی اگر اذار دل با آن دلا زاری خو شم  
نا گشت ام بار تو من از جان برم یباری تونم  
شق است اگر باری گران با آن گران با ری خوش  
در باع خلد ارام بسر زیرا تسر ادامه بیر  
وز هر کسی خو شیخت تو زیرا تو میداری خوش  
گر وصل و گر هجران بود گر درد و گر درمان بود  
حالات خوش با این وان اری خوش اری خوش  
شعر از ابوالنا سه حالت  
انتخاب از راحه ابوی

# بر گزیدهایی از میان

## فرستادهای شما

فراز قله‌ی با میر و شمشاد خروشان هوج دریای ابا سین  
هدامش دولت فر خند گی باد  
به ملت خصلت رز مند گی باد

چراغ عار فان دارد فرو غیر  
ضمیر خسته را روشن نماید

در ینجا لطف بر فیض طبیعت  
به چشم ره وان احسن نماید

جو نیکو بشگری از بر ده شرق  
امید خسته از روزن نماید

مرا این باستانی ملک زیبا  
خرانش در نظر گلشن نماید

به همین روق و رخشند گی باد  
عدو را خجلت و شر مند گی باد

فراید در مجا مع مژده نفسیز  
ز فیض نعمت آزاد خواهی

نوای روح بخش شیر مردان  
نمای نیک و بد با یک تکا هی

تبه کاری ز اشباح سیا هی  
کجا صاحبدلان حضرت پندیر د

وطن خوش عظیر سازند گی باد  
«نصیب» این آرزو پا بند گی باد

## عقاب تیز بال

به اوج شاد ما نی میزند پسر  
گزارش از همه آزادگی داشت  
فروزان در سما رخشنده اختر  
سینه دش محل گیتی تو ازی  
عیان در شعل گیتی تو ازی  
همه اکناف را شادی سرا سر

؛ فروغ هیر را تابند گی باد  
شرف را در حرامت زندگی باد  
بمنثور حصول افتخار ات  
ز شادی طرفه می بالد روانها  
عتاب نند پسرواز معادت  
گشا ید بال سوی آسمانها  
ز جنبش می نوازد باد با نهایا  
زند چشمک به اوج کیکنا نهایا

به کشوریک چهان بخشندگی باد  
هیته شاهد بالند گی باد  
علق خوش ادا پر واژ شاهین  
ز شادی در فضای لا جور دی  
فروزان لمعی خور شید ترین  
به کیمیار و صحاری و دمنها  
نماید ابرها چون کوه سیمین  
خوا شا آن منظر زیبای ها مون

(خدا بیامزش) هنر مندان دیگری را که رای مردم عزیز و گرامی اند و همه خوب میخواهند سر زنش کنیم.

آقای محترم همچنان نوشتند که ظاهر هریدا هیچگاه نمیتواند که بالحمد طاهر برای کند، من این حرف راقیوں دارم چه ظاهر هویدا از نگاه زندگی خصوصی وجه از لحاظ زندگی اجتماعی هر کس نمیتوانست باحمد طاهر برای کند او این راهی واد راهی نبود منظور من این نیست که از ظاهر هریدا دفع کنم زیرا دیگران هستند که به بهترین وجهی اور این هنر را میشناسند و قدر میکنند و مدافعین خوبی هم برایش شده میتوانند اما این حقیقت است که ظاهر هریدا میتواند بر جسته ترسیم نطاق و آواز خوان رادیو باشد اما یکی که خودش نمیخواهد، بجاست.

باید همه هنرمندان را که خوب میخوانند دوست داشت و برای همه شان احترام فایل شد، و از صفات یکطرفة، منفی باقی و باش نمودن حق دیگران که بی عدالتی است، جدا خود داری کرد.

دوست عزیز عبدالقهار امان دو قلمه شعر شما به اداره رسید و اینک فرمی از آن:

اگر گویم که دل خواهد ترا آیا چه میکویی  
و کم این راز گردد بر ملا آیا چه میکویی  
خیالات برده هوش از سر تو ازان قرار از دل  
دوای درد بیمارت بتا آیا چه میکویی  
غروب آرزو هایم به چشم انداز  
پس ای خورشید باین ادعای آیا چه میکویی  
به جادوی نگاه افکنه مارا بدام خود  
دهی شتم ویا سازی رها آیا چه میکویی  
من این دام که چیزی بد نمیکوییم ولی داید  
بدانم اینکه ای کان حیا آیا چه میکویی  
\* \* \*

بیادر ما چه بگوییم که میکویی، میگویی  
چه میگویی به ما چه و به مجله زوندون چه؛  
و اگر باز بگوییم میگوییم دلت رانکه دار،  
بدلودسیکر جار میزیم و پودر دی دی نی  
تجویز میکیم، وقتیکه از این پودر استفاده  
نمودید غروب آرزوها را در چشم اش میبینید  
... از بقیه شوختی ها میکنیدم و آرزو من دیدم  
خده و دق نشده باشید...

شعر «مهریان میهن» شما را در صفحه پر کریده ها ... به نشر میرسانیم - خداحافظه  
دوست عزیز محمد کبیر از لیسه انصاری  
متقا بلا سلام های مملو از صمیمیت و دوستی  
عرض میکنیم. شکر که سلامت ایدودست  
تان در پای قلم است انتظار نامه های ارزشمند  
و آگنده از مطالب خوب شما را داریم به این  
انتظار از نشر این مطالب که به گفته خود  
شما درست و صحیح تحقیق نشده صرف نظر  
میکنیم، خدا حافظ شما.

والسلام

**مدیر مسوول: راحله راسخ خرمی**  
**معاون: محمد ذمان نیکرای**  
**امر چاپ: علی محمد عثمانزاده**  
**آدرس: انصاری وات - جوار**

ریاست مطابع دولتی

تلفون مدیر مسوول: ۳۶۸۴۹

تلفون توزیع وشکایات: ۳۶۸۵۹

اما در مورد دیگران لقب هایی از جانب مقامات مسؤول نفوذ شده است که لازم است تا ضایعه ها و معیارها جستجو شود و سپس حکم صادر گردد.

این نکته ها در مصاحبه من که در زوندون چاپ شد قابل تصحیح میباشد و اظهار امید میکنم که در آینده بنام مصاحبه بر حقایق، طالعه بورس صورت تواهده گرفت و به عقیده و نظر اشخاص توجه شایسته مبدول خواهد گردید.

دوست عزیز نور جهان مخصوص معلم مکتب ابتدائی زرغونه ایل ولایت کنند!

سلام های گرم جواب نویس را تیزبیدیرید

از لطف و نظر شاعر حق این بندظها که آنهم

خودم باشم (مکر شک دارم که خودم، خودم

نیستم) سیاس تزارم، گوش از نامه شادوست

عزیز مارا عکس رخ محبوب یار دربر گرفته که

نیکوافتاده بود و صوفی به ناحیه از خندمی به

طبع خام افتاد. فقط آنرا شوخی حساب کنید

فرموده ایدکه «... اگر یک تابلوی میباشد

را که از شعریکی از شعرای معاصرالایام گرفته

باشم و بارنگیکای مختلف آبی کار شده باشد

و آنرا برای شما بفرستم، در مجله دلخواه

بجای خواهید رساند یا بآخر ۰۰۹ آزرمندم

که جواب منبت و منفی رادر صفحه جواب

به نامه های شما بدید

دوست عزیز چیزی پرسیده ایدکه مشت

پوشیده و هزار دنیار راماند وجه میتوانیم

عرض کنیم، خلاصه یکویم که اگر رحمت نشود

تابلو را بفرستید و آنگاه به داوری می نشیم

که آن تابلو چگونه است؟ آیا خوب کارشده

است یا خیر؟

به این ترتیب یاسخ آنرا دو باره به اطلاع

نان میگردیم، ولی امیدواریم که تکلیف

شده است سخن خود را بگوییم شان بر سام

خوارنی شمارم. مقاماییکه در هرات از قرنا

بادوتا روسه تارو غیره نواخته میشد هر چند

خرد نمی فروشیم، تو سیم میبین خود نگهدار

از دوست نوازی شما شکر. نگارنده هم

دعا کشور ها تکامل یافته و بیشتر بر موازین

شمام، فراوان سلام و کلام میگویند که چطور

هستید، چه حال دارید، سر به سلامت.

نگاشته ایدکه در شماره دهم زوندون در همین صفحه

چوای را شاعری در باره اش گفت: مایوس

شان بی شئ فعادد.

دوست عزیز لیلما رحیم زی فارغ التحصیل

لیسه زرغونه ایل ولایت فندهار.

از دوست نوازی شما شکر. نگارنده هم

در هرات خارج شده است اماده

بسا کشور ها تکامل یافته و بیشتر بر موازین

علی استوار گردیده و خود بعد تازه می از

موسیقی جهانی را تشکیل میدهد، من آنها را

نگاشته ایدکه در شماره دهم زوندون در همین صفحه

چوای را شاعری در باره اش گفت: مایوس

شان بی شئ فعادد.

دوست عزیز چوای را شوخته میخواهد میگوییم

کنونی مازاغنی ترسازند، خط شان جداست.

را باره ایل ولایت میگردیم، این جنگ

که این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد

به این ادعایی که در دهه هشتاد و هشتاد



**Get more e-books from [www.ketabton.com](http://www.ketabton.com)**  
**Ketabton.com: The Digital Library**